

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



پیش

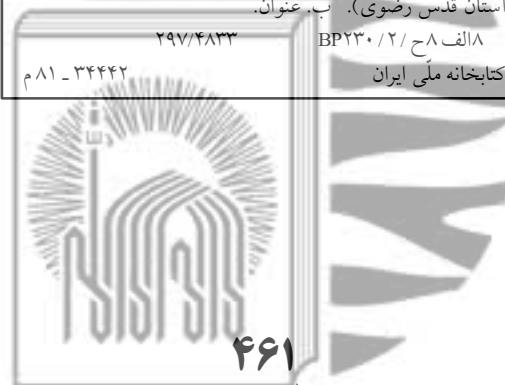
انتشارات آسان قدس رضوی





اهدایی آستان قدس رضوی

حکیمی، محمد، ۱۳۱۸ -  
 امام رضا(ع): زندگی و اقتصاد / محمد حکیمی. - مشهد: شرکت  
 به نشر، ۱۳۸۱.  
 ۱۹۰ ص. - (انتشارات آستان قدس رضوی، شرکت به نشر؛ ۴۶۱)  
 شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۰۲-۱۰۷۸۹-۹ ISBN 978-964-02-1078-9  
 فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.  
 کتابنامه به صورت زیرنویس.  
 ۱. اسلام و اقتصاد. ۲. علی بن موسی (ع)، امام هشتم، ۱۵۳ -  
 ۲۰۳ ق. - نظریه درباره اقتصاد. الف. شرکت به نشر (انتشارات  
 آستان قدس رضوی). ب. عنوان.  
 ۲۹۷/۴۸۳۳ BP۲۳۰ / ۲ / ۸ الف ح  
 کتابخانه ملی ایران ۳۴۴۴۲ - ۸۱ م



۴۶۱

امام رضا علیه السلام - زندگی و اقتصاد -

محمد حکیمی

چاپ پنجم / ۱۳۸۸

۲۲۰۰ نسخه / پالتویی

چاپ: کامیاب

شابک: ۹ - ۱۰۷۸ - ۰۲ - ۹۶۴ - ۹۷۸

انتشارات آستان قدس رضوی  
 حق چاپ محفوظ است.

به نشر (انتشارات آستان قدس رضوی)

دفتر مرکزی: مشهد، ص. پ. ۴۹۶۹ / ۹۱۳۷۵، تلفن ۸۵۱۱۱۳۶-۷

نمابر ۸۵۱۵۵۶۰

دفتر تهران: ۸۸۹۶۰۶۲۰، ۸۸۹۶۲۳۰۱، نمابر ۸۸۹۶۵۹۸۲

آدرس اینترنتی: [www.behnashr.com](http://www.behnashr.com)

پست الکترونیک: [publishing@behnashr.com](mailto:publishing@behnashr.com)

|           |                                         |
|-----------|-----------------------------------------|
| ۹         | پیشگفتار                                |
| (۱۳ - ۲۶) | بخش اول: اصل مالکیت                     |
| ۱۵        | فصل ۱: مالکیت حقیقی                     |
| ۱۹        | فصل ۲: مالکیت مجازی                     |
| ۲۱        | فصل ۳: مالکیت اجتماعی                   |
| ۲۳        | فصل ۴: مالکیت فردی                      |
| (۲۷ - ۵۲) | بخش دوم: حدود و شرایط مالکیت            |
| ۲۹        | فصل ۱: اصل محدودیت                      |
| ۳۳        | فصل ۲: محدودیت در راههای درآمد          |
| ۳۶        | فصل ۳: محدودیت سود در داد و ستد         |
| ۴۱        | فصل ۴: محدودیت در مصرف                  |
| ۴۵        | فصل ۵: تقدیر (اندازه داری) در زندگی     |
| ۴۸        | فصل ۶: شکر (بهره برداری درست از نعمتها) |

## بخش سوم: پدیده فقر (۵۳ - ۶۴)

- فصل ۱: فقر، عامل مرگ و نابودی ۵۵
- فصل ۲: فقر، عامل سلب شخصیت ۵۹
- فصل ۳: فقر، کلید مشکلات اجتماعی ۶۳

## بخش چهارم: علل و عوامل فقر (۶۵ - ۸۲)

- فصل ۱: ظلم ۶۷
- فصل ۲: مدیریت غیر متخصص ۶۹
- فصل ۳: فساد و تباهی اموال ۷۲
- فصل ۴: حاکمیت معیارهای سرمایه‌داری ۷۵
- فصل ۵: مدیریت خائن ۷۸

## بخش پنجم: مبارزه با فقر (۸۳ - ۱۱۰)

- فصل ۱: تأمین نیازمندیها در طبیعت ۸۵
- فصل ۲: مالیاتهای اسلامی (زکات) ۸۹
- فصل ۳: حق معلوم ۹۲
- فصل ۴: تأمین سطح زندگی ۹۵
- آ- نان و آب ۹۶
- ب- گوشت ۹۸
- ج- لباس ۱۰۰
- د- نظافت و بهداشت ۱۰۱

|             |                                          |
|-------------|------------------------------------------|
| ۱۰۲         | هـ - تزئین و آرایش                       |
| ۱۰۴         | و - عطر، بوی خوش                         |
| ۱۰۶         | ز - رابطه سطح زندگی و سطح درآمد          |
| ۱۰۷         | ح - تأمین سالیانه                        |
| ۱۰۹         | فصل ۵: حرمت مال و رشد آن                 |
| (۱۱۱ - ۱۲۵) | <b>بخش ششم: کار و عمل</b>                |
| ۱۱۳         | فصل ۱: کار در قانون طبیعت...             |
| ۱۱۶         | فصل ۲: کار در قانون دین و نظام تشریع     |
| (۱۲۷ - ۱۳۱) | <b>بخش هفتم: تعاون و مددکاری اجتماعی</b> |
|             | <b>بخش هشتم: اخوت اسلامی و خاستگاه</b>   |
| (۱۳۳ - ۱۳۸) | <b>اقتصادی آن</b>                        |
| (۱۳۹ - ۱۴۸) | <b>بخش نهم: مسئولیت دولت</b>             |
| ۱۴۱         | فصل ۱: نقش حیاتی حکومت                   |
| ۱۴۴         | فصل ۲: چگونگی رابطه امام و امت           |
| ۱۴۶         | فصل ۳: همسان زیستی با محرومان            |
| (۱۴۹ - ۱۶۷) | <b>بخش دهم: پدیده سرمایه‌داری</b>        |
| ۱۵۱         | فصل ۱: مشکل اساسی                        |

- فصل ۲: ره‌آوردهای شوم سرمایه‌داری ۱۵۳
- ۱- روابط اقتصادی و بُعد زندگی مادی ۱۵۳
- آ - گردش ثروتهای عمومی در دست طبقه اشراف ۱۵۳
- ب - رباخواری ۱۵۴
- ج - ظلم، خیانت و استثمار ۱۵۶
- د - انحصارطلبی در اموال... استثمار ۱۵۷
- ۲- تاثیر سرمایه‌داری در روابط انسانی و بُعد معنوی ۱۵۸
- ۱- ترک نیکوکاری و کارهای انسانی ۱۶۲
- ۲- ترک صله رحم و قطع ارتباط خانوادگی ۱۶۳
- ۳- بخل و خست ۱۶۴
- ۴- تعهدشناسی و مسئولیت‌گریزی ۱۶۵
- بخش یازدهم: انتظار سامانیابی زندگی (۱۶۹ - ۱۷۳)
- بخش دوازدهم: کرامت انسان و حقوق او (۱۷۵ - ۱۸۶)
- کتابنامه انتشارات آستان قدس رضوی ۱۸۷



## پیشگفتار

نیازهای زندگی و مسائل معیشتی و اقتصادی، بیشترین نگرانی انسان دیروز و امروز است و با شرایط کنونی، در آینده نیز چنین خواهد بود. برطرف کردن این نگرانی بزرگ و فراگیر، آنگاه امکان دارد که اقتصاد با مسائل ارزشی آمیخته گردد و اخلاق به کمک معیارهای اقتصادی بشتابد، و عدالت اجتماعی بر سیاستهای مالی و نظامهای اقتصادی پرتو افکند.

روشن است که قوانین به تنهایی نمی‌تواند تعهد لازم و مسئولیت‌شناسی ژرفی را در انسانها پدید آورد، و از این همه فاصله‌های زندگی و محرومیتها بکاهد. از اینرو، در تعالیم اسلامی، اخلاق و اقتصاد پیوندی ناگسستنی دارد و فعالیت‌های اقتصادی انسانی بر پایه باور تکلیف و مسئولیتهای خدایی استوار گردیده است و انسانهای دین‌باور، در گردش ثروت و شیوه‌های تولید و توزیع و

مصرف، از تکلیف الهی پیروی می‌کنند و مسئولیتهای انسانی را نیک باور دارند. بدین جهت است که بازار اسلامی و کارگاه و کارخانه و مزرعه اسلامی با دیگر بازارها، کارخانه‌ها و مزارع تفاوتی اصولی می‌یابد. و اصول و معیارهایی خدایی بر آن پرتو افکنده و آن را از هر گونه ظلم و حقکشی بدور داشته است. (البته در صورتی که اسلامی باشد).

اصل تعهدشناسی و مسئولیت‌پذیری که از آموزشهای اساسی همه ادیان آسمانی است؛ در اسلام بسیار مورد تاکید قرار گرفته است؛ بویژه در روابط اقتصادی. در پرتو این اصل است که زندگی سامانی شایسته می‌یابد و از رنج و اندوه توده‌های انسانی کاسته می‌گردد.

حضرت امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا (ع) در بیان «حکمت احکام» و از جمله «زکات» می‌فرماید: «لَأنَّ اللهَ كَلَّفَ اهلَ الصَّحَةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ اهلِ الزَّمانَةِ وَ الْبَلَوِ<sup>۱</sup> ... خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره) امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند...»

مسئولیتهای اقتصادی، در حوزه رفتار و تلاش انسانی و روابط اجتماعات بشری<sup>۲</sup> از مهمترین مسئولیتهای است، که همه انسانها در برابر آن مسئول و متعهدند، و هر

۱. معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (ع) / ۱۰.

۲. و همین است که در قرآن کریم «زکات»، همواره در کنار «نماز» که عمود دین و رکن اسلام است ذکر شده و عمود دوم دین شمرده شده است.

کس به سهم خویش و به مقدار توانی که دارد (طبق تعبیر کلام امام رضا(ع))، باید برای رفع نابسامانیهای اقتصادی جامعه خویش و کل جامعه بشری بکوشد. همین خط مشی کلی و همین سیاست مالی است که از مجموع تعالیم دین و احادیث پیامبر(ص) و امامان معصوم(ع) و از جمله تعالیم رضوی، به روشنی به دست می‌آید. خط اساسی و معیارهای اصلی این رساله نیز بر همین محور دور می‌زند.

در این زمانه ناهنجار، و با همه انسانیتهای فراموش شده، و با انبوه موانعی که بر سر راه انسانها در سراسر کره زمین پدید آمده است، اگر راههای رهایی به انسانها نموده شود، و ارزشهای معنوی و الهی درست تبیین گردد، با آغوش باز پذیرفته خواهد شد، و روی کرد به آموزشهای اصیل دین اوج خواهد گرفت و زمینه اندیشه‌های باطل و بی‌پایه و اساس بشری، از میان خواهد رفت.

امام رضا(ع):

رَحِمَ اللَّهُ عَبْدًا أَحْيَى أَمْرُنَا. فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُحْيِي أَمْرَكُمْ؟  
 قَالَ: يَتَعَلَّمُ عُلُومَنَا وَيُعَلِّمُهَا النَّاسَ. فَإِنَّ النَّاسَ لَوْ عَلِمُوا  
 مَحَاسِنَ كَلَامِنَا لَا تَبْعُونَا<sup>۱</sup>:

خدا پیامرزد کسی را که امر ما را زنده کند. گفتیم:  
 چگونه امر شما را زنده می‌کند؟ فرمود: علوم ما را  
 می‌آموزد و به مردمان تعلیم می‌دهد. همانا اگر مردم

۱. معانی الاخبار ۱/۱۷۴؛ معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی (ع) / ۲۲.

تعالیم زیبای ما را دریابند از ما پیروی کنند (نه از غیر ما)، یعنی به راه درست و «صراط مستقیم» درمی آیند، و به سعادت هر دو جهان می‌رسند.

در راستای این هدف ارزشمند، پاره‌ای از تعالیم رضوی (ع) در مسائل معیشت و زندگی و بینشهای اقتصادی گرد آمد، و به صورت این رساله عرضه گشت. امید که در معرفی زیباییهای تعالیم آن امام بزرگ، موفقیتی نصیب شده باشد، و نارسایی بیان و این قلم را، ژرفایی و بیکرانگی این حکمتها و آموزشها جبران کند، و دیدگاههای ویژه مسائل مالی در احادیث امام علی بن موسی الرضا (ع) اندکی روشن گردد، و همگان را سودمند افتد و نسل جوان ما را با فرهنگ غنی اسلامی، اندکی آشنا سازد.

مشهد مقدس رضوی

۸۱/۲/۳

بیت  
انتشارات آستان قدس رضوی



بخش اوّل:

اصل مالکیت

انتشارات آستان قدس رضوی



## فصل ۱:

### مالکیت حقیقی

امام رضا «ع»:

... إِذْ كَانَ (اللَّهُ تَعَالَى) الْمَالِكُ لِلنَّفُوسِ وَ الْأَمْوَالِ وَ  
سَائِرِ الْأَشْيَاءِ، الْمَلِكُ الْحَقِيقِيُّ وَ كَانَ مَا فِي أَيْدِي النَّاسِ  
عَوَارِيٍّ...<sup>۱</sup>

... خداوند مالک حقیقی مردمان و اموال و  
دیگر چیزهاست، و آنچه در دست مردم است،  
عاریت است...

مالکیت، در طول تاریخ، از سرچشمه‌های اصلی  
فساد، بیدادگری، درگیری و تضادهای اجتماعی بوده  
است؛ زیرا انسان، کانون نیاز و احتیاج است و نیازها با

---

۱. مستدرک الوسائل ۵۵۲/۱؛ الحیة ۶۸/۳.

کالاها و اموال برآورده می شود و در اختیار داشتن و مالکیت مال و کالا، آسایش و آرامش انسان را تأمین می کند. طبقاتی که به «داشتن» های فراوانی دست بیابند، می توانند نیازهای خود را به صورت کامل برطرف سازند، و در برابر احتیاجات احتمالی آینده تأمینی بسنده داشته باشند. بدینسان، نقش اساسی مال و مالکیت در زندگی انسان آشکار می گردد.

به دنبال پیوند ناگسستنی وضع نیازمندیها با مالکیت، حس فزون طلبی انسان رخ می نماید. از این رو، به ذخیره سازی و انباشتن ثروت و گردآوری کالاها و مواد اموال می پردازد، و برای داشتن های زیاد و گسترش قلمرو مالکیت، به کوشش برمی خیزد، و هر راهی را برای رسیدن به این مقصود می پیماید، و از هر گونه مانع و محدودیتی سرباز می زند، و عوامل و زمینه هایی را می جوید که دستیابی به داشتن بیشتر و افزون تر را ممکن سازد.

بدینجهت، ریشه فتنه ها و مشکلات و بی عدالتی و نابسامانی و نیازمندی در زندگی انسان، از مالکیت برمی خیزد؛ مالکیتی که مرز و حد و قانون و شرع شناسد، و با احساس فزونخواهی و قدرت طلبی انسان آمیخته گردد، و بخشهای عظیمی از مواد و ثروت جامعه را از راههای نامشروع، ویژه خویش سازد. درست اندیشیدند کسانی که گفتند: انسان باید از پرستش بت «درهم و دینار

(سیم و زر)» نیز پرهیزد، و از قید اسارت مالی آزاد گردد، و احساس فزونخواهی و آزمندی و حرص او مهار شود، و از بند داشتن‌های افراطی و نداشتن‌های تفریطی نجات یابد، تا انسانیّت او بشکفتد و استعدادهایش به فعلیت درآید.

اصل مالکیت - به عنوان یک قانون پایدار برای حفظ جامعه و انسان - ضرورت دارد و اصلی انکارناپذیر است، بگونه‌ای که تعلق و بستگی برخی از اشیا به انسان، طبیعی و بر پایه اصلی فطری است، لیکن همین اصل، اگر در چهارچوب شرع و قانون محدود نگردد، و با میزان عدالت مشخص نشود، سرچشمه بدبختیها، نابسامانیها، و ویرانگریهای فراوان می‌گردد، و بسیاری از انسانها را از حق فطری خویش نیز محروم می‌سازد.

در اندیشه الهی امام رضا «ع»، مالکیت حقیقی ویژه خداوند است و مردمان در داشتنها اصالت ندارند و مالک حقیقی نیستند؛ بلکه آنچه را در دست دارند و به ظاهر مالک آن هستند، به عنوان عاریت به آنان داده شده است تا برای گذران زندگی، از آنها - بصورت مشروع - بهره ببرند، چنان‌که در کلام بلند پایه آن امام بزرگ در آغاز فصل دیدیم.

نفی مالکیت حقیقی از انسان، و معرفی مالک حقیقی، نقشی اصولی در کار بهره‌برداری از اموال و کالاها دارد، و از هدف شدن مال و مالپرستی مانع می‌گردد، و نادیده گرفتن حقوق مالی را از میان می‌برد، و بطور کلی بینش انسانها و

شیوه عمل آنان را در مسائل مالی، به راه درستی هدایت می‌کند، و از هرگونه بی‌تعهدی و خودمحوریهای سودپرستانه در مسائل مالی مانع می‌گردد. همچنین، این بینش توحیدی، در سیاستگذاری اقتصادی در نظام مالی جامعه نیز تأثیری ژرف دارد، و محور اصلی سیر مال و گردش ثروت را مشخص می‌سازد، و راه را به روی استفاده‌های افراطی فردی و محرومیتهای دسته‌جمعی سدّ می‌کند.



## فصل ۲:

### مالکیت مجازی

امام رضا «ع»:

... وَ إِنَّهُمْ (النَّاسُ) مَالِكُونَ مَجَازًا لَا حَقِيقَةً لَهُ، وَ كُلُّ مَا  
أَفَادَهُ النَّاسُ فَهُوَ غَنِيمَةٌ...<sup>۱</sup>

... مردمان مالک مجازی (عاریتی) هستند که  
مالکیت آنان حقیقتی ندارد، و همه آنچه را از راه  
سود به دست می آورند در حقیقت غنیمت است...

انسانها همه در بهره برداری از طبیعت و مواهب آن،  
جنبه وکالت، امانت داری، خلافت و جانشینی دارند، و  
می توانند در حد وکیل در اموال و اشیا تصرف کنند و از آنها  
بهره ببرند. آنچه مردم از راه مبادلات و صنایع و فعالیت و کار

---

۱. مستدرک الوسائل ۵۵۲/۱.

به دست می‌آورند و از خوان طبیعت برمی‌گیرند، در حقیقت غنیمت و فضل و بخشش الهی است که به آنها می‌رسد. در آیه‌ای که مالکیت انسان ذکر شده، مالکیت اشخاص را استخلافی (جانشینی) و نیابتی و وکالتی معرفی کرده است:

«... وَأَنْفَقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلَفِينَ فِيهِ...»<sup>۱</sup>

از آن چیزها و اموالی که خداوند شما را به نیابت مالک آنها قرار داده است، به دیگران بدهید.

تعبیر «استخلاف: نیابت و جانشینی»، نوع مالکیت انسان را روشن می‌سازد.

محدث بزرگوار، فیض کاشانی، ذیل این آیه می‌گوید: «خداوند شما را در اموال نایب و خلیفه خود قرار داده است، پس در حقیقت مالک اوست نه شما».<sup>۲</sup>

این اصل نیز (اصل جانشینی و نیابت در اموال)، در مسائل اجتماعی تأثیری ژرف و بنیادی دارد، اگر درست آموزش داده شود، و در قانون‌گذاری و برنامه‌های مالی مورد توجه باشد.

۱. سوره حدید (۵۷): ۷.

۲. تفسیر صافی ۱۳۳/۵.

### فصل ۳:

## مالکیت اجتماعی

امام رضا «ع»:

اعلم... أَنَّ حَقَّ الْإِخْوَانِ وَاجِبٌ فَرَضٌ... وَ أَبْذُلُوا  
النَّفُوسَ وَ الْأَمْوَالَ دُونَهُمْ... وَ مَوَاسِئَهُمْ وَ مَسَاوِئَهُمْ فِي  
كُلِّ مَا يَجُوزُ فِيهِ الْمَسَاوَاةُ وَ الْمَوَاسَاةُ...<sup>۱</sup>

بدان!... که حق برادران واجب و فرض است از خود  
و اموالتان برای آنان سرمایه گذاری کنید، و در هر  
چیز که مساوات و برابری رواست با آنان به برابری  
و مساوات رفتار کنید...

مالکیت حقیقی خداوند و «مال الله» بودن تمام  
اموال و اشیا - حتی نفوس و انسانها - تعمیم بهره برداری

---

۱. بحار ۲۲۶/۷۴ و ۲۲۷؛ الحیة ۴۴۵/۶.

را اثبات می‌کند؛ یعنی همگان چون خلق خدا و «عیال الله» هستند (طبق تعبیر احادیث)، باید از مواهب الهی و از خوان گسترده خداوندی بهره ببرند، و همه نیازمندان نیازشان را برآورند.

بنابراین، «مال الله» بودن، با «مال الناس» بودن رابطه دارد، و جریان الهی مال در جامعه و نظریه «خدا مالکی»، ضرورت جریانی است مردمی؛ زیرا که «مال الله»، «مال الناس» است و اموال و اشیا وسیله‌ای برای بهره‌برداری عموم انسانها حتی جنبندگان قرار داده شده است، و هدف از خلقت خود آنها یا مواد و منابع آنها، رفع نیاز همه مردم است. همچنین این اصل اسلامی، هرگونه انحصارطلبی و ویژه‌ساختن بخشهایی از منابع ثروت و امکانات درآمد را به طبقه‌ای خاص مردود می‌شمارد، و مالکیت‌های آزاد و نامحدود را رد می‌کند، و مسئولیت بزرگ افراد را در برابر جریان مال مشخص می‌سازد، و همگان را در برابر کیفیت و کمیت بهره‌برداری از اموال مسئول می‌شناسد.

انتشارات آستان قدس رضوی

## فصل ۴:

### مالکیت فردی

امام رضا «ع»:

مَنْ شَهِدَ عَلَى مُؤْمِنٍ بِمَا يَنْتَلِمُهُ أَوْ يَنْتَلِمُ مَالَهُ أَوْ مُرُوءَتَهُ،  
سَمَّاهُ اللَّهُ كَاذِبًا وَإِنْ كَانَ صَادِقًا وَإِنْ شَهِدَ لَهُ بِمَا يُحْيِي  
مَالَهُ أَوْ يُعَيِّنُهُ عَلَى عَدُوِّهِ أَوْ يَحْقِنُ دَمَهُ سَمَّاهُ اللَّهُ صَادِقًا وَ  
إِنْ كَانَ كَاذِبًا<sup>۱</sup>.

آنکس که به زیان مؤمنی شهادتی بدهد که مایه  
بدنامی او باشد، یا به مال و اعتبار او زیان رساند،  
خداوند او را دووگگو بنامد گرچه راستگو باشد.  
و اگر گواهیی داد که مال او حفظ گردد، یا در  
برابر دشمن او را یاری کند یا خون او حفظ شود،  
خدا شهادت دهنده را راستگو بنامد؛ گرچه

---

۱. غوالی اللثالی ۳۱۴/۱ و ۳۱۵ - چاپخانه سیدالشهداء «ع»، قم -  
ایران ۱۳۰۴ قمری.

دروغگو باشد.

مالکیت فردی، از حقوق طبیعی و فطری انسان است (با توجه به مفهوم حقیقی مال و ملک). انسان از نیروی مادی و معنوی خود کمک می‌گیرد و با تغییر شکل مواد طبیعت، کالایی را می‌سازد، یا از معادن استخراج می‌کند. این کالا مورد میل و رغبت و نیاز مردم قرار می‌گیرد و ارزش پیدا می‌کند و مال و ملک به حساب می‌آید. این مال و ملک، در حقیقت بخشی از تلاش آدمی و همان نیروی انسان است که در خارج تجسم یافته است، و انسان حق پیدا می‌کند که محصول کار و کوشش خود را در اختیار داشته باشد و از هرگونه تجاوز و دستبرد به آن مانع گردد. نظام اجتماعی نیز باید این حق طبیعی را برای هر فرد به رسمیت بشناسد و نگهبان و پاسدار آن باشند.

این مالکیت، اگر از انسان گرفته شود، در حقیقت اختیار انسان نادیده گرفته شده و شخصیت او نفی گردیده است.

شرع نیز به این اصل طبیعی و حقوقی توجه کامل دارد، و آن را در نظام اقتصادی خویش، محور و اصل قرار داده است، و تمام مبادلات و معاملات و کارهای اقتصادی را بر آن استوار ساخته است. هرگونه تجاوز به حریم

مالکیت فرد و غصب و سرقت مال مردمان، جرم به حساب آمده است.

در تعالیم والای امام رضا «ع» تجاوز به حق مالکیت و سرقت اموال، عامل فساد مالی و کشتار انسانها شمرده شده است.

امام رضا «ع»:

... سرقت تحریم شد چون مایه فساد اموال و کشتن مردمان است، و به این علت که دست درازی و غصب اموال دیگران موجب کشتار و درگیری و حسدورزی است، و اینها مردم را به رها کردن داد و ستد و کسب مال از راه صنعت و کار فرامی خواند؛ زیرا (در صورت تجاوز به مال دیگران)، هیچ کس نسبت به مالی که به دست آمده است، از کس دیگر اولویت ندارد»<sup>۱</sup>.

حق مالکیت در نظر امام «ع» تا بدانپایه اهمیت دارد که انسان در دفاع از این حق، می تواند تا مرز شهادت پیش برود، و اگر در راه حفظ مال خویش کشته شود شهید به حساب می آید. یعنی کارگر یا کشاورز یا کاسبی که برای جلوگیری از تجاوز به مال خود کشته می شود، شهید

۱. عیون اخبارالرضا «ع» ۹۷/۲.

محسوب می‌گردد.

امام رضا «ع»:

وَمَنْ قُتِلَ دُونَ مَالِهِ فَهُوَ شَهِيدٌ<sup>۱</sup>:

آن کس که برای حفظ مال خویش کشته شود، شهید است.



۱. عیون اخبار الرضا، ۲/۱۲۴.



بخش دوم:

# حدود و شرایط مالکیت





## فصل ۱:

### اصل محدودیت

امام رضا «ع»:

... إِذَا فَعَلَ النَّاسُ هَذِهِ الْأَشْيَاءَ (الْمَنْهِيَّاتِ)، وَارْتَكَبَ كُلُّ  
إِنْسَانٍ مَا يَشْتَهِي وَيَهْوَاهُ، مِنْ غَيْرِ مُرَاقَبَةٍ لِأَحَدٍ، كَانَ فِي  
ذَلِكَ فَسَادُ الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ...<sup>۱</sup>

زمانی که مردم به کارهای ممنوع دست زدند، و هر  
کس هر چه دلش خواست کرد، بدون اینکه کسی  
نظارت کند، (در این صورت) مردم همگی به فساد  
و تباهی دچار می‌گردند.

در مالکیت دو نظریه است:

### ۱- آزادی در مالکیت (لیبرالیسم اقتصادی)

در پناه این نظریه، هر انسانی در شیوه‌های دستیابی

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۹۹/۲.

به مال و گردش ثروت، تولید، نرخ گذاری و توزیع و مصرف، آزاد است. انسان در فعالیتهای اقتصادی، آزادی دارد که از هر راه می خواهد پول درآورد، هر چه می خواهد تولید کند، و به هر قیمت می خواهد بفروشد، و بر هر شکل - درست یا نادرست - برای کالای خود تبلیغ کند و در هر راه و به هر اندازه که می خواهد مصرف کند، هر چه می خواهد داشته باشد و تا هر اندازه می خواهد در ثروت اندوزی پیش برود. در این امور، محدودیت و ممنوعیتی ندارد. این نظریه (لیبرالیسم اقتصادی)، شیوه سرمایه داران و جامعه های سرمایه داری است. در سایه این شیوه، مالکیت های بزرگ و کلان پدید می آید، و بیگمان، جامعه را به دو طبقه سرمایه دار و محروم تقسیم می کند.

## ۲- محدودیت در مالکیت

در پرتو این نظریه، انسان در کارهای اقتصادی و شیوه های تولید و توزیع و مصرف، محدود است و باید در چهارچوبهای مشخص و معینی که قانون و شرع آنها را تعیین می کند، و به صلاح حال افراد و جامعه است، گام بردارد. افراد در این نظام از هر راه و هر طور خواستند نمی توانند به ثروت دست یابند و مال اندوزی کنند، و هر کار را نمی توانند انجام دهند، و هر کالایی را نمی توانند تولید کنند، و کالا را به هر قیمت که خواستند نمی توانند بفروشند.

در نظام توزیع نیز باید در چهارچوب عدالت اجتماعی و برابری انسانها عمل شود، و کالاهای تولید شده را به همگان برسانند و در دسترس عموم قرار دهند. در نرخ‌گذاری نیز باید جانب عدل و انصاف رعایت شود، و هیچگونه زیاده‌روی و ظلمی در کار نباشد.

در مصرف نیز محدودیت هست. باید مصرف افراد، حتی در اموال شخصی، در حد لزوم و نیاز باشد و هر کس از اسراف و زیاده‌روی دوری گزیند و اضافه بر نیاز را در دسترس جامعه قرار دهد، و بهای آن را عادلانه دریافت کند.

در سخن الهی امام رضا (ع) دیدیم که آزادی انسان، به حدود صلاح حال خلق محدود گشته و رعایت جانب جامعه و وضعیت اجتماعی، منظور گردیده است، و عمل آزاد و دلخواهانه و بدون مراقبت و نظارت قانون و مجریان قانون، در داد و ستد و تولید و توزیع و مصرف، زیانمند و ممنوع شمرده شده است. از اینرو، کار و عمل اقتصادی نیز در اسلام، چون دیگر اعمال، به حرام، مباح، واجب و... تقسیم می‌شود؛ و پس از رسیدگی، بسیاری از شیوه‌های پول‌سازی و کارهای اقتصادی و روشهای درآمد و مصرف - در اوضاع کنونی - حرام و ممنوع دانسته می‌شود، و برخی جایز و مباح. تولید برخی کالاها که قوام و استواری نظام جامعه را موجب گردد، یا نیاز همگان را برآورد، واجب

شمردن شده است. بنابراین، شیوه‌های درآمدی که در سیستم اقتصاد آزاد، و در جامعه سرمایه‌داری رایج و مجاز است، از نظر امام رضا (ع) «ممنوع و محکوم است». در نظر امام رضا (ع) شیوه درآمد باید در چهارچوب مقررات و قوانین سودمند به حال جامعه و مردمان محدود گردد، و هر فعالیت اقتصادی که به نوعی برای فرد و جامعه زیان‌آور باشد ممنوع شود.

در برابر این نظریه - که همواره از طرف پیامبران اعلام و پیگیری می‌شده است - نظریه ثروت‌اندوزان خود سر و خودکامه است که هر کار و هر شیوه را در راه مال‌اندوزی روا و جایز می‌دانند، و به هر کاری برای دستیابی به این هدف دست می‌یازند. این جریان در قرآن مطرح شده است:

... أَصْلَوْثُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ  
فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ...<sup>۱</sup>:

آیا همین نماز تو فرمان می‌دهد ترا که ما خدایی را که پدرانمان می‌پرستیدند رها کنیم و در اموال خویش چنان‌که خواهیم تصرف نکنیم...

امارات اسان دس رضوی

## فصل ۲:

### محدودیت در راههای درآمد

امام رضا «ع»:

... واجتنابُ الكبائر و هي قتلُ النفسِ التي حَرَّمَ اللهُ  
تعالى وأكلُ الرِّبا بعدَ البَيِّنَةِ... والبخسُ في المكيالِ  
والميزان... والاسرافُ والتبذير... والخيانة...<sup>۱</sup>:

(از شرایط ایمان است) دوری از گناهان کبیره  
یعنی کشتن انسان - که خداوند منع کرده است - و  
رباخواری پس از دلیل (که این مورد ربا است) و  
کم دادن و کاستن پیمانه و ترازو... و اسراف و  
ریخت و پاش... و خیانت...

در این کلام، امام از گناهان کبیره سخن می‌گوید

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۱/۲۱۲.

(یعنی گناهانی که کیفر آنها سوختن در جهنم است) شیوه‌های درآمد نامشروع و گردآوری ثروت‌های حرام نیز از کبائر شمرده شده است، و برخی از این شیوه‌ها را همسان بدترین گناهان چون آدم‌کشی یاد کرده است. آری کم‌فروشی، اسراف و ریخت و پاش، خیانت، درآمد از راه ربا، سودپول و... درکنار قتل نفس قرار گرفته است. چه فرق می‌کند که انسان یکباره به حیات انسانی پایان دهد، یا با مکیدن خون او و بریدن رگ حیات اقتصادی، وی را به کم‌خونی و مرگ تدریجی دچار سازد.<sup>۱</sup>

انفاق نیز که از برترین کارها شمرده شده و یکی از صور تصرف در اموال است، باید در محدوده ضوابط و محدودیتهای شرعی صورت گیرد، و انسان متعهد نخست باید بنگرد مالی را که می‌خواهد انفاق کند از راه مشروع به دست آورده است یا نه؟ اگر از راه مشروع به دست آمده است انفاق کند، وگرنه انفاق در اموالی که از راههای نامشروع و دور از مقررات دین به دست آمده باشد، ارزشی ندارد، بلکه باید آنها را به صاحبانش برگرداند. در قرآن به صراحت اعلام شده است:

... أَنْفَقُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ...<sup>۲</sup>:

۱. این موضوع، مشروحتر در فصل «استثمار» - در علل فقر - خواهد آمد.

۲. سوره بقره (۲): ۲۶۷.

انفاق کنید از مالهای پاکی که به دست آورده‌اید...

و امام صادق «ع» این آیه را چنین تفسیر کرده است:

امام صادق «ع»:

...كَانَ الْقَوْمُ قَدْ كَسَبُوا مَكْسَبَ سَوْءٍ فِي الْجَاهِلِيَّةِ، فَلَمَّا  
أَسْلَمُوا أَرَادُوا أَنْ يُخْرِجُوهَا مِنْ أَمْوَالِهِمْ لِيَتَصَدَّقُوا بِهَا،  
فَأَبَى اللَّهُ تَعَالَى إِلَّا أَنْ يُخْرِجُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا كَسَبُوا<sup>۱</sup>:

مردم (در جاهلیت) از راههای ناهنجار (و غیر مشروع) اموالی به دست آورده بودند. چون به اسلام گراییدند، خواستند تا آن اموال را از دارائی خود افزاز کنند و آنها را صدقه دهند. خداوند این را نپذیرفت، و انفاق را از درآمدهای حلال و پاک روا دانست.

بشر  
انتشارات آستان قدس رضوی

### فصل ۳:

## محدودیت سود در داد و ستد

امام رضا «ع»:

رَبِّحُ الْمُؤْمِنِ عَلَى أَخِيهِ رَبًّا، إِلَّا أَنْ يَشْتَرِيَ مِنْهُ شَيْئاً بِأَكْثَرِ  
مِنْ مِئَةِ دَرَاهِمٍ، فَيَرْبَحَ فِيهِ قُوَّةَ يَوْمِهِ، أَوْ يَشْتَرِيَ مَتَاعاً  
لِلتِّجَارَةِ فَيَرْبَحَ عَلَيْهِ رِبْحاً خَفِيفاً<sup>۱</sup>:

سود گرفتن مؤمن از برادر دینی خویش ربا است،  
مگر اینکه چیزی را به بیش از صد درهم بخرد. در  
این صورت، به اندازه خوراک روزانه اش سود  
دریافت می کند؛ یا کالایی را برای فروش بخرد، در  
این صورت سود اندکی از او می گیرد.

در پرتو این کلام، به محدودیت اصولی دیگری

---

۱. بحار ۱۰۳/۱۰۰؛ مستدرک الوسائل ۲/۴۶۴؛ الحیة ۴/۱۴۲.

می‌رسیم و آن، محدودیت در چهارچوب سودهای تجاری و داد و ستدها است. داد و ستد و تجارت، در اصل و ماهیت مباح و مجاز است و کسانی که کالایی را با کوشش و صرف وقت، در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌دهند، به مصرف‌کننده کمک کرده‌اند و شایستگی مزد و پاداش و به اصطلاح مقداری سود دارند؛ لیکن این سودها باید محدود باشد، و در چهارچوب قانون عدل و انصاف محدود گردد. شرایط و نوسانهای اجتماعی و اقتصادی، نباید موجب گردد که در روابط تجاری و خرید و فروش، پای سودهای کلان به میان آید، و نظام فاسد و ضد اجتماعی واسطه‌گری، بتواند در تنگناها و فشارهای اقتصادی، سودهای کلان به جیب بزند، و دست توده‌های مصرف‌کننده را به نام «جواز سود در معاملات»، تهی سازد.

امام رضا (ع) در این سخن می‌فرماید: به اندازه گذران زندگی (قُوْتِ یَوْمِه) سود ببرد، یا در مورد مال تجاری، سود اندک (ربح خفیف) داشته باشد. و رشد و افزایش ناموزون و زیاد سود، در معاملات تجاری نباشد.

در اقتصاد سرمایه‌داری، سود، قاعده و هدف و اصل است، و جریان کالا، برای سرمایه‌داران، وسیله و ابزاری برای دستیابی به سود بیشتر است. ماهیت نظام سرمایه‌داری را سودهای روزافزون و درآمدهای افزایشی و زیاد تشکیل می‌دهد.

در اسلام، هدف اصلی، توزیع سالم کالا در جامعه و رفع نیاز مردم و رعایت مصالح عمومی است.

آیه الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی می گوید: «از تتبع قسمت مهم روایاتی که از عصر پیامبر اکرم (ص) و ائمه «سلام الله علیهم اجمعین» در زمینه آداب تجارت داریم، به خوبی درمی یابیم که یک کاسب دارای اخلاق اسلامی و ملتزم به مبانی اسلام، سودی که در کسب برای خود در نظر می گیرد، معادل حق الزحمه ای است که عادلانه باشد؛ ولی کاسبی که علاوه بر این بخواهد اصل سرمایه او که از نظر اقتصادی عقیم و نازا است، برای او معجزه کند، و فرزند داشته باشد، فرد غیر منصفی است، و در این زمینه در معیارهای اسلامی تردیدی نیست... ما از آیه «أَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَ حَرَّمَ الرِّبَا» تا حد سود معقول، حق الزحمه فروشنده را می فهمیم، و بیش از این از نظر ماهیت اقتصادی، نوعی ظلم است، و هیچگونه تفاوتی با ربا ندارد...»<sup>۱</sup>

آیه الله شهید سید محمدباقر صدر نیز می گوید: «این منع قاطع امام (در عهدنامه مالک اشتر) از احتکار، به معنای خواست شدید اسلام نسبت به از میان بردن سودهایی است که بر اساس قیمتهای ساختگی استوار است، و در جریان احتکار سرمایه داری پدید می آید. سود پاک

۱. اقتصاد اسلامی / ۶۰-۶۲، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۶۲.

(مشروع) سودی است که از راه بهای واقعی مبادله کالا به دست می‌آید. و این قیمتی است که بر اساس سود کالا و مقدار قدرت طبیعی و خارجی آن به دست می‌آید، با دور افکندن جریان کمیابی ساختگی که سرمایه‌داران و بازرگانان محترک با تسلط بر جریان عرضه و تقاضا آن را ایجاد می‌کنند.<sup>۱</sup> نیز ایشان در کتاب گرانقدر «اقتصادنا» در این زمینه تحلیل‌های ارزنده‌ای دارد که فرازهایی از آن را در اینجا می‌آوریم. «بدینسان، فروش برای خرید (برای برطرف کردن نیازها)، به فروش برای انباشتن پول تحول یافت.<sup>۲</sup> کلام امام رضا «ع» از قرآن گرفته شده است. قرآن، درباره تجویز سودهای تجاری چنین گفته است: «لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِنْكُمْ وَلَا تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ...»<sup>۳</sup> امواتان را در بین خود بناحق مخورید، مگر داد و ستدی باشد با رضایت شما (خریدار و فروشنده)، و خودهاتان را مکشید...»

در این آیه، رضایت خریدار و فروشنده شرط شده است، و در صورت گرانفروشی و سودهای زیاد، رضایت

۱. الاسلام يقود الحياة / ۴۹ - ۵۰، وزارة الارشاد الاسلامی.

۲. اقتصادنا ۳۶۹/۱، بیروت، دارالتعارف، ترجمه فارسی ۴۵۱/۱.

۳. سورة نساء (۴): ۲۹.

خریدار حتماً وجود ندارد.

در آغاز فصل «اصل محدودیت»، سخنی از امام رضا «ع» آوردیم که اگر کنترل و محدودیتی در کارهای اقتصادی و غیر اقتصادی انسانها نباشد، جامعه به تباهی کشیده می‌شود، و همگان به فساد دچار می‌گردند. از نمونه‌های مهم و روشن محدودیت و نظارت در کارهای اقتصادی افراد و اجتماعات، کنترل سود در معاملات است.

امام علی «ع»:

... وَلَيْكُنَ الْبَيْعُ بَيْنًا سَمَحًا، بِمَوَازِينٍ عَدْلٍ، وَ أَسْعَارٍ لَا تُجْحَفُ بِالْفَرِيقَيْنِ، مِنَ الْبَائِعِ وَالْمُبْتَاعِ...<sup>۱</sup> :  
معامله باید سهل و آسان و با میزان عدالت انجام شود و با نرخهایی صورت گیرد که به هیچیک از خریدار و فروشنده اجحاف نشود.

این حدیث، معیار اصلی در حدیث امام رضا «ع» را بازگو می‌کند، که باید در مبادله «ربح حقیف» باشد، و اجحافی به هیچیک از خریدار و فروشنده نشود. «بیع سَمَح» و آسان و از روی موازین عدالت و نرخ مناسب، که در کلام امام علی «ع» آمده است، معنای «ربح حقیف» در کلام امام رضا «ع» را روشن می‌سازد.

## فصل ۴:

### محدودیت در مصرف

امام رضا «ع»:

...إِسْتَأْذَنْتُ الرِّضَا «ع» فِي التَّفَقُّعِ عَلَى الْعِيَالِ؟ فَقَالَ: بَيْنَ الْمَكْرُوهَيْنِ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ لَا وَاللَّهِ مَا أَعْرِفُ الْمَكْرُوهَيْنِ. قَالَ: فَقَالَ لَهُ: يَرْحَمُكَ اللَّهُ أَمَا تَعْرِفُ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَرِهَ الْإِسْرَافَ وَكَرِهَ الْإِفْتَارَ<sup>۱</sup>، فَقَالَ: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا»<sup>۲</sup>.

از امام رضا «ع» درباره چگونگی تأمین مخارج خانواده جويا شدم، فرمود: (مخارج خانواده) حدّ وسط است میان دو روش ناپسند. گفتیم فدايت شوم: به خدا سوگند نمی دانم این دو روش چیست؟ فرمود: رحمت الهی بر تو باد، آیا نمی دانی که خداوند بزرگ

۱. سفینه البحار ۱/۶۱۵؛ الحیاة ۴/۲۰۵.

۲. سورة فرقان (۲۵): ۶۷.

اسراف (زیاده‌روی) و اقتار (سخت‌گیری) را ناخوشایند دارد و در قرآن فرموده است: «آنان که هر گاه چیزی ببخشند نه زیاده‌روی کنند و نه خست و ورزند، و میانگین این دو را در حدّ قوامی (مایهٔ پایداری و بقای زندگی) ببخشند».

از دیدگاه امام رضا «ع»، پس از محدودیتهای گذشته در مسائل مالی و کسب مال، تصرفات در اموال شخصی نیز محدود است؛ یعنی اموالی که طبق اصل مالکیت فردی، به شخص تعلق دارد و اختیار آنها در دست او است و بظاهر انگاشته می‌شود که او می‌تواند در آنها هرگونه که خواست تصرف کند، در واقع این چنین نیست، و تصرفات در اموال شخصی نیز محدود و مشروط است، و هر کس در مال خود نیز مجاز نیست هرگونه بخواهد تصرف کند؛ بلکه تصرف او باید در حدّ میانه و دور از اسراف باشد. هرگونه اسراف و مصرف زیاد در اموال شخصی و برای شخص مالک، ممنوع است. اتفاق بالاترین و ارزشمندترین نوع تصرف در اموال شخصی است، و شخصی که مال خود را اتفاق می‌کند، بهترین نوع تصرف را در آن انجام داده است، بویژه که برای افراد خانوادهٔ خودش باشد؛ با این وصف، این تصرف نیز محدود و مشروط است. باید اتفاق در حدّ متعادل و وسط (و حدّ قوامی) باشد، نه زیاده از مقدار لازم و نه

کمتر از آن. چنان‌که در حدیث امام رضا «ع» بدان اشاره شد. «اسراف» و «اقتار»، دو حد نامتعادل و نامعقول و غیر قوامی و غیر مشروع مصرف است، حد مشروع و معقول، حد میانه و نظام قوامی قصد، اقتصاد و میانه‌روی است؛ چنان‌که در حدیث امام رضا «ع» بدان اشاره رفت. امام در کلامشان فرمودند: پرداخت مخارج خانواده، میان دو مرز قرار دارد: مرز اسراف و زیاده‌روی (و تجمل‌گرایی و پرمصرفی)، و مرز اقتار (تنگ‌گیری و کمتر از حد لازم خرج کردن) و ایجاد کمبود در زندگی.

با بررسی احادیث دیگری که از امام رضا «ع» در این زمینه رسیده است، به مرزهای دقیق‌تری از مفهوم اسراف دست می‌یابیم. در کوچکترین چیزها، حتی آنها که در نظر مردم بی‌ارزش و دور ریختنی جلوه می‌کند، امام اسراف را روا نمی‌داند:

امام رضا «ع»:

«مَنْ الْفَسَادُ قَطَعَ الدِّرْهَمَ وَ الدِّينَارَ وَ طَرَحَ النَّوَى<sup>۱</sup>:

تکه تکه کردن درهم و دینار (یا هر پولی دیگر که آنها را از استفاده بیندازد)، و دور افکندن هسته خرما (که ممکن است بذر نخلی شود، یا به مصرف دیگری آید)، از جمله کارهای فاسد و نادرست است».

۱. مسند الامام الرضا «ع» ۲/ ۳۱۴.

در آشامیدنیها و خوردنیها نیز در نظر امام رعایت حدّ میانه لازم است، حدّ میانه مایه دوام و سلامت مزاج است، و زیاده روی و پرخوری بدن را می فرساید و عمر را کوتاه می کند، و موجب انواع بیماریها می گردد.

امام رضا «ع»:

لَوْ أَنَّ النَّاسَ قَصَدُوا فِي الْمَطْعَمِ لَأَسْتَقَامَتْ أَبْدَانُهُمْ<sup>۱</sup>:  
اگر مردمان حد میانه را در خوراک رعایت می کردند  
بدنهایشان پایدار (و سالم) می ماند.

حد میانه در خوردن، متناسب با رشد تن و روان آدمی است. در پوشیدن نیز، رعایت جانب حد میانه و دوری از تجمل گرایی و اسراف لازم شمرده شده است.<sup>۲</sup>

انتشارات آستان قدس رضوی

۱. الحیة ۲۱۵/۴.

۲. اینگونه تعلیم در قرنهای پیش که موضوع بازیافت و استفاده از زباله ها مطرح نبوده، اعجاز است.

## فصل ۵:

### تقدیر (اندازهداری) در زندگی

امام رضا «ع»:

«لَا يَسْتَكْمِلُ عَبْدٌ حَقِيقَةَ الْإِيمَانِ حَتَّى تَكُونَ فِيهِ خِصَالُ  
ثَلَاثَ: التَّفَقُّهُ فِي الدِّينِ، وَحُسْنُ التَّقْدِيرِ فِي الْمَعِيشَةِ، وَ  
الصَّبْرُ عَلَى الرِّزَايَا»<sup>۱</sup>:

تا سه خصلت در آدمی نباشد، حقیقت ایمان او  
کمال نیابد: «ژرف شناختن دین، و اندازه داشتن در  
زندگی و پایداری در مصیبتها».

از شاخه‌های اصل محدودیت در مصرف، تقدیر در  
(معیشت) زندگی است. این اصل، در کلمات پیامبر «ص» و  
امامان «ع» فراوان آمده است، و به معنای اندازه داشتن در

---

۱. تحف العقول / ۳۲۹.

هزینه، و حساب کردن امور زندگی، و برقراری هماهنگی میان نیازها و چگونگی برآورد آنها است؛ یعنی رعایت اصل حیاتی نظم و انضباط اقتصادی است. این اصل از برنامه‌های اساسی اقتصادی و تربیتی در اسلام است. افراد جامعه اسلامی باید دارای تربیتی اقتصادی باشند، و زندگیشان برنامه داشته باشد؛ و مصرف مواد و کالاها باید در چهارچوب محاسبه و مدیریت انجام گیرد.

اهمیت این بعد از تربیت، در اینست که نظام اقتصادی حاکم بر حیات فرد و جامعه، اگر با اندازه‌داری و محاسبه باشد، زمینه‌ای سازنده برای رشد مادی و معنوی افراد خواهد بود. و سبب می‌شود تا از امکانات و نیروها به موقع و باندازه بهره‌برداری شود، و از هرز رفتن توان و فکر و سرمایه‌های انسانها جلوگیری بعمل آید زندگی بی حساب و فاقد محاسبه و اندازه‌داری، تعادل و هماهنگی لازم را ندارد و با وجود صرف نیرو و سرمایه فراوان، بازدهی بسیار اندک خواهد داشت؛ در نتیجه امکانات و نیروها هرز می‌رود، و استواری و پایداری حیات فرد و جامعه دچار مخاطره می‌گردد.

اصل «تقدیر در معیشت»، به رعایت حدود لازم و پیروی از حدّ میانه و دوری از اسراف می‌انجامد.

این اصل، با توجه به زبانی که در حدیث امام رضا (ع) و دیگر احادیث به کار رفته، و به صورتی کلی و

قانونمند بازگو شده است، همهٔ مراحل تکلیفی را در همهٔ ابعاد زندگی دربرمی‌گیرد. دوری از اسراف، تبذیر، و تضييع و فاسدکردن مواد و کالاها را نیز شامل می‌گردد. مراحل نهایی و تکامل یافتهٔ مصرف را که حذف زواید و امور غیر ضروری است، تضمین می‌کند. این اصل همچنین در قلمرو گسترده‌تر برنامه‌ریزیهای اقتصادی نیز جریان دارد. برنامه‌ریزی اقتصادی و نظام تولید و توزیع باید با تقدیر و محاسبه انجام گیرد. تولید هر کالا باید با اندازه‌گیری و محاسبه باشد تا مقدار توان و کارایی که از آن کالا منظور بوده با ترکیب موادی که در آن به کار رفته است، هماهنگ باشد.

## شکر (بهره‌برداری درست از نعمتها)

امام رضا «ع»:

«إِنَّ صَاحِبَ النِّعْمَةِ عَلَى خَطَرٍ أَنَّهُ يَجِبُ عَلَيْهِ حَقُّوكَ اللَّهُ فِيهَا؛ وَاللَّهُ أَنَّهُ لَتَكُونُ عَلَى النِّعَمِ مِنَ اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - فَمَا أزالُ مِنْهَا عَلَى وَجَلٍ... حَتَّى أُخْرِجَ مِنَ الْحَقِّوِكَ الَّتِي تَجِبُ لِلَّهِ عَلَى فِيهَا... فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ أَنْتَ فِي قَدْرِكَ تَخَافُ هَذَا؟ قَالَ: نَعَمْ فَأَحْمَدُ رَبِّي عَلَى مَا مَنَّ بِهِ عَلَيَّ<sup>۱</sup>:  
صاحب نعمت در خطر است، چون حقوقی خدایی در آن نعمتها واجب گردیده است. به خدا سوگند که نعمتهایی از خداوند به من می‌رسد و من همواره از آن بیمناکم... تا حقوق واجب الهی آن را ادا کنم.

(راوی حدیث می‌گوید)، گفتم: فدایت شوم، تو با مقامی که داری از این امر هراسناکی؟ امام گفت: آری، و خدای را بر اینکه مرا نسبت به ادای تکلیف حساس کرده است سپاس می‌گزارم.

شکر، با توجه به مفهوم حقیقی آن، محدودیتی اصولی و هدفدار را در اموال موجب می‌گردد. اموال و کالاها، حتی آنها که مصنوع انسان است، مصنوع خداوند است و در حقیقت از خدا است - چنان‌که در بخش «مالکیت حقیقی» روشن گشت - در بخش آغازین کتاب خواندیم، که انسان اجازه بهره‌برداری از نعمتها را دارد، و مالک مجازی و استخلافی است. این نوع مالکیت، رعایت هدف و غرض مالک حقیقی را در کلیه تصرفات، لازم می‌سازد. و همین رعایت، سپاسگزاری و شکر است. رعایت دقیق و قاطع حدود و مقرراتی که مالک حقیقی اموال گذارده است، وظیفه انسانها است که اجازه یافتند تا از آنها بهره‌برداری کنند؛ زیرا رضایت مالک حقیقی برای وکیل و نایب در تصرف، ضروری است. ازاینرو، می‌توان گفت که حقیقت «شکر»، همان رعایت بالاترین و دقیق‌ترین مقررات و محدودیتهاست در اموال، که موجب رضایت واقعی بخشنده آنها می‌گردد. چگونگی بهره‌برداری و حدود و مقررات آن، در آیات قرآن و تعالیم اسلامی و

رضوی آمده است، که بهره‌برداری باید به اندازه و دور از اسراف باشد. این نوع مصرف مورد رضایت بخشنده اموال و مواد است، و تحصیل این رضایت، شکر است.

همچنین، برای تحقق شکر در عمل، باید هدف اصلی از آفرینش نعمتها منظور گردد، هدف از خلقت نعمتها، بهره‌برداری همگان و رفع نیاز نیازمندان است، چنان‌که در قرآن کریم آمده است:

«مَتَاعاً لَّكُمْ وَلِأَنْعَامِكُمْ»<sup>۱</sup> به کالایی است برای شما و چهارپایان شما، و «رِزْقاً لِلْعِبَادِ»<sup>۲</sup> روزی است برای بندگان و... جمع و احتکار و اسراف و شادخواری و اتلاف نعمتها، برخلاف غرض اصلی آفرینش آنهاست. فقیه و عالم بزرگ، ملا محمد مهدی نراقی، می‌گوید: «... کسی که از هر چیز بدانگونه که هدف و منظور از آفرینش آن است بهره‌برداری کند، نعمت خدای را شکر گزارده است. و اگر چیزی را بگونه‌ای مصرف کرد که به هدف و مقصود از آن رهنمون نشد، یا در جهتی که برای آن آفریده شده است نبود، نعمت خدا را ناسپاسی کرده است»<sup>۳</sup>.

«... همچنین فلسفه آفرینش خوراکیها تغذیه است، پس شایسته نیست که از این جهت منحرف شود و در

۱. سورة نازعات (۷۹): ۳۳.

۲. سورة ق (۵۰): ۱۱.

۳. جامع السعادات ۱۹۵/۳ و ۱۹۷. چاپ چهارم، دارالنعمان، نجف اشرف.

دست برخی محدود گردد؛ بلکه لازم است از دست بی‌نیاز بگیرند و به نیازمند بدهند. از اینرو، در تعالیم دین، احتکار و ربا در معاملات خوراکی ممنوع گشته است، چون این امر موجب می‌گردد تا هدف و مقصود از خلقت خوراکیها منظور نگردد...<sup>۱</sup>

در سخن دیگری که از امام رضا «ع» رسیده است، اهمیت شکر نعمت و موضوع و معنای آن بخوبی روشن می‌شود:

امام رضا «ع»:

وَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ لَا تَشْكُرُونَ اللَّهَ تَعَالَى بِشَيْءٍ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ  
وَبَعْدَ الْأَعْتِرَافِ بِحُقُوقِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ مِنْ آلِ مُحَمَّدٍ «ص»،  
أَحَبَّ إِلَيْهِ مِنْ مُعَاوَنَتِكُمْ لِأَخَوَانِكُمُ الْمُؤْمِنِينَ، عَلَى  
دُنْيَاهُمْ الَّتِي هِيَ مَعْبَرٌ لَهُمْ إِلَى جَنَّاتِ رَبِّهِمْ...  
قِيلَ يَا رَسُولَ اللَّهِ هَلْكَ فُلَانٌ، يَعْمَلُ مِنَ الذُّنُوبِ كَيْتَ وَ  
كَيْتَ. فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ «ص»، بَلْ قَدْ نَجَى وَ لَا يَخْتِمُ اللَّهُ  
عَمَلَهُ إِلَّا بِالْحُسْنَى، سَيَمَحُو اللَّهُ عَنْهُ السَّيِّئَاتِ وَيُبَدِّلُهَا مِنْ  
حَسَنَاتٍ؛ إِنَّهُ يَمُرُّ مَرَّةً فِي طَرِيقٍ عَرَضَ لَهُ مُؤْمِنٌ قَدْ  
انْكَشَفَ عَوْرَتُهُ وَ هُوَ لَا يَشْعُرُ، فَسَتَرَهَا عَلَيْهِ وَ لَمْ يُخْبِرْهُ  
بِهَا مَخَافَةَ أَنْ يَخْجَلَ...<sup>۲</sup>

بدانید که پس از ایمان به خدا و پذیرش حقوق

۱. جامع السعادات ۱۹۵/۳ و ۱۹۷.

۲. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۶۹/۲؛ مسند الامام الرضا «ع» ۹۵/۱.

اولیای او از آل محمد «ع»، سپاسگزاری محبوبتر نزد خداوند از یاری رسانی به برادران مؤمن نیست، یاری رسانی به زندگی دنیای آنان که راهی است برای رسیدن ایشان به بهشت. کسانی که چنین یاری برسانند از ویژگیان درگاه الهی اند. پیامبر «ص» در این باره سخنی گفته است که اگر نیک در آن دقت شود و بدان عمل کنند، شایسته نیست کسی از این فیض الهی خود را محروم سازد.

به پیامبر «ص» گفتند: فالانی هلاک گردید چون گناهای چنین و چنان مرتکب می شود. پیامبر فرمود: بلکه او نجات یافت، و خداوند عمل او را به نیکی به پایان خواهد رساند. خداوند گناهان او را پاک خواهد ساخت و به حسنات تبدیل خواهد کرد؛ زیرا که او گهگاهی از راهی می گذرد، و مؤمنی را می بیند که برخی از اندام او (که باید پوشیده باشد) آشکار شده است و خود او نمی داند آن را می پوشاند و به او چیزی نمی گوید تا مبادا شرمگین شود...»

در این کلام امام، اهمیت رعایت حقوق انسانها در مواهب خدایی، با سبکی قاطع بیان شده است، و شکر نعمت - پس از ایمان به خدا و گردن نهادن به حقوق اولیای خدا - کمک رسانی و دستگیری نیازمندان معرفی گشته است.



بخش سوم:

پدیده فقر

انتشارات آستان قدس رضوی



## فصل ۱:

### فقر، عامل مرگ و نابودی

امام رضا «ع»:

إِذَا أَكَلَ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا فَقَدْ أَهَانَ عَلَى قَتْلِهِ إِذَا الْيَتِيمُ غَيْرُ  
مُسْتَعْنٍ وَلَا مُحْتَمِلٍ لِنَفْسِهِ، وَلَا قَائِمٍ بِشَأْنِهِ وَلَا لَهُ مَنْ  
يَقُومُ عَلَيْهِ وَيَكْفِيهِ كَقِيَامِ وَالِدَيْهِ فَإِذَا أَكَلَ مَالَهُ فَكَأَنَّهُ قَدْ  
قَتَلَهُ وَصَبَّرَهُ إِلَى الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ...:

هرگاه مال یتیم را بخورد، به کشتن او کمک کرده  
است؛ زیرا یتیم نه بی‌نیاز است، و نه می‌تواند بار  
(زندگی) خویش را بر دوش کشد، و نه در شئون  
زندگی بر پای خویش بایستد، نیز کسی ندارد که امور  
زندگی او را اداره کند، و او را بسنده باشد، چونان  
پدر و مادر، پس آنگاه که مال او را تباه کرد چنان است  
که او را کشته و به بینوایی و تهیدستی افکنده است.

---

۱. علل الشرایع ۴۸۰/۲؛ عیون اخبار الرضا «ع» ۹۲/۲ با اندکی اختلاف.

پدیده شوم فقر، از ناهنجارترین دردها در زندگی انسان است، و در ابعاد مادی و معنوی زندگی فرد و جامعه آثار و عوارضی زیانبار و ویرانگر دارد. فقر از دوران گذشته تاریخ تا کنون، در اجتماعات بشری بیداد کرده و اندیشه و روان و جسم و جان و جمله هستی آدمیان را دستخوش تباهی قرار داده است. قرن حاضر، با همه ادعاها و پیشرفته‌ها، برگسترش روزافزون این پدیده در خانواده بشری افزوده و چیزی از آن نکاسته است. ماهیت شیطانی نظامهای سرمایه‌داری غرب با زیر نفوذ قرار دادن سرمایه‌ها در بخش خصوصی جهان سوم، اکثریت خانواده بشری را به تهیدستی کشنده‌ای دچار ساخته است.

اکنون در این بخش، به بررسی این پدیده در گفتار بلند و بیکرانۀ امام رضا (ع) می‌پردازیم، و معنای فقر و برخی از علل و عوامل و عوارض و پیامدهای آن را بر جسم و روح انسان جستجو می‌کنیم، و شیوه‌های مبارزه با مشکل بزرگ فقر را از احادیث و تعالیم امام رضا (ع) می‌آموزیم.

از خواننده انتظار داریم در این بررسی، تا آنجا که در توان دارد با ما همراهی کند، و ژرف بنگرد که آن امام بزرگ انسانیت، به این مشکل اساسی حیات انسان چگونه نگریسته و پیامدهای زهرآگین و ویرانگر آن را چگونه ترسیم کرده و برای رویارویی با آن چه اصول و معیارهایی را ارائه داده است.

حدیث نخستین این فصل، دربارهٔ یتیم و خوردن مال او بود. امام رضا «ع»، خوردن اموال یتیمان را، در حکم قتل آنان شمرده است. پس از آن، عللی را برای این موضوع ذکر فرموده است که از آن قانونی عام و کلی به دست می‌آید، که می‌تواند جهتگیری کلی در مبارزه با این مشکل را مشخص سازد.

ثابت شده است که علت حکم، عمومیت بیشتری از حکم دارد؛ زیرا علت در جاهای دیگر نیز وجود دارد و حکم نیز بدانجا سرایت می‌کند. اینک علت حکم تحریم خوردن مال یتیم، تهیدستی و فقر یتیم است. امام می‌گوید: آنکه مال یتیم را بخورد، عامل مرگ و قتل او شده است؛ به این علت که او را به فقر و تهیدستی دچار ساخته است. یتیم نمی‌تواند بار خویش بر دوش بکشد و در زندگی بر پای خویش بایستد. پدر و مادری ندارد که امور معاشش را بسنده باشند؛ او تنها به اموال خویش تکیه دارد که تامین‌کنندهٔ نیازهای او است. پس آنان که این تکیه‌گاه را بستانند و او را فقیر و تهیدست سازند، چنان است که وی را کشته باشند.

بیگمان می‌توان از کلام امام استفاده کرد: هر انسانی که مال و مواد لازم زندگی را در اختیار نداشته باشد، و افراد یا سازمانهایی نباشند که دست او را بگیرند، دست به گریبان فقر می‌گردد. و همین امر سرانجام او را به نیستی و نابودی می‌کشاند. همه جریانها، برنامه‌ها، اشخاص، گروهها و سیاستهایی که زمینه فقر افراد را فراهم آورند، و شرایط رشد

ثروت در دست طبقاتی را آماده کنند، و دست اکثریت را از تولید و سرمایه و کار کوتاه سازند، چنان است که به قتل آنان دست زده‌اند. از این بیان موضع زیانبار و غیرقابل قبول فقر روشن می‌گردد. در دعا‌های ما که با زبان ویژه خود فرهنگ اسلامی را تبیین می‌کند، همواره از فقر و مسکنت نکوهش شده و به عنوان پدیده شومی معرفی گشته است، که باید از شر آن به خدای متعال پناه برد. علامه مجلسی «ره» می‌گوید: درخواست فقر از خداوند، در دعاها نیامده است؛ بلکه در بیشتر دعاها، استعاذه (پناه بردن) به خداوند از فقری که عامل بدبختی است، رسیده است.<sup>۱</sup> اکنون نمونه‌هایی از احادیث:

پیامبر اکرم «ص»:

الْفَقْرُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ<sup>۲</sup>:

فقر دشوارتر از قتل (مرگ) است.

امام علی «ع»:

الفقر، الموت الاکبر<sup>۳</sup>:

فقر، مرگ بزرگ است.

۱. بحار ۷/۷۲.

۲. الحیة ۲۸۱/۴.

۳. نهج البلاغة / ۱۱۶۶.

## فصل ۲:

### فقر، عامل سلب شخصیت

امام رضا «ع»:

... إِذَا أَقْبَلَتِ الدُّنْيَا عَلَى إِنْسَانٍ أَخْطَتْهُ مَخَاسِنُ غَيْرِهِ، وَإِذَا  
أَدْبَرَتْ عَنْهُ سَلَبَتْهُ مَخَاسِنُ نَفْسِهِ<sup>۱</sup>:

هرگاه دنیا (مال و ثروت) به انسانی روی آورد،  
نیکیه‌های دیگران را به او می‌دهد و هرگاه به کسی  
پشت کند (و او فقیر شود) نیکیه‌های خودش را نیز  
از او می‌گیرد.

از آثار دیگر فقر، سلب شخصیت است. زیربنا و  
ارکان اصلی هستی آدمی شخصیت او است، و بازده  
زندگی هر انسان و چگونگی آن، به شخصیت او بستگی

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۲/ ۱۳۰.

دارد. انسانهای تحقیر شده و بی شخصیت، نمی‌توانند مبدأ حرکت و کارهای مهم اجتماعی باشند. افراد با منش و با شخصیت، خاستگاه حرکت‌های مهم و ارزنده‌اند و پشتوانه حرکت و اقدام انسانهای دیگر نیز می‌توانند باشند.

شخصیت هر کس، در درجه نخست به ارزیابی خود او از شخصیت خویش مربوط است. انسان درباره خود هرگونه بیندیشد، همانگونه است و تا همان پایه می‌تواند رشد کند و به اندازه‌ای که به خود اعتماد دارد، می‌تواند به خود ببالد و برآید و در جامعه ثمری داشته باشد. طبق تعبیر برخی از احادیث، حیات انسان به حیات شخصیت او بستگی دارد، و مرگ او در مرگ و سلب شخصیت او نهفته است.

در طبقه فقیر، نخستین اثر فقر، سلب شخصیت است که در حدیث امام رضا (ع) آمده بود. فقر، هم فرسایش و ضعف جسمانی پدید می‌آورد، و هم فرسایش و ضعف روحی.

فقر موجب ناتوانی جسمی است، و ناتوانی جسمی در ناتوانی روحی و روانی اثر می‌گذارد، و این خود علت تزلزل در شخصیت و ضعف اراده و احساس خود کم‌بینی و عدم اعتماد به نفس می‌گردد.

پیامد دیگری نیز در فقر هست که موجب سلب شخصیت است. و آن اینکه فقر به سیمای ظاهری انسان

نیز صدمه می‌زند، و سیمای ظاهری آدمی در موضع و موقعیت اجتماعی او دخالتی فراوان دارد. جامعه تمیز و رعایت بهداشت و آرایش ظاهری، موجب جلب نظر و ارجگزاری مردم است. نظر و توجه مردم، شخصیت را بالا می‌برد و اعتماد آدمی را نسبت به خود افزون می‌سازد. طبقه فقیر چون نه جامعه درستی دارند، نه نظافت را می‌توانند رعایت کنند و نه دست به آرایشی زنند، (وگاه در سیمای ظاهری وضعی چندش آور و ناهنجار دارند) در جامعه نیز موقعیت و پایگاه اجتماعی را از دست می‌دهند و مورد توجه مردم قرار نمی‌گیرند. به این جهت نیز، شخصیت آنان ضربه می‌خورد. کم‌بینی‌ها و بی‌توجهی‌های اجتماعی چنان در آنان اثر می‌گذارد که به کلی شخصیت اجتماعی خود را از دست می‌دهند و دچار حالت ویرانگر سلب شخصیت می‌شوند.

اینکه امام رضا «ع»، در سخنشان فرمودند: «إِذَا أَذْبَرْتَ عَنْهُ سَلْبَتَهُ مَحَاسِنَ نَفْسِهِ: هرگاه (دنیا و پول) از انسان روی برگرداند نیکیه‌های او را از او می‌گیرد». برای همین علت اساسی است که انسان نیازمند با از دست دادن مظاهر زیست مادی، نیکیه‌های نهفته در خویش را نیز از دست می‌دهد، و توان و منش و خوی و استعداد و خصلت‌های خود را هیچ می‌انگارد. انسان‌های تهیدست، اغلب دارای بسیاری از خصلت‌های والای انسانی هستند

که می‌تواند شخصیت آنان را تعالی بخشد و موجب اعتلای حیثیت انسانی و موقعیت اجتماعی آنان گردد، و از آنان افرادی بسیار مفید و ارزشمند بسازد، لیکن در اثر فقر، این خصلتهای ارزنده شکوفایی ندارد، و احترام و ارجگذاری دیگران را موجب نمی‌گردد، و موجب رشد و پیشرفتی نمی‌شود.



### فصل ۳:



بررسی مشکلات اجتماعی، و سبب جویی و علت شناسی نابسامانیها روشن می سازد که فقر اساس مشکلات و نابسامانیها است. هر چه ذهنی فکر کنیم و واقعیات زندگی را نادیده بگیریم، این واقعیت را نمی توان نادیده گرفت که انسان در این زندگی در قالبی جای دارد مادی، و با اشیایی سروکار دارد و در جو و محیطی زندگی می کند که به وسایل و ابزار مادی نیازمند است. غذا، لباس،

مسکن، نظافت، بهداشت و... اینها همه از فراورده‌های طبیعت است. جغرافیای حیات انسان در این دنیا، جغرافیای اقتصادی است، و ماهیت حیات انسانی با این امور مادی پیوندی الزامی و جبری دارد.

اکنون روشن می‌گردد که اگر بینوایی و تهیدستی، به زندگی فردی یا اجتماعی روی آورد، مشکلات و نابسامانیهای فراوانی با خود می‌آورد. و سخن امام رضا (ع) همین واقعیت تردیدناپذیر را بازگو می‌کند که بینوایی، کلید مشکلات است.

بشر  
انتشارات آستان قدس رضوی



بخش چهارم:

علل و عوامل فقر

انتشارات آستان قدس رضوی



## فصل ۱:



امام رضا «ع»:

... إِذَا أَكَلَ الْإِنْسَانُ مَالَ الْيَتِيمِ ظُلْمًا... فَكَأَنَّهُ قَدْ قَتَلَهُ وَ  
صَبَّرَهُ إِلَى الْفَقْرِ وَالْفَاقَةِ...<sup>۱</sup>:

آنگاه که انسان مال یتیم را به ستم بخورد...  
بی تردید چون این است که او را کشته، و او را دست  
به گریبان تهیدستی و بینوایی کرده است...

فقر، در بسیاری از موارد معلول ظلم اجتماعی است.  
و ظلم به صورت عام، در بیشتر موارد اقتصادی است، و در  
روابط مالی و نظام تولید و توزیع و مصرف صورت می گیرد  
و در اکثریت مردم موجب محرومیت از دستیابی به کالاها

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۹۲/۲.

و مواد لازم زندگی می‌گردد؛ و به صورت خاص از طریق غصب، سرقت، گرانفروشی، احتکار، کم‌فروشی، استثمار و کم بها دادن به کار و کالای دیگران، و استئثار و ویژه ساختن اموال عمومی (خاصه خواهی)، رباخواری و دیگر راههای باطل و ظالمانه اقتصادی جریان می‌یابد.

در قرآن کریم، از ظلم فراوان سخن رفته، و کمبودها و گرفتاریها و نابسامانیهای زندگی انسان را به ظلم آدمیان به یکدیگر نسبت داده است. و قلم تکوین را از نوشتن سطری علیه انسان و معاش و معاد او، منزه و پاک شناخته است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا، وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسُهُمْ يَظْلِمُونَ<sup>۱</sup>؛  
بی تردید خداوند بر مردمان هیچ ستمی نمی‌کند؛ و این خود مردمند که بر خود ستم روا می‌دارند.

امام صادق (ع):

... وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا احْتَأَجُّوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَزَّوَالَا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ...<sup>۲</sup>؛

آنچه بر سر ناداران، نیازمندان، گرسنگان و برهنگان می‌آید، همه و همه، در اثر جنایت اغنیا و توانگران است...».

۱. سوره یونس (۱۰): ۴۴.

۲. وسائل ۴/۶.

## فصل ۲:

### مدیریت غیر متخصص (ناواردان، کم فهمان)

امام رضا «ع»:

... الْبِرَاءَةُ مِمَّنْ نَفَى الْأَخْيَارَ... وَ آوَى الطُّرْدَاءَ اللَّعْنَاءَ...  
وَاسْتَعْمَلَ السُّفَهَاءَ...<sup>۱</sup>

جزء اسلام خالص است بیزار بودن از کسانی که  
نیکان را تبعید کردند و آنان را که پیامبر «ص» رانده  
و لعنت کرده بود در مرکز اسلامی پناه دادند... و  
کم خردان (و بی تشخیصان) را به کارها گماردند.

این سخن، بخشی از نامه‌ای است که امام رضا «ع»،  
به مأمون نوشتند، درباره تبیین اسلام خالص و کلیات دین.

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۲۶/۲؛ الحیة ۱۶۰/۳ و ۳۴۵/۴.

در این نامه که به درخواست مأمون نگاشته شده، کلیات اصول و فروع دین بیان شده است.

از محورهای اصلی که در این نامه بر آن تکیه شده، که جزء اسلام ناب و دین خالص است، چند برائت (بیزاری جویی، طرد و جبهه گیری) و چند ولایت (پذیرفتن و اطاعت و همکاری) است. برائت از گروههایی از جمله برائت از کسانی که نیکان را از مراکز کشور اسلامی دور ساختند، و طرد شدگان دور از خدا را در کادر حاکمیت جای دادند، و اموال را میان اغنیا به گردش گذاشتند، و سفیهان و نادانان (و بی تشخیصان) را در پُستهای مملکت به کار گماردند و...

امام! در این فراز بلند، محورهای اصولی در مسائل اجتماعی را مطرح می کند که رعایت آنها کار مردم و جامعه را سامان می بخشد و حاکمیت را استوار می سازد؛ و نادیده گرفتن آنها، تزلزل، نابسامانی و سقوط هر امت و حکومتی را موجب می گردد.

در اینجا جمله: «وَأَسْتَعْمَلِ السُّفَهَاءَ» کم خردان و بی تشخیصان، مورد گفتگو است که مسئله مهم ضرورت هوشیاری و بینایی (تخصص و وارد بودن) در برنامه ریزیهای اقتصادی - اجتماعی را، مطرح کرده است.

امام رضا (ع) «نابسامانی، بی عدالتی، تبعیض، فقر،

محروریت و مشکلات آن دوره از تاریخ اسلام و حاکمیت اسلامی را به عللی نسبت می‌دهد که از آن جمله به کارگماردن جاهلان و ناآگاهان و غیر متخصصان است. چون مدیریت بخشهای مهم جامعه به دست سفیهان سپرده شده بود، موجب عقب ماندگی و بینوایی و فساد اجتماعی گردید.



### فصل ۳:

## فساد و تباهی اموال

امام رضا «ع»:

... إِنَّ اللَّهَ يُبْغِضُ الْقِيلَ وَالْقَالَ، وَإِضَاعَةَ الْمَالِ، وَكَثْرَةَ  
السُّؤَالِ<sup>۱</sup>:

بیگمان خداوند قیل و قال (گفتار بی فایده) و تباه‌سازی  
اموال و زیاد درخواست کردن را دشمن دارد.

تباه کردن اموال و تضييع آنها که در این روایت آمده  
است، از وسعت مفهوم و گستردگی ویژه‌ای برخوردار  
است، و هر نوع تباهی و نابودی و فساد در اموال را شامل  
می‌گردد. تباهی و تضييع ممکن است در اثر عللی چند  
پدید آید، از جمله اسراف‌کاری و مصرف بیش از اندازه

---

۱. تحف العقول / ۳۲۶، مسند / ۲۸۵/۱؛ الحیة / ۶/۲۰۰.

باشد؛ یا بی‌اطلاعی و نبود تخصص و مهارت در مدیریتهای مالی؛ یا عرفانگرایی غلط و بی‌توجهی به مسائل حیات و گرایش به زندهای صوفیانه؛ یا کوتاهی و سهل‌انگاری در به‌کارگیری اموال؛ و یا بیکارگی و امثال آن و در هر صورت و به هر علت که مالی تضییع گردد، موجب می‌شود تا سرمایه زندگی تباه شود و انجام دادن مسئولیتهای خانوادگی و اجتماعی ناممکن گردد؛ حتی سیر و حرکت معنوی انسان نیز دستخوش تزلزل می‌شود، زیرا که سیر و تکامل معنوی در این جهان با ابزار مادی و در شرایط مساعد طبیعی صورت می‌گیرد، و این ابزار و شرایط با اموال تهیّه می‌شود، و حرکت معنوی او را ممکن می‌سازد. این است که در حدیث مشهور نبوی آمده است: «... فلولوا الخبز ما صلینا و لا صُمنّا...»<sup>۱</sup>: اگر نان نباشد نه نماز می‌توانیم خواند نه روزه می‌توانیم گرفت...».

با توجه به کلیت سخن امام، اگر برنامه‌ریزی در امور اقتصادی و مسائل مالی درست و حساب شده نباشد، تضییع مال خواهد بود. اگر در داد و ستدها دقت لازم به کار نرود و غبن و زیانی صورت گیرد، اموال تباه شده است. همچنین، تبادل از راههای دیگری که به نوعی فساد اموال را موجب گردد، محکوم و ممنوع است.

تضییع مال، شکلهای گوناگون دارد، و گاه به دست خود انسان صورت می‌گیرد و گاه به دست دیگران؛ مثلاً کسانی که در مواد و کالاهای مورد نیاز جامعه غش به کار می‌برند و سرّه و ناسرّه را مخلوط می‌کنند، اموال جامعه را تباه ساخته‌اند. همچنین، هر نوع زیان و نیرنگی که در مسائل مالی به کار رود و تباهی اموال افراد و جامعه را سبب شود، از نظر امام رضا «ع» محکوم است.

امام رضا «ع» - به روایت از پیامبر «ص»: -

لَيْسَ مِنَّا مَنْ غَشَّ مُسْلِمًا أَوْ ضَرَّهُ أَوْ مَا كَرِهَ<sup>۱</sup>

از ما نیست هر کسی که در کار مسلمانی غش به کار برد یا به او زیان رساند و یا با او به نیرنگ رفتار کند.

بشر  
انتشارات آستان قدس رضوی

## فصل ۴:

### حاکمیت معیارهای سرمایه‌داری

امام رضا «ع»:

... لَعَلَّ ذِهَابَ الْمَعْرُوفِ... وَ رَغْبَةُ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ...<sup>۱</sup>  
چون نیکوکاری (از میان جامعه) رخت برمی‌بندد...  
و مردم به سودخواری گرایش می‌یابند...

در این فصل، سخن از معیارها و اصول فکری و ارزشی سرمایه‌داری و رابطه آن با فقر است این معیارها بطور نوعی، چیزهایی است که آنها را در فکر و فرهنگ جامعه وارد کرده‌اند، و از علل درونی پیدایش فقر است. عوامل درونی و فکری، انگیزه‌های اصلی برای جهت‌گیریها و عملکردهای اقتصادی - اجتماعی است. از

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۹۴/۲.

اینرو می‌توان حاکمیت معیارها و ارزشهای نظام سرمایه‌داری و مال‌اندوزی را از عوامل اصلی و ساختاری دانست که ثروتها و اموال را به سود طبقه سرمایه‌دار به جریان می‌اندازد و فقر و محرومیت را در سطح جامعه می‌گستراند. برخی از این معیارها که از احادیث امام رضا (ع) استفاده می‌شود، از این قرار است:

۱- اصالت دادن به مالکیت انسانی. این بینش، زمینه‌ساز آزادی و استقلال در ثروت‌اندوزی و تکاثرگرایی و نادیده گرفتن تعهد و مسئولیت است، و موجب تحریف مفهومی مال و ملک. در برابر بینش یاد شده، بینش غاریتی و استخلافی است در اموال که از تعالیم رضوی به دست آمد. و در قرآن کریم و دیگر احادیث بدان تصریح شده است، و سیره مؤحدین عالم همیشه این بوده و هست. درباره این موضوع در آغاز کتاب سخن گفته شد.

این بینش زمینه‌ساز عمل به تعهدها و مسئولیتهای مالی است و دوری از شیوه‌های ظالمانه سرمایه‌داری در اموال.

۲- بینش غلط در اصل «حرمت مال». اصل حرمت مال از حقیقت و وسعت دایره خود دور شده و در همه مصادیق خود به صورت جدی رعایت نمی‌شود. به سخن دیگر، اصل «حرمت مال» که برای تأمین امنیت اقتصادی در جامعه و ایجاد روابط عادلانه اقتصادی است، و هدف آن از میان برداشتن روابط غاصبانه و زورمدارانه آکل و

مأکولی اقتصادی و پایمال کردن حقوق محرومان و کارگران و کشاورزان است، به سود طبقه مُسْرِف و مُتَرَف و سرمایه‌دار تفسیر می‌شود، (یعنی مصرف پرستان و شادخواران و پرریخت و پاشان و مالکانی که اموال کلان آنان - بطور نوعی - از راههای نامشروع گرد آمده است)، و هرگونه اعتراض و مخالفت با بیدادگریهای مالیِ زَپرستان را مانع می‌گردد. این تحریف موضعی در اصل «حرمت مال» است که قانون یاد شده را از موضع و مدار اصلی خود خارج می‌سازد و تنها آن را به سود طبقه خاصی تفسیر می‌کند، و بر عملکرد ظالمانه نظامهای سرمایه‌داری صحه می‌گذارد.

۳- سود و سودپرستی و هدف شدن مال و مال‌اندوزی. این حالت انگیزه گردآوری ثروت از راههای نامشروع و ظالمانه و پایمال کردن حق و حقوق مردم است. در کلام امام رضا «ع» کشش و میل به طرف سودخواری که در طبقه رباخوار پیدا می‌شود، محکوم شده است.

۴- آزاد دانستن انسان در مسائل مالی و شیوه‌های تولید و توزیع و مصرف. این بینش که تحریف در مفهوم آزادی و تفسیر غلط آن است، به لیبرالیسم اقتصادی می‌انجامد، که از اصول تفکر سرمایه‌داری غرب است. این موضوع نیز در تعالیم رضوی محکوم شده است؛ چنان‌که در «اصل محدودیت» در مسائل مالی روشن شد.

## فصل ۵:

### مدیریت خائن

امام رضا «ع»:

لَمْ يَخُنْكَ الْأَمِينُ وَلَكِنْ انْتَمَتَ الْخَائِنُ<sup>۱</sup>:

انسان امین به تو خیانت نکرده است؛ بلکه تو به خائن اعتماد کردی.

عقب ماندگی و نارسایی در جوامع کم رشد، چنانکه از ناآگاهی و نبود متخصص و مدیریت ماهر ناشی می‌گردد، از مدیریتهای خائن و طرحها و نقشه‌های خائنانه نیز سرچشمه می‌گیرد. این هر دو نوع مدیریت، بویژه در بخشهای اقتصادی، در کشورهای عقب نگهداشته شده و مستضعف، فراوان دیده می‌شود. این کشورها، در اثر

---

۱. تحف العقول / ۳۲۶؛ بحار ۳۳۵/۷۸.

وابستگی و عدم استقلال سیاسی، زیر نفوذ بیگانه قرار دارند. بیگانگان که هدفی جز استثمار و چپاول کشورهای ضعیف ندارند، با نفوذ در مراکز حسّاس اقتصادی، مدیران خائن و مزدوری را به کار می‌گمارند، -یا افرادی نفوذی را، اگر چه ظاهر الصلاح، در آن مراکز جای می‌دهند- و از این راه سر رشته کارها را در دست می‌گیرند، و در برنامه‌ریزیهای اقتصادی جانب سرمایه‌داری‌های کلان و وابسته به خود را در نظر می‌گیرند، و به توده‌های محروم نمی‌اندیشند؛ و در نتیجه توده مردم را به فقر دچار می‌سازند.

برخی از مردم جهان سوّم، در پرتو آگاهی و رشد فکری - که از طریق متفکران، نویسندگان و رهبران به دست می‌آید - با سلطه نظامی و سیاسی خارجی به مبارزه برمی‌خیزند، و در بسیاری از موارد موفق می‌شوند زنجیرهای اسارت و حاکمیت بیگانه را بگسلند؛ لیکن پس از بیرون راندن بیگانه، دچار دو شیوه از مدیریت می‌گردند که دست کمی از مدیریتهای وابسته به بیگانه را ندارد:

نخست، مدیریتهای جاهلانه و غیرماهر، که با این‌که دوستانه و خودی است، لیکن جز هرز دادن نیروها و سرمایه‌ها و اقتصاد جامعه، کاری انجام نمی‌دهد.

دوّم، مدیران نفوذی و خائن که در سیمای دوست درمی‌آیند، و سنگ برنامه‌ریزی مردمی و حمایت از محرومان را به سینه می‌زنند، و با شیطنت و شیادی ویژه‌ای - و با

دوره‌هایی که دیده‌اند - بخشهای اقتصادی جامعه را به زیان توده‌ها هدایت می‌کنند و روز بروز بر فقر و وابستگی و مصرف‌زدگی می‌افزایند، و بتدریج راه سلطه بیگانه را هموار می‌سازند، و نتایج همان پیروزی سیاسی را نیز بر باد می‌دهند. امام رضا «ع»، در کلام خویش، بر خیانت اشاره می‌کند، و سر رشته کارها را به خائن سپردن و به خائن اعتماد کردن را خیانت می‌شمارد.

از شگردهای خائنهاى خادم نما، ارائه طرحها و نقشه‌هایی است که در نظرها می‌تواند مفید و سازنده جلوه کند و در ظاهر صلاح باشد. به کارگیری این نوع طرحها، حساب شده و با بررسی انجام می‌گیرد و هر فرد یا گروه اجتماعی به سادگی نمی‌تواند باطن زیانبار این گونه طرحها و برنامه‌ها را کشف کند و از عملی شدن آنها مانع گردد. بدین جهت است که در برنامه‌ریزیها، نخستین ضرورت، وجود برنامه‌ریزان و مدیران متعهد، دلسوز، مؤمن و متخصص است، تا از نیتهای شوم مدیران خائن و وابسته پرده بردارند و با منطق و استدلال و محاسبه، زیان کار آنان را برای جامعه روشن سازند.

از شگردهای دیگر آنان این است که هر طرح و برنامه مترقی و سازنده‌ای را با نیرنگهای ویژه از مسیر اصولی خود منحرف می‌کنند، و آن طرح و برنامه را با تندروی و کندروی دچار تحریف معنوی یا موضعی

می سازند؛ یعنی یا مفهوم آن را دگرگون می کنند و یا موضع و جایگاه آن را تغییر می دهند؛ و در نتیجه، آن طرح و برنامه را با شکست روبرو می سازند. و شبکه های اداری استعماری، بیشترین کارشان متوجه این امور است، که یا طرحهای خائنانه و به ظاهر مصلحانه بدهند و یا از اجرای درست و بموقع هر طرح و برنامه ای جلوگیری کنند.

برای نمونه دو مثال می آوریم:

الف - اگر قانون و برنامه ای ارائه شود که، جامعه امنیت اقتصادی داشته باشند و احساس کنند که میدان کار، صنعت، تولید و فعالیتهای اقتصادی باز است و می توانند به کارهای سازنده روی آورند و جامعه را از محرومیت و وابستگی و نارسایی نجات دهند، آن دستها وارد عمل می شوند و با نقشه های خائنانه، مفهوم و موضع عملی شدن قانون را منحرف می کنند، و آن را به سود زالوهای اجتماعی و دزدان اقتصادی تفسیر می نمایند، و در عمل، به این قشر، آزادی اقتصادی می دهند تا هرچه بیشتر خون مردم را بمکند.

ب - اگر طرح و قانونی ارائه گردد، برای اینکه آزادی معترکان، گران فروشان، رباخواران و زالوهای اقتصادی محدود گردد و آنان مجازات شوند، تا جامعه امنیت اقتصادی بیابد؛ با ایجاد انحراف در مفهوم و مسیر قانون، آن را از میان می برند، و به جای آنکه به سراغ آن کسان بروند، به سراغ تولیدکنندگان و شرکتهای تولیدی

مفید و سرمایه‌هایی می‌روند که در راه جامعه و خدمت به مردم به کار رفته است، و آنان را از کار باز می‌دارند، و بخشهای اقتصادی مردمی و خیراندیش و متعهد به حقوق جامعه و مصرف‌کنندگان و مقررات دولت را به ورشکستگی می‌کشانند، و بخشهای قدرتمند و سرمایه‌های کلان اقتصادی را پابرجا و بی رقیب می‌سازند، که جز به چپاول حقوق جامعه و رشد سود و سرمایه خود به چیزی نمی‌اندیشند و از عمل به هر قانون و مقررات محدودکننده‌ای با هزار نیرنگ و ترفند سرباز می‌زنند.





بخش پنجم:

مبارزه با فقر

انتشارات آستان قدس رضوی



## فصل ۱:

### تأمین نیاز مندیها در طبیعت

امام رضا «ع»:

... إِنَّا وَجَدْنَا كُلَّمَا أَحَلَّ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِيهِ صَلَاحُ الْعِبَادِ وَبَقَائُهُمْ وَلَهُمْ إِلَيْهِ الْحَاجَةُ الَّتِي لَا يَسْتَغْنُونَ عَنْهَا... وَوَجَدْنَا الْمُحَرَّمَ مِنَ الْأَشْيَاءِ لَا حَاجَةَ لِلْعِبَادِ إِلَيْهِ وَوَجَدْنَا مُفْسِدًا دَاعِيًا إِلَى الْفَنَاءِ وَالْهَلَاكِ...<sup>۱</sup>:

ما (با بررسی احکام) می‌یابیم که هر چه را خداوند متعال حلال شمرده است مایه صلاح و بقای مردم است، و مورد نیاز آنان بگونه‌ای که نمی‌توانند از آن دست بردارند... و چیزهایی را حرام و ممنوع یافتیم که مردمان را به آنها نیازی نیست؛ بلکه آن چیزها فسادآور است و نابودکننده و هلاکت‌بار.

از مسائل فکری و عقیدتی نادرستی که زمینه درونی فقر و محرومیت را می‌سازد و رویارویی با آن را غلط و ناممکن جلوه می‌دهد، نسبت دادن فقر است به عوامل طبیعی و کمبود مواد در زمین<sup>۱</sup>، و سلب مسئولیت از انسانها و سیستم و نظام اجتماعی. در این نوع اندیشه‌ها، مبارزه با فقر غیرممکن و بیرون از حوزه اختیار و قدرت انسان معرفی می‌شود. و این اشتباهی بزرگ و بدآموزی زیانباری است که از عوامل فکری و فرهنگی پایداری فقر در جامعه می‌باشد.

اکنون با مراجعه به مجموعه آموزشهای رضوی، نیک روشن می‌گردد که این اندیشه، نادرست و مخالف گفتار امام رضا (ع) است.

امام در کلام یاد شده که از فلسفه احکام سخن می‌گوید، هماهنگی نظام تشریع و نظام تکوین را - در تأمین احتیاجات انسان - بیان کرده، معیار احکام الهی را رفع نیاز انسان و بقای او شمرده است. دین بر اساس حلال و حرام استوار است و حلیت و جواز، بر اصل صلاح و بقا و احتیاج پی نهاده شده است؛ و حرمت بر اصل فساد، فناء، هلاکت و بی‌نیازی آدمی از چیزهای حرام. بنابراین، آنچه برای

۱. البته منظور فقر بطور قاعده است نه استثناء، زیرا که فقر بطور استثناء در همه جامعه‌ها پیش می‌آید (مثلاً در سیل، زلزله، جنگ و...) که آن هم بر اساس موازین اسلامی باید فوراً رفع شود).

ادامه زندگی و بقای انسان لازم است، در طبیعت موجود است و در شرع حلال و جایز شمرده شده است. و آنچه برای انسان زیان دارد، یا موجب نابودی و هلاکت اوست، حرام و ممنوع گشته است. از این کلام بخوبی روشن می شود که در نظام تکوین و جهان آفرینش، همه آنچه مورد نیاز انسان و عامل بقا و پایداری و زمینه صلاح و هدایت اوست آفریده شده و در دسترس او قرار گرفته است. و اگر موانعی انسانی چون ظلم، خیانت، غصب، سرقت، احتکار، و مصرفهای اسرافیه طبقات ثروتمند، و ویژه ساختن کالاها به اشخاص پیش نیاید، طبیعت غنی است و مواد لازم زندگی خلق را تامین کرده است. و این نظر کارشناسان مسائل اقتصادی و زیست محیطی و انسانی است.

«... بهتر آن است که دنیایی را به فرزندان خود

واگذاریم که امکان برآوردن نیاز همگان به غذا، آموزش، کار مطلوب، سرپناه و بهداشت مناسب در آن گسترش یافته نه این که نقصان گرفته باشد. این کار فقط به شرطی امکان دارد که مردم جوامع مصرفی، شیوه زندگی خود را دگرگون کنند.»<sup>۱</sup>

امام صادق (ع): «... فَإِنَّكَ إِذَا تَأَمَّلْتَ الْعَالَمَ بِفِكَرِكَ... وَجَدْتَهُ كَالْيَتِيمِ الْمُبْنِيِّ الْمُعْدِّ فِيهِ جَمِيعُ مَا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ عِبَادُهُ... وَكُلُّ شَيْءٍ

۱. چقدر کافیست؟ جامعه مصرفی و آینده زمین / ۶. آلن درنینگ،

ترجمه عبدالحسین وهابزاده، جهاد دانشگاهی مشهد.

فِيهَا لِسَانُهُ مُعَدٌّ، وَالْإِنْسَانُ كَالْمَمْلُوكِ ذَلِكَ الْبَيْتُ ۱

چه اگر در اندیشه خود درباره جهان تأمل کنی و به عقل خود در صدد شناخت آن برآیی، آن را همچون خانه‌ای خواهی دید که ساخته و پرداخته شده و هر چه مورد نیاز بندگان بوده در آن فراهم آمده است، و هر چیز در آن - چنان که باید - آماده شده است. و آدمی همچون مالک این خانه است که همه آنچه در آن است به اختیار وی قرار گرفته است. و گونه‌های رُستنی برای رفع نیازمندیهای او آماده شده است. و جانوران گوناگون در مصالح و منافع او مصرف می‌شود...

بشر  
انتشارات آستان قدس رضوی

## فصل ۲:

### مالیاتهای اسلامی (زکات)

امام رضا «ع»:

إِنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوتِ الْفُقَرَاءِ... كَمَا قَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «لَتَبْلُوَنَكُمْ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ»، فِي أَمْوَالِكُمْ إِخْرَاجُ الزَّكَاةِ... مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ آدَاءِ شُكْرِ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ... مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَالرَّأْفَةِ وَالرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ وَالْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ، وَالْحَثُّ لَهُمْ عَلَى الْمُسَاوَاةِ، وَتَقْوِيَةِ الْفُقَرَاءِ وَالْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ...<sup>۱</sup>:

قانون زکات، برای تأمین (زندگی) بینوایان وضع شد، چنانکه خدای بزرگ فرموده است: «شما را در اموال و جانها تان امتحان می‌کنیم.» (امتحان) در اموال پرداخت زکات است... با دیگر فوایدی که

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۲/ ۸۹؛ الحیة ۶/ ۲۳۳.

در این قانون نهفته است چون افزایش (مال) و احساسمندی و مهربانی نسبت به ناتوانان، و توجه به حال بینوایان، و سوق دادن جامعه به مساوات و برابری، و توانبخشی به فقیران، و یاری رساندن به آنان در انجام تکالیف دینی...

قوانینی برای تعدیل اقتصادی و معیشتی در جامعه و برطرف کردن احتیاجات لازم وضع شده است، چون خمس، زکات، و... در اجتماعی که تعادل داشته و از نظام اقتصادی عادلانه و سالمی برخوردار باشد، اکثریت قاطع مردم درآمدی کافی و بسنده خواهند داشت و نیازهای خود را تأمین خواهند کرد. در چنین اجتماعی، درصد اندکی از مردم محروم می‌مانند که محرومیت آنان به جبرهای طبیعی، ناتوانیهای جسمی، و گهگاه ظلمها و حق‌کشیهای فردی و جزئی مربوط می‌شود.

اینگونه محرومیتها، با اجرای قوانین یاد شده و تن دادن مردم به آنها برطرف می‌گردد. چنان‌که در کلام والای امام رضا (ع) آمده است: «که علت وضع قانون زکات، تأمین خوراک بینوایان و کمک به آنان است تا اندازه‌ای که چون دیگران بتوانند به امور دین و دنیای خود برسند.

تقویت بنیه بینوایان و توانیابی آنان برای انجام دادن تکالیف دینی، هدف و مرز این قانون است. و تکلیف بر پایه

حصول این مقصود ارزشمند استوار است. و تا این مقصود در همه افراد تهیدست جامعه تحقق نیافته، تکلیف باقی است. و این چگونگی روشن می‌کند که اگر ظلم و استثمار، در دوران طولانی بر اجتماعی حاکم بود، و فقر و محرومیت همه گیر و عمیق گشته بود، باید به هدف اصلی و علت وضع قانون توجه کرد؛ و آن - چنان که در کلام امام رضا «ع» آمده است - مساوات با محرومان و کمک رسانی و توان بخشی به آنان است تا قادر به زندگی و عمل به احکام دین باشند.



### فصل ۳:

## حق معلوم

امام رضا «ع»:

... قُلْتُ لَهُ: هَلْ عَلَى الرَّجُلِ فِي مَالِهِ سِوَى الزَّكَاةِ؟ قَالَ:

نَعَمْ: أَيْنَ مَا قَالَ اللَّهُ<sup>۱</sup>: «وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ

يُوصَلَ وَيَخْشُونَ رَبَّهُمْ وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ»<sup>۲</sup>:

راوی می‌گوید: به امام گفتم: آیا در مال تکلیفی

جز زکات هست؟ امام فرمود: آری، پس این

فرموده خدای درباره صله ارحام (مسئولیت‌های

خانوادگی) و امثال آن کجاست: «کسانی که آنچه

را خدا به پیوند دادن آن فرمان داده پیوند می‌دهند

و از خدای خویش می‌ترسند، و از سختی حساب

بیم دارند».

---

۱. مجمع البیان ۲۸۹/۶.

۲. سورة رعد (۱۳): ۲۱.

در این حدیث، امام رضا «ع» به روشنی از حقوقی در مال افزون بر زکات، سخن گفته است. سؤال راوی از همین موضوع است که پس از ادای زکات، آیا تکلیف دیگری انسان دارد؟ امام در پاسخ می‌گوید: بلی، پس از پرداختن زکات مسئولیتهای مالی دیگری نیز هست. و به آیه‌ای از قرآن استدلال می‌کنند، که از صلۀ رحم و پیوندهای خانوادگی سخن گفته است.

در آموزشهای رضوی مسئولیتهای مالی اهمیت فراوانی دارد و در ردیف اول مسئولیتها است، و بازخواست و حسابرسی روز رستاخیز نیز در درجه نخست به آنها بستگی دارد:

امام رضا «ع»:

عن آبائه «ع» عن علي «ع»، قال: قال رسول الله «ص»: ...  
وَأَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ النَّارَ أَمِيرٌ مُتَسَلِّطٌ لَمْ يَعْدِلْ وَ ذُو ثَرَوَةٍ مِنَ  
الْمَالِ لَمْ يُعْطِ الْمَالَ حَقَّهُ...<sup>۱</sup>:

به نقل از پدرانش از امام علی «ع»، از پیامبر «ص»: ...  
نخستین کسی که داخل دوزخ گردد حاکمی است که  
دادگر نبوده و ثروتمندی است که حق مال را ادا  
نکرده است (حقوق مالی را نپرداخته است).

مسئولیتهای مالی و کیفر آنها در ردیف مسئولیت

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۲/۲۸؛ مسند الامام الرضا «ع» ۱/۲۸۱.

حکومت و حاکمان قرار گرفته است، و این اهمیت آن و الزامی بودن آن را روشن می‌سازد.

در حدیث دیگری، امام رضا «ع» لزوم حقوق مالی بیش از زکات را از پیامبر «ص» نقل می‌کند:

امام رضا «ع»:

عَنْ آبَائِهِ، عَنْ امير المؤمنين علي بن ابي طالب «ع»: قِيلَ: يَا نَبِيَّ اللَّهِ! أَفَى الْمَالِ حَقُّ سِوَى الزَّكَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، بِرُّ الرَّحِمِ إِذَا أَدْبَرَتْ، وَ صِلَةُ الْجَارِ الْمُسْلِمِ: فَمَا أَقْرَبِي مَنْ بَاتَ شَبَعَانِ وَ جَارُهُ الْمُسْلِمُ جَائِعٌ...<sup>۱</sup>

نقل از پدرانش، از امام علی «ع»: به پیامبر «ص» گفتند: آیا در مال تکلیفی جز زکات هست؟ پیامبر فرمود: آری، نیکی کردن (با مال) نسبت به بستگان آنگاه که روگردانند، و رسیدگی به همسایه مسلمان؛ به من ایمان نیاورده است کسی که سیر بخوابد و همسایه مسلمان او گرسنه باشد...»

در قرآن به روشنی از این مسئولیت بزرگ اجتماعی، پرده برمی‌دارد:

«وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَعْلُومٌ لِلْسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ<sup>۲</sup>: کسانی که سائل و محروم در اموال آنان حقی معلوم دارند».

۱. امالی شیخ طوسی ۱۳۴/۲؛ الحیة ۲۵۸/۶.

۲. سورة معارج (۷۰): ۲۴ و ۲۵.

## فصل ۴:

### تأمین سطح زندگی

امام رضا «ع»:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، لَمْ يُبَيِّحْ أَكْلًا وَلَا شَرْبًا إِلَّا مَا فِيهِ  
الْمَنْفَعَةُ وَالصَّلَاحُ، وَلَمْ يُحَرِّمْ إِلَّا مَا فِيهِ الضَّرَرُ وَالتَّلَفُ  
وَالْفُسَادُ. فَكُلْ نَافِعَ مَقْوٍ. لِلْجِسْمِ فِيهِ قُوَّةٌ لِلْبَدَنِ  
فَهُوَ حَالِلٌ...<sup>۱</sup>

خدای متعال هیچ خوردن و نوشیدنی را جایز  
نکرده مگر آنچه در آن سود و صلاحی است؛ و  
(هیچ چیز را) ممنوع نکرده مگر آنچه در آن زیان  
و نابودی و تباهی بوده است. پس هر چه سودمند  
و توان بخش جسم باشد و به بدن آدمی نیرو  
بدهد، حلال است...

---

۱. مستدرک الوسائل ۱۰۳/۳؛ الحیة ۱۲۶/۶.

یکی از مسائلی که فقر را پدیده‌ای ضدّ اسلامی معرفی می‌کند و ضرورت مبارزه با آن را از نظر اسلام روشن می‌سازد، تبیین کمیت و کیفیت سطح زندگی و لزوم تأمین مواد و مایحتاج زندگی همه مردم است. این موضوع مهم و حیاتی و اسلامی، در احادیث امام رضا «ع» مطرح شده است. امام در طرح مسائل گوناگون حیات و سعادت و رشد زندگی انسان، از سطح زندگی معقول و درستی سخن گفته‌اند که با شکوفایی استعدادهای مادی و معنوی و تکامل فردی و اجتماعی انسان متناسب است. مجموعه این گفتار، روشن می‌سازد که امام رضا «ع»، درباره سطح زندگی و حد و مرز نیازهای آن چگونه می‌اندیشند، و چه کالاها و مواد و امکاناتی را برای زندگی انسان لازم می‌دانند. از این موضوع به دست می‌آید که فقر و تهیدستی و نبود سطح زندگی لازم، با اندیشه‌های امام به کلی ناسازگار است. اکنون با دستیابی به نهاد اصلی در این اندیشه، به شاخه‌ها و بخشهای گوناگون از آموزشهای رضوی می‌پردازیم، که سطح زندگی را در جهت‌های گوناگون، ترسیم کرده و ریزتر و دقیق‌تر مسائل آن را مطرح ساخته است.

### آ- نان و آب

امام رضا «ع»:

سُئِلَ الرِّضَا «ع» عَنْ طَعْمِ الْخُبْزِ وَالْمَاءِ فَقَالَ: طَعْمُ الْمَاءِ

### طَعْمُ الْحَيَاةِ، وَ طَعْمُ الْخُبْرِ طَعْمُ الْعَيْشِ<sup>۱</sup>:

«از مزه نان و آب از امام رضا «ع» سؤال شد. امام فرمود: مزه آب، مزه زندگی است و مزه نان مزه زیستن».

در این کلام که نگرشی اصولی و ژرف به مسائل حیات انسانی افکنده است، از مزه نان و آب سخن رفته و طعم آب، طعم حیات، و طعم نان، طعم زندگی شمرده شده است. اینکه مزه آب، مزه زندگی است تردید ندارد، زیرا آب عنصر اصلی تشکیل حیات و شرط ضروری تداوم آن است. بیشترین قسمت بدنه موجودات، بویژه گیاهان و حیوانات و انسان، آب است. درصد آب در تشکیل بدن انسان، بیشتر از دیگر مواد است.

در نظام تولید و اداره اقتصادی زندگی انسان نیز آب، سهم حیاتی دارد، و برآستی مزه زندگی مزه آب است، چنان که در سخن امام رضا «ع» آمده بود. مادر بسیاری از صنایع، تولیدات و فراورده های کشاورزی است. و کشاورزی بدون آب ممکن نیست. محرومیت طبقه زحمتکش کشاورز بیشتر به محرومیت از آب بستگی دارد؛ بویژه در مناطقی که زمین زیاد است و آب کم، چون

قاره آسیا و آفریقا. به طور کلی، و در همه جا، زندگی و حیات کشاورز و کشاورزی به آب بستگی دارد. در صنایع دیگر نیز آب ضروری است.

«مزه نان، مزه زندگی»، نیز اصلی تردیدناپذیر و قانونی بی استثنا است؛ زیرا انسان بدون غذا نمی تواند زندگی کند، و نان برای او ماده غذاها است.

در قرآن کریم، این دو شرط اصلی زندگی مطرح گشته است:

... وَ جَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...<sup>۱</sup>؛  
و هر چیز زنده ای را از آب پدید آوردیم...  
و ما جعلناهم جسداً لا يأكلون الطعام...<sup>۲</sup>؛  
ما پیامبران را کالبدی نساختیم که غذا نخورند...

## ب - گوشت

امام رضا «ع»:

عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ «ع»: عَلَيْكُمْ بِاللَّحْمِ فَإِنَّهُ يُنْبِتُ  
اللَّحْمَ؛ وَمَنْ تَرَكَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ يَوْماً سَاءَ خُلُقُهُ<sup>۳</sup>؛  
لازم است گوشت بخورید، که آن (بر اندام شما)  
گوشت می رویاند. آن کس که چهل روز گوشت

۱. سورة انبیا (۲۱): ۳۰.

۲. همان، ۸.

۳. عیون اخبار الرضا «ع» ۴۱/۲؛ مسند الامام الرضا ۳۲۷/۲.

نخورد، اخلاقش نکوهیده می‌گردد.

در تغذیه، گوشت ضروری است، بسیاری از نیازها و مواد بدن از گوشت تأمین می‌شود، و توان و نیروی آدمی از پروتئین حیوانی به دست می‌آید. در فراز نخست حدیث، به این ضرورت اشاره شده است که ماهیچه‌ها و عضلات و رگ و پیوندهای بدن که کارآیی استخوان را تضمین می‌کند و اسکلت بدن را چون پوششی نیرومند می‌پوشاند، از خوردن گوشت رشد می‌کند و تغذیه می‌شود. در فراز دوم، رابطهٔ مادیت و معنویت و اخلاق و اقتصاد و تغذیه و حالات روانی انسان با تعبیری بسیار گویا مطرح گشته است: هر کسی چهل روز گوشت نخورد، اخلاق او بد می‌شود. این بدی اخلاقی و زشت‌خویی، از ترک خوردن گوشت پدید می‌آید. شاید علت عمدهٔ این موضوع این باشد که نخوردن گوشت موجب ضعف بدن و سیستم اعصاب است، و این بر ناتوانی روحی و ضعف ارادهٔ انسان تأثیر عمده می‌گذارد و از تسلط انسان بر خود می‌کاهد، و آرامش لازم در برابر حوادث زندگی که از نیرومندی اعصاب و سلامت مزاج نشأت می‌گیرد، از دست می‌رود، و انسان به فردی ضعیف، ناآرام، پرخاشجو و بی‌تحمل تبدیل می‌شود. و این ریشهٔ همهٔ بدرفتاریها و کژخلقیها در روابط اجتماعی و خانوادگی است.

احادیثی نیز در نکوهش گوشت خواری رسیده است. از جمع این دو دسته احادیث و مقایسه آنها روشن می شود که مداومت بر گوشت خواری زیان می رساند، اما ترک آن نیز موجب ضعف و ناتوانی است.

پیامبر اکرم «ص»:

مَنْ أَكَلَ اللَّحْمَ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا قَسَا قَلْبُهُ<sup>۱</sup>:

هر کس چهل روز (بیای) گوشت بخورد، به سنگدلی دچار گردد.

### ج - لباس

امام رضا «ع»:

بزنطی: قال أبی ما تَقُولُ فی اللباسِ الحَسَن؟... فقال لی: أَلْبَسْ وَ تَجَمَّلْ<sup>۲</sup>...

بزنطی (راوی معروف) می گوید: پدرم گفت: «در پوشیدن لباسهای زیبا چه می گویی؟... امام رضا «ع» گفت: بپوش و زیبا بپوش...»

لباس از ضروریات زندگی است. نوسان در درجه هوا، تابش نور خورشید و وزش نسیمهای گوناگون، ضرورت پوشش تن را آشکار می کند؛ صرف نظر از اینکه

۱. بحار ۲۹۴/۶۲.

۲. کافی ۴۵۱/۶؛ مسند الامام الرضا «ع» ۳۶۰/۲ با اختلافی اندک.

برخی از پوششها واجب است، و برخی جنبه اخلاقی نیز دارد. در دستورات اسلامی، پوشش برای زن و برخی پوششها برای مرد، واجب شمرده شده است. از این فراتر، آرایش سیمای ظاهری است در جامعه و برای چشمهای نظاره گر که دستوری اخلاقی است، و لازم است مؤمنان با سیمایی خوشایند و آراسته در جامعه گام گذارند و شکوه ظاهری جامعه را حفظ کنند، چنانکه در روایت امام رضا «ع» لباس زیبا تجویز شده است؛ از جمله برای حفظ همین شکوه ظاهری جامعه اسلامی. ضرورت مقدار لازم لباس تردیدپذیر نیست، لیکن چگونگی و کیفیت آن با سطح درآمد و زندگی مردم و جامعه رابطه دارد. اگر سطح درآمدها پائین باشد و ضرورتهای زندگی تأمین نگردد، لباس نیز باید در حد لازم مورد استفاده قرار گیرد. و اگر سطح درآمدها بالا باشد، و مسائل اولیه زندگی حل شده باشد، از لباسهای زیبا و فاخر نیز می توان استفاده کرد. در کلام دیگری از امام رضا «ع» که در همین بخش (فصل: رابطه سطح زندگی و سطح درآمد)، مطرح خواهد شد، رابطه سطح زندگی و سطح درآمد و وضعیت اقتصادی جامعه تبیین خواهد گشت.

#### د - نظافت و بهداشت

امام رضا «ع»:

إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى... يُبْغِضُ الْبُؤْسَ وَ النَّبَاؤُسَ،

وَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يُبْغِضُ مِنَ الرِّجَالِ الْقَاذُورَةَ...<sup>۱</sup>:

خداوند متعال بیچارگی و بیچاره‌نمایی را دشمن می‌دارد، و خداوند مردم زولیده و کثیف را دشمن می‌دارد...

بهداشت و نظافت، در نظر امام اهمیتی ویژه دارد، و کثیفی و پلیدی نکوهیده و زشت و موجب خشم الهی است. شستشوی بدن - که رکن بهداشت است - در حد نسبتاً بالای آن، در آموزشهای رضوی آمده است.

#### ه - تزئین و آرایش

امام رضا «ع»:

حَسَنُ بْنُ جَهْمٍ: دَخَلْتُ عَلَى أَبِي الْحَسَنِ «ع» وَهُوَ مُخَضَّبٌ بِسَوَادٍ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ قَدْ اخْتَضَبْتَ بِالسَّوَادِ؟ قَالَ: إِنَّ فِي الْخِضَابِ أَجْرًا. إِنَّ الْخِضَابَ وَالتَّهَيَّئَةَ مِمَّا يَزِيدُ فِي عِفَّةِ النِّسَاءِ، وَلَقَدْ تَرَكَ النِّسَاءُ الْعِفَّةَ لِتَرَكَ أَزْوَاجَهُنَّ التَّهَيَّئَةَ لَهُنَّ<sup>۲</sup>.

ابن جهم می‌گوید: نزد امام رضا «ع» رفتم و او موهایش را رنگ سیاه زده بود. گفتم: فدایت شوم، با رنگ سیاه موهایت را رنگ کردی؟ فرمود: در رنگ‌آمیزی مو

۱. فقه الرضا «ع» / ۳۵۴.

۲. مکارم الاخلاق / ۸۹؛ مسند / ۳۷۰/۲.

پاداش است. رنگ کردن موی و آمادگی (با آراستن ظاهر) از چیزهایی است که پاکدامنی زنان را افزون می‌سازد، و زنان پاکدامنی را رها کردند چون همسرانشان خود را برای ایشان آماده نکردند.

امام در این کلام، به دو موضوع اشاره کرده‌اند: نخست، پاداش اخروی و اجر الهی زینت و آرایش کردن. دوم ارزش اجتماعی و تکلیفی آن. این هر دو موضوع، مهم است. و موضوع دوم که بیانگر فلسفه اجتماعی آرایش و آراستگی است، اهمیتی ویژه دارد، چون آرایش مردان و آراستن سیمای ظاهری، خود موجب افزونی پاکدامنی زنان می‌گردد، و احساس لذت‌جویی و زیباپرستی آنان را اشباع می‌کند. درباره شیوه زندگی اجتماعی امام رضا «ع» رسیده است که آن امام بزرگ، در خانه لباسهای پاره و درشت و پشمینه می‌پوشید، و بر خویش سخت می‌گرفت و دشوار می‌زیست، و از آسایش و راحت‌طلبی دوری می‌گزید؛ و هنگامی که در جمع ظاهر می‌گشت، و میان مردمان می‌آمد، خود را می‌آراست و زینت می‌کرد. در این رفتار امام، که بازگوکننده اندیشه و فکر امام است، آرایش و آراستگی ظاهر، نوعی تکلیف اجتماعی برای احترام به دیگران معرفی شده است. در جامعه، چشمها به انسان دوخته می‌شود، و از راه چشمها، دلها و روانها متوجه انسان

می‌گردد. حال، اگر سیمای ظاهری انسان آراسته، تمیز، منظم و موزون بود، مردم از دیدار انسان لذت می‌برند و در دل شادمان می‌گردند، چنان‌که در برابر مناظر زیبای طبیعت قرار گرفته باشند. در حالت دیگر که ظاهر انسان ژولیده، و چهره‌اش پژمرده و افسرده و آلوده و چندان آوار باشد، حال دیگران را می‌گیرد، و آنان را آزار می‌دهد و افسرده می‌سازد. از این رو، آرایش ظاهری، حق بزرگ انسانی و اجتماعی است که موجبات خرسندی مردمان را فراهم می‌آورد. و این چگونگی به اغنیا و توانگران اختصاص ندارد، و باید برای همه فراهم باشد، چون همه در اجتماع ظاهر می‌شوند و با یکدیگر روبرو می‌گردند و بر یکدیگر تأثیر می‌گذارند.

#### و - عطر، بوی خوش

امام رضا «ع»:

لَا يَنْبَغِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدَعَ الطِّيبَ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ فَيَوْمٌ وَ يَوْمٌ لَا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ وَلَا يَدَعُ ذَلِكَ أَبَارَاتِ اسَانِ قَدَسِ رُصُوفِي

شایسته نیست که انسان هر روز عطر نزند. اگر هر روز نتوانست روز درمیان، و اگر نتوانست در هر

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۱/ ۲۷۹ - ۲۸۰؛ کافی ۵۱۰/۶؛ مسند الامام الرضا «ع» ۳۷۲/۲.

جمعه. و این (اندازه) را ترک نکند.

استفاده از عطر برای انسان در حال عبادت و در خانواده و جامعه امری لازم و تکلیفی است انسانی و اخلاقی، که امام رضا «ع» بر آن تأکید فرموده است. اساس زندگی انسان بر انس، آمیزش و معاشرت نهاده شده است. انس و معاشرت و همگرایی، جاذبه‌ها و دافعه‌هایی دارد: جاذبه‌ها و دافعه‌های مادی و معنوی. زشت‌خویی، آزمندی، کینه‌توزی، بی‌عاطفگی، خشم و... از دافعه‌های معنوی و اخلاقی است که دیگران را از انسان دور می‌کند و آدمی را تنها می‌گذارد، چنان‌که اخلاق نیک، گذشت، خوشرویی، مهرورزی و بردباری، زمینه‌های دوست‌یابی و گرایش دیگران و جلب دوستی است.

مسائل و اشیای مادی نیز می‌تواند در تحکیم روابط اجتماعی و جذب و جلب مردم مؤثر باشد. از جاذبه‌های مادی، تمیزی، آراستگی ظاهری، بوی خوش و استفاده از عطریات است.

در خانواده نیز استفاده از عطر، به دو جهت اهمیت دارد: نخست، موضوعی است که در کلام پیشین امام بود، و آن فراهم شدن زمینه‌های خرسندی خاطر زنان است و گرایش بیشتر آنان به پاکی و پاکدامنی. و دیگر، احترام به روابط گروهی و احساس و عواطف انسانی است، که افراد

خانواده نیز چون دیگر انسانها باید از همنشینی با انسان لذت ببرند و شادمان گردند.

در عبادات نیز استفاده از بویهای خوش و انواع عطرها تاکید شده است. این نیز عللی دارد و مهمترین آنها این است که انسان در عبادت و در پیشگاه خداوند متعال باید با بهترین حال و آراسته‌ترین سیما باشد، و جامه تمیز بپوشد، و بدن او پاکیزه باشد، و عطر و بوی خوش به کار برد. دیگر اینکه، ملائکه و قوای معنوی و مأموران الهی که به نماز و عبادت انسان متوجه‌اند، از بویهای خوش تغذیه می‌کنند. و این موجب جذب و توجه بیشتر آنان می‌گردد، و از جهاتی در عمل مؤثر است. آری کشاورز، کارگر، حتی معدن‌چینی که در اعماق زمین به استخراج سنگ آهن و ذغال سنگ و... مشغولند و کارگرانی که در کوره‌پزخانه‌ها و... به کار دست می‌یازند، همه و همه، چون تشکیل‌دهنده جامعه مؤمنانند، باید بتوانند دارای ظاهر آراسته باشند، و از بوی خوش و دیگر چیزها استفاده کنند، و به این گونه مسائل در زندگی دست یابند، و در خانه و خانواده خود، اسباب رضایت و خرسندی همسر و فرزندان خود را فراهم آورند.

### ز - رابطه سطح زندگی و سطح درآمد

امام رضا «ع»:

إِنَّ أَهْلَ الضَّعْفِ مِنْ مَوَالِيٍّ يُحِبُّونَ أَنْ أَجْلِسَ عَلَى اللَّبُودِ،

و الْبَسَ الْخَشْنَ ، وَ لَيْسَ يَتَحَمَّلُ الزَّمَانُ ذَلِكَ <sup>۱</sup>:

کوته‌فکران از دوستانم دوست دارند من بر نمد بنشینم و جامهٔ زیر بر تن کنم؛ لیکن زمان، مقتضی این زندگی نیست.

امام در این کلام، بروشنی از فراخور و ظرفیتهای زمانی سخن گفته و میان دوره‌ها و زمانها تفاوت قائل شده است. از آغاز سخن امام چنین به دست می‌آید که برخی انتظار داشتند که ایشان نیز مانند زمان حضرت علی «ع» لباس بپوشد و به سان او زندگی کند. امام در پاسخ آنان به تفاوت دوره‌ها و زمانها و مسئولیتهای هر زمان اشاره می‌کنند.

### ح - تأمین سالیانه

امام رضا «ع»:

إِنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا ادَّخَرَ طَعَامَ سَنَةٍ، خَفَّ ظَهْرُهُ وَاسْتَرَحَّ، وَ كَانَ أَبُو جَعْفَرٍ «ع» و أَبُو عَبْدِ اللَّهِ «ع»، لَا يَشْتَرِيَانِ عُقْدَةً حَتَّى يُحْرَزَا طَعَامَ سَنَتَيْهِمَا <sup>۲</sup>:

آدمی اگر خوراکی یک سال را ذخیره کند، خود را سبکبار و آسوده حس می‌کند، و چنین بودند امام باقر «ع» و امام صادق «ع» - هنگامی که امکانی

۱. مکارم الاخلاق / ۱۱۱؛ مسند الامام الرضا «ع» ۳۶۱/۲.

۲. الحیة ۱۱۳/۶؛ و در کافی ۸۹/۵، با اندکی اختلاف.

به هم می‌رسید - باغی نمی‌خریدند (به منظور تأمین آتیه)، مگر پس از اینکه به مقدار خوراک خود کنار می‌گذاشتند.

در موضوع سطح زندگی از نظر امام رضا «ع»، تأمین زندگی سالیانه لازم است، چنان‌که در کلام والای امام مطرح گشته است. در این بیان، به فلسفه این موضوع نیز اشاره شده است که انسان هنگامی که غذای یک سال را ذخیره داشت، آسایش خاطر دارد. و آسایش خاطر، زمینه اصلی رشد اندیشه و عمل آدمی است. با آسایش خاطر، انسان در هر زمینه می‌تواند به راه و کار خود ادامه دهد و آنچه را در توان دارد شکوفا سازد، و برای جامعه بمعنای واقعی مفید باشد و بازده ارزنده داشته باشد. تأمین اقتصادی از دیگر تأمینهای اجتماعی اگر مهمتر نباشد، کمتر نیست. احتیاج بدترین مشکل است که انسان را تا حد بردگی سوق می‌دهد و از هر گونه شکوفایی و کارایی و مفید بودن برای جامعه بازمی‌دارد.

امارات اسان قدس رضوی

## فصل ۵:

### حُرمت مال و رشد آن

امام رضا «ع»:

عن أبيه «ع» عن أبيه «ع»، قال: قال رسول الله «ص»: المَغْبُون لا مَحْمُودٌ ولا مَأْجُورٌ؛

نقل از پدر خویش، از پدران خویش، از پیامبر اکرم که فرمود: انسان گول خورده (مغبون شده)، نه ارزشی دارد نه پاداشی.

از مجموعه تعالیم رضوی درباره مال و نظام مالی روشن می‌گردد که مال عامل قوام و پایداری جامعه است، پس باید در رشد و حفظ آن کوشید، و در بهره‌برداری از اموال و امکانات اقتصادی سهل‌انگاری نکرد. در حدیث «علل الشرایع»، که امام رضا «ع» از فلسفه احکام سخن

می‌گویند، بارها بر این محور تأکید شده است که استفاده از راهها و شیوه‌هایی که موجب فساد و تباهی و رکود در نظام مالی است، یا حد و مرز اموال را نادیده می‌گیرد و حرمت مال را کنار می‌گذارد و... ممنوع است و استفاده از راههای بهره‌داری درست و مشروع حلال است و مجاز.

اموال در دنیا بسیار است و راههای رشد مال فراوان. تمامی راههایی که در اسلام ممنوع و محکوم است، اموال را افزایش و رشد می‌دهد چون ربا، خیانت، ظلم و...؛ لیکن اینها از نظر اسلام رشد مال نیست. مال به دست آمده از راه ربا، حرمت و ارزش ندارد. اینگونه مال باید مصادره شود و به کسانی که ربا داده‌اند، اگر معلومند بازگردد وگرنه به محرومان داده شود. همچنین در اموال نامشروع دیگر که ضوابط و معیارهای اسلامی در آنها رعایت نشده است. بنابراین، مال در بیش از اسلامی، تنها و در چهارچوبی که اسلام خواسته و در مسیر اهداف اسلامی، حرمت و ارزش دارد، و حفظ مال و رشد آن باید در قلمرو اسلامی آن باشد. چنانکه گفتیم، رباخوار مال شخصی خود را حفظ می‌کند، لیکن مال در سطح جامعه حفظ نمی‌شود؛ بلکه تضییع و تباه می‌گردد چون مدار و موضوع و چهارچوب اسلامی خود را از دست می‌دهد. پولی که سود پول باشد از نظر اسلام پول نیست، ارزش ندارد، رشد نیست، بلکه زیان و ضرر است. در اسلام، زیان و ضرر فرد و زیان و ضرر جامعه هر دو مورد نظر است، بلکه دومی مهمتر است.



بخش ششم:

کار و عمل

انتشارات آستان قدس رضوی



## فصل ۱:

### کار در قانون طبیعت و نظام آفرینش

امام رضا «ع»:

... لَيْسَ لِلنَّاسِ بُدٌّ مِنْ طَلَبِ مَعَاشِهِمْ، فَلَا تَدْعِ الطَّلَبُ<sup>۱</sup>:  
مردم ناگزیرند در تلاش زندگی خویش باشند، پس  
کوشش در راه کسب مال را رها مکن.

کار از دو نظر اهمیتی حیاتی دارد:

- ۱- قانون طبیعت و سنتهای حاکم بر نظام آفرینش.
  - ۲- قانون شریعت و برنامه‌های آن.
- کار، در قانون طبیعت نیز از دو جهت اهمیت دارد:
- أ- از نظر قانونمندیهای عمومی حاکم بر طبیعت.
  - ب- از نظر قوانین طبیعی حاکم بر وجود انسان و

---

۱. وسائل ۱۸/۱۲؛ الحیاء ۳۲۰/۵.

رابطه آنها با قوای روانی و تنی او.

در دو حدیث از امام رضا «ع»، کار در نظام تکوین و نظام تشریع مطرح شده است.

از نظر قانون طبیعت، کار وسیله‌ای است برای فعلیت یافتن آثار پدیده‌های طبیعی و آماده‌سازی آنها برای بهره‌برداری انسان. هرکالایی که مورد استفاده انسان قرار می‌گیرد، به کمک کار کارگری آماده بهره‌برداری قرار گرفته است.

کار، در ارتباط با قوانین حاکم بر وجود انسان نیز، ابزاری است برای بودن و شدن آدمی و به فعلیت رسیدن نیروهای جسمی و عقلی وی و رشد و شکوفایی استعدادهای فطری و درونی شخصیت او.

قرآن کریم، از کار و عمل، فراوان سخن گفته است و در بُعد نظام تکوین و تشریع، ضرورت و اهمیت کار و عمل را تبیین و تشریح کرده است.

«لقد خلقنا الانسان فی کبد<sup>۱</sup>»

انسان را در رنج آفریدیم.

تنها تن آدمی نیست که به کار نیاز دارد، بلکه رشد روح او و قوای معنوی و فکر و فرهنگ و تربیت او نیز به کار بستگی دارد و بیکاری بر معنویت آدمی نیز آثاری زیانبار می‌گذارد. طبق

۱. سوره بلد (۹۰): ۴.

گفته امام صادق «ع»، اگر هر چه را انسان نیاز داشت، نظام طبیعت آماده و ساخته و پرداخته در اختیار او می گذاشت و انسان نیاز خود را براحتی و بدون تلاش برطرف می کرد، و پیوسته اوقات خود را به بیکاری و فراغت می گذراند، به فساد و تباهی کشیده می شد، و ناگزیر نیرو و انرژی خود را در راههایی صرف می کرد که به نابودی خود و هموعش می انجامید.

امام صادق «ع»:

... وَ جَعَلَ الْخُبْزَ لَا يَنَالُ إِلَّا بِالْحِيلَةِ وَ الْحِرْكََةِ، لِيَكُونَ  
لِلْإِنْسَانِ فِي ذَلِكَ شُغْلٌ يَكْفِيهِ، عَمَّا يَخْرُجُهُ إِلَيْهِ الْفَرَاغُ مِنَ  
الْأَشْرِ وَالْعَبَثِ...<sup>۱</sup>:

خداوند نان را چنان قرار داد که جز با نیروی کار و مهارت و تلاش دست نیابد، تا انسان به کاری مشغول گردد و از پیامدهای بیکارگی و گستاخی رفاه زدگی و بیهودگی بازماند.

امام علی «ع»:

مَنْ يَعْمَلُ يَزِدُّ قُوَّةً، وَ مَنْ يَقْصِرُ فِي الْعَمَلِ يَزِدُّ فَتْرَةً<sup>۲</sup>:  
آن کس که کار کند توانش فزونی می یابد، و آن کس  
که کم کار کند و بیکاره باشد سستی و ناتوانی او  
افزون می گردد.

۱. الحیاء ۲۴۹/۳.

۲. غررالحکم / ۲۶۹.

## فصل ۲:

### کار در قانون دین و نظام تشریع

امام رضا «ع»:

... إِنَّ الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ يَكُفُّ بِهِ عِيَالَهُ، أَعْظَمُ أَجْراً  
مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ<sup>۱</sup>:

آنکس که (با کار و عمل) در جستجوی مواهب زندگی،  
برای تأمین خانواده خویش است، پاداشی بزرگتر از  
مجاهدان راه خدا دارد.

امام، در این روایت به ارزش تشریعی کار اشاره می‌کنند.  
با توجه به ضرورت تکوینی و طبیعی آن، ضرورت و وجوب  
تکلیفی و شرعی نیز روشن می‌گردد. انسان با توجه به معیارهای

---

۱. کافی ۸۸/۵؛ مسند الامام الرضا «ع» ۲/۲۹۹.

دین، مکلف است از قانون آفرینش سرپیچی نکند، تا دچار پیامدهای ویرانگر آن نگردد. نظام تشریع و باید و نبایدهای قانونی اسلام، با نظام تکوین و سنتهای آفرینش هماهنگ است. برای اهمیت حیاتی که کار دارد تعالیم دیگری را نیز در این زمینه می‌آوریم:

پیامبر «ص»: از پیامبر اکرم پرسیده شد: کدام کسب انسان پاکیزه‌تر است؟ فرمود: کارکردن مرد با دست خود!

پیامبر «ص»: هر کس از دسترنج خود بخورد، مثل برق از پل صراط خواهد گذشت<sup>۱</sup>.

یکی از مهمترین چیزهایی که شارع اسلام برای ایجاد رغبت به کار... مطرح کرده است تصریح به این مطلب است که دعای آدم بیکار... مستجاب نمی‌شود.

پیامبر اکرم «ص»: دسته‌هایی از امت من دعایشان مستجاب نمی‌شود... و یکی مردی که در خانه‌اش می‌نشیند و می‌گوید: پروردگارا روزی مرا برسان<sup>۲</sup>.

از اینرو، می‌نگریم که رهبران الهی و پیامبران و

۱. مجمع البیان ۳۸۰/۲.

۲. مستدرک الوسائل ۴۱۷/۲.

۳. الحیة ۴۵۳/۵.

جانشینانشان بدون استثنا کار می‌کردند، قرآن کریم درباره برخی از آنان چنین می‌گوید:

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَا مُوسَىٰ ﴿١﴾ قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّؤُا عَلَيْهَا، وَ أَهْبَشُ بِهَا عَلَىٰ غَمَمِي وَلِي فِيهَا مَآرِبُ أُخْرَىٰ<sup>۱</sup>:  
ای موسی! این چیست در دست تو؟ گفت: این عصای من است که به آن تکیه می‌کنم، و برای گوسفندانم با آن از درختان برگ فرو می‌ریزم، و نیازهایی دیگر را نیز با آن برطرف می‌کنم.

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُؤْسٍ لِّكُم لِيُخْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ<sup>۲</sup>:  
انتم شاکرون:

صنعت زره سازی را برای شما به او (داوود پیامبر) آموختیم، تا در جنگ‌هایتان شما را از آسیب دشمنان حفظ کند، آیا شکرگزار خواهید بود؟

پیامبر «ص»: به روایت امام باقر «ع»: خداوند بزرگ، در آن هنگام که آدم را از بهشت به زمین فرود آورد، به او فرمان داد تا با دست خود زراعت کند، و... از دسترنج خویش بخورد.<sup>۳</sup>

الإمام علی «ع»: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَىٰ دَاوُدَ «ع»، إِنَّكَ نَعَمَ الْعَبْدُ، لَوْلَا

۱. سورة طه (۲۰): ۱۷ و ۱۸.

۲. سورة انبیا (۲۱): ۸۰.

۳. مستدرک الوسائل ۴۱۷/۲.

أَنْتَ تَأْكُلُ مِنْ بَيْتِ الْمَالِ وَلَا تَعْمَلُ بِيَدِكَ شَيْئًا. قَالَ:  
فَبَكَى دَاوُدَ «ع» أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَأَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْحَدِيدِ  
أَنْ: لِيْ لِعَبْدِي دَاوُدَ. فَأَلَانَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ الْحَدِيدَ، فَكَانَ  
يَعْمَلُ كُلَّ يَوْمٍ دِرْعًا فَيَبِيعُهَا بِأَلْفِ دِرْهَمٍ. فَعَمِلَ ثَلَاثَ مِئَةٍ  
وَسِتِّينَ دِرْعًا، فَبَاعَهَا بِثَلَاثِ مِئَةٍ وَسِتِّينَ أَلْفًا، وَاسْتَغْنَى  
عَنْ بَيْتِ الْمَالِ.<sup>۱</sup>

امام علی «ع»: خدای بزرگ به داوود «ع» وحی  
فرستاد که تو، اگر از بیت‌المال نمی‌خوردی و با  
دست خود کار می‌کردی، بنده خوبی بودی...  
داوود چهل روز گریست، آنگاه خدا به آهن وحی  
(اشاره) کرد، که در دست بنده من داوود نرم  
باش. بدینسان، خدای بزرگ آهن را برای او نرم  
کرد، و او هر روز یک زره می‌بافت و به هزار  
درهم می‌فروخت. سیصد و شصت زره بافت و  
آنها را به سیصد و شصت هزار درهم فروخت و  
از بیت‌المال بی‌نیاز شد.

در احادیث آمده است که: «هزینه زندگی سلیمان بن  
داوود «ع»، از فروش زنبیلهایی بود که از پوست (لیف)  
درخت خرما با دست خود می‌بافت».<sup>۲</sup>

۱. کافی ۷۴/۵.

۲. ارشاد القلوب ۱۵۷/.

الإمام علي «ع» -

إِنَّهُ لَمَّا كَانَ يَفْرُغُ مِنَ الْجِهَادِ، يَتَفَرَّغُ لِتَعْلِيمِ النَّاسِ وَ الْقَضَاءِ بَيْنَهُمْ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْ ذَلِكَ أَشْتَغَلَ فِي حَائِطٍ لَهُ، يَعْمَلُ فِيهِ بَيْدَهُ، وَهُوَ مَعَ ذَلِكَ ذَاكِرٌ لِلَّهِ جَلَّ جَلَالُهُ<sup>۱</sup>.

امام علی «ع» چون از جهاد فراغت می‌یافت، به کار تعلیم مردمان و داوری کردن در مرافعات ایشان می‌پرداخت؛ و چون از این یک فارغ می‌شد، در باغچه‌ای که داشت با دست خود به کار مشغول می‌گشت، و با وجود این، در حال ذکر بود.

الإمام علي «ع»:

جُعْتُ يَوْمًا بِالْمَدِينَةِ جُوعًا شَدِيدًا، فَخَرَجْتُ أَطْلُبُ الْعَمَلَ فِي عَوَالِي الْمَدِينَةِ، فَإِذَا أَنَا بِامْرَأَةٍ قَدْ جَمَعَتْ مَدْرًا فَظَنَنْتُهَا تُرِيدُ بَلَّةً، فَأَتَيْتُهَا فَقَاطَعْتُهَا عَلَيْهِ: كُلْ ذَنْوبٍ عَلَى تَمْرَةٍ؛ فَمَدَدْتُ سِتَّةَ عَشَرَ ذَنْوبًا حَتَّى مَجَلَّتْ يَدَايَ، ثُمَّ أَتَيْتُ الْمَاءَ فَأَصَبْتُ مِنْهُ، ثُمَّ أَتَيْتُهَا فَقُلْتُ: بِكَفِّي هَذَا، بَيْنَ يَدَيْهَا... فَعَدَّتْ لِي سِتَّةَ عَشْرَةَ تَمْرَةً؛ فَأَتَيْتُ النَّبِيَّ «ص» فَأَخْبَرْتُهُ فَأَكَلَ مَعِيَ مِنْهَا<sup>۲</sup>.

امام علی «ع»: روزی در مدینه سخت گرسنه شدم، برای پیدا کردن کار به محله‌های بالای مدینه رفتم، در آنجا

۱. عَدَّة الدَّاعِي ۱۰۱/.

۲. كَشَفُ الْغُمَّةِ ۱۷۵/۱ و ۱۷۶.

زنی را دیدم که کلوخهایی را جمع کرده بود و فکر کردم که می‌خواهد با آنها گِل درست کند، نزدیک او رفتم و طی کردم که برای هر دلو آب که از چاه بکشم یک دانه خرما به من بدهد؛ چون شانزده دلو کشیدم، دستم تاول زد. پس به لب آب رفتم و دستم را شستم، آنگاه به نزد آن زن رفتم و دستم را جلو بردم، او شانزده دانه خرما به من داد. من نزد پیامبر «صلی» آمدم و او را از آنچه گذشته بود آگاه کردم، پیامبر با من از آن خرماها خورد.

الإمام علي «ع» -

فیما رواه الإمام الصادق: کان أمير المؤمنين «ع» یضرب بالمرّ و یستخرج الأرضین.. و إنّ أمير المؤمنين «ع» أعتق ألف مملوک من ماله و کدّ یدیه<sup>۱</sup>.

امام علی «ع» - به روایت امام جعفر صادق «ع»: امیرالمؤمنین «ع» بیل می‌زد و شخم می‌کرد (و آب از زمین بیرون می‌آورد)... امیرالمؤمنین «ع» از مال و دسترنج خود هزار برده آزاد کرد.

امارات اسان دس رضوی

الإمام علي «ع» -

فیما رواه الإمام الصادق: کان أمير المؤمنين «ع»

يَحْتَطِبُ وَ يَسْتَقِي وَ يَكْنُسُ، وَ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَطْحَنُ وَ تَعْجَنُ وَ تَخْبِزُ<sup>۱</sup>.

امام علی (ع) - به روایت امام صادق (ع):  
امیرالمؤمنین (ع) هیزم جمع می کرد، و آب از چاه بالا می کشید، و به جاروب کردن خانه می پرداخت، و فاطمه (س) گندم با دستاس آرد می کرد و آن را خمیر می کرد و نان می پخت.

از امیرالمؤمنین (ع)، در این خصوص، نمونه هایی فراوان نقل شده است.

الإمام الصادق (ع) -

عبدُ الأعلى مولى آلِ سام قال: استَقْبَلْتُ أبا عبد الله (ع) في بعض طُرُقِ المدينة، في يومِ صائفٍ شديدِ الحرِّ، فقلتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! حَالُكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ قَرَابَتُكَ مِنْ رَسُولِ اللَّهِ (ص)، وَ أَنْتَ تُجَاهِدُ نَفْسَكَ (لِنَفْسِكَ - خ ل) في مثلِ هذا اليوم؟ فقال: يا عبدُ الأعلى! خَرَجْتُ فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، لِأَسْتَعِينِي بِهِ عَنْ مِثْلِكَ<sup>۲</sup>.

امام صادق (ع) - عبدالاعلی آل سام می گوید: در یکی از کوچه های مدینه، در روزی تابستانی و گرم،

۱. وسائل ۲۴/۱۲.

۲. وسائل ۱۰/۱۲.

با امام صادق «ع» رو به رو شدم و عرض کردم: فدایت شوم! با مقامی که نزد خدای بزرگ، و با خویشاوندی که با رسول خدا داری، چرا در چنین روزی داغ، این اندازه خود را آزار می دهی (و برای خود تلاش می کنی)؟ فرمود: ای عبدالاعلی! در طلب روزی از خانه بیرون آمده ام، تا با این کار، از امثال تو بی نیاز باشم.

#### الإمام الصادق «ع» -

أبو عمرو الشَّيبَانِي قَالَ: رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ «ع» وَ بَيْدَهُ مِسْحَاةً، وَ عَلَيْهِ إِزَارٌ غَلِيظٌ، يَعْمَلُ فِي حَائِطٍ لَهُ، وَ الْعَرَقُ يَتَصَابُ عَنْ ظَهْرِهِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! أَعْطِنِي أَكْفِكَ. فَقَالَ لِي: إِنِّي أَحَبُّ أَنْ يَتَأَذَّى الرَّجُلُ بَحَرِّ الشَّمْسِ فِي طَلَبِ الْمَعِيشَةِ<sup>۱</sup>.

امام صادق «ع» - ابو عمرو شیبانی می گوید: امام صادق «ع» را دیدم که بیلی در دست و پوششی درشت بر تن داشت، و در باغچه ای که متعلق به خود او بود کار می کرد، و عرق از او فرو می ریخت. عرض کردم: فدایت شوم! بیل را به من بده تا به جای تو کار کنم. فرمود: من چنان دوست دارم که

شخص، در گرمای آزاردهنده آفتاب، برای به دست آوردن نیازهای زندگی کار کند و رنج ببند.

#### الإمام الصادق «ع» -

أبو بصير قال: سمعتُ أبا عبد الله «ع» يقول: إني لأعملُ في بعض ضياعي حتى أعرق، وإن لي من يكفيني، ليَعْلَمَ الله عزَّ وجلَّ أني أطلبُ الرِّزقَ الحلالَ.

امام صادق «ع» - ابوبصیر می‌گوید: از امام صادق «ع» شنیدم که می‌فرمود: من در بعضی از زراعت‌هایم چندان کار می‌کنم که عرق از من بریزد، با اینکه کسی را دارم که به جای من کار کند، لیکن می‌خواهم که خدای عز و جل بدانند که من خود برای طلب روزی حلال کار می‌کنم.

#### الإمام الكاظم «ع» -

عليُّ بنُ أبي حمزة، عن أبيه قال: رأيْتُ أبا الحسن «ع» يَعمَلُ في أرضٍ لَهُ، قَدِ اسْتَنْقَعَتْ قَدَمَاهُ في العَرَقِ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ، أَيْنَ الرَّجَالُ؟ فَقَالَ: يَا عَلِيُّ! قَدْ عَمَلَ بِالْيَدِ مَنْ هُوَ خَيْرٌ مِنِّي في أرضِهِ و مِن أَبِي. فَقُلْتُ لَهُ: وَ مَنْ هُوَ؟ فَقَالَ: رَسولُ اللَّهِ «ص» و أمير المؤمنين و آبائي «ع»

كُلُّهُمْ، كَانُوا قَدْ عَمِلُوا بِأَيْدِيهِمْ، وَ هُوَ مِنْ عَمَلِ النَّبِيِّينَ وَ الْمُرْسَلِينَ وَ الْأَوْصِيَاءِ وَ الصَّالِحِينَ<sup>۱</sup>.

امام کاظم «ع» - علی بن ابی حمزه، از پدرش نقل می‌کند که گفت: ابوالحسن (امام موسی کاظم) «ع» را دیدم که در زمینی متعلق به خودش کار می‌کرد، و پاهای او غرق عرق شده بود. عرض کردم: فدایت شوم! کارگران کجایند؟ فرمود: ای علی! کسانی با دست خود در زمین خویش کار کردند که از من و پدرم بهتر بودند. گفتم: کدام کسان؟ فرمود: رسول خدا «ص» و امیرالمؤمنین «ع» و همه پدرانم، که با دست خود کار می‌کردند. با دست خود کارکردن کار پیامبران و رسولان و اوصیا و صالحان است.

در این باره از پیامبران و اوصیای ایشان احادیثی فراوان رسیده است.

انتشارات آستان قدس رضوی





بخش هفتم:

تعاون و مددکاری  
انتشارات آستان قدس



## فصل ۱:

### تعاون و مددکاری اجتماعی

امام رضا «ع»:

... لِأَنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَةِ الْقِيَامَ  
بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبَلَوَى...<sup>۱</sup>:

خداوند توانمندان را مکلف کرده است تا برای (اداره)  
امور بیماران زمینگیر و دیگر مبتلایان قیام کنند...

اصلی را که این تعلیم رضوی ارائه می دهد، یعنی  
مددکاری و جسّ تعاون اجتماعی، در همه تعلیم آسمانی  
آمده است، و همه رهبران الهی مردمان را بدان فراخوانده اند.  
بنابراین اصل، هر توانمند نسبت به ناتوان تا مرز توان یابی،  
تکلیف دارد، و کمک رسانی و یاری دهی به بینوایان و

---

۱. عیون اخبارالرضا «ع» ۸۹/۲؛ الحیة ۲۳۳/۶.

درماندگان تا مرز بی‌نیازی و خودکفایی آنان پیش می‌رود. تا آن اندازه کمک به ناتوانان خواسته شده است که آنان بتوانند در انجام تکالیف دینی خود توان یابند، یعنی انسانهایی نیرومند، سالم، آراسته و استوار باشند، و خوراک، پوشاک، مسکن، بهداشت، وسایل رفاهی، وسایل آموزش و پرورش و رسیدن به دیگر آگاهیهای لازم و سایر مایحتاج زندگی را در اختیار داشته باشند. بیمار، ضعیف، بیسواد، ناآگاه و ناتوان نباشند، که نتوانند در جامعه عضوی مفید باشند.

امام علی (ع) نیز فرموده است:

«... فَقَرَاءُ الْمُسْلِمِينَ أَشْرَكُوهُمْ فِي مَعِيشَتِكُمْ...»<sup>۱</sup>:

بینوایانِ مسلمان را در زندگی شریک خویش سازید...

### مستحب یا واجب؟

در امثال این احادیث و کلمات، چه در تعلیم رضوی یا تعلیم پیامبر (ص) و امامان (ع)، نباید پنداشت که اینهمه تعلیم با این تعبیرهای یاد شده، جنبه تکلیفی ندارد، و زبان آن، زبان شمارش کمالات اخلاقی است. تردیدی نیست که این احادیث از یک واجب و تکلیف و مسئولیت بزرگ اجتماعی سخن می‌گویند.

۱. امالی شیخ طوسی ۱۳۶/۲.

بنابراین، توجیه و تأویل و امر و نهی‌ها را استجابی و اخلاقی تفسیر کردن و جلوه دادن، برخلاف روح فرهنگ اسلام و قرآن و سیره انبیا و اولیا و آموزشهای رضوی است؛ آموزشهای فردپرداز و جامعه ساز.



پیش  
انتشارات آستان قدس رضوی





بخش هشتم:

اخوت اسلامی  
و خاستگاه  
اقتصادی آن



## فصل ۱:

### اخوت اسلامی و خاستگاه اقتصادی آن

امام رضا «ع»:

إِنَّ اللَّهَ - تَبَارَكَ وَ تَعَالَى - خَلَقَ الْمُؤْمِنَ مِنْ نُورِهِ...

فَالْمُؤْمِنُ أَخُو الْمُؤْمِنِ لِأَبِيهِ وَ أُمِّهِ...<sup>۱</sup>:

خدا مؤمن را از نور خویش آفرید... پس هر مؤمنی  
برادر حقیقی مؤمن دیگر است...

در این کلام، امام به موضوعی محوری و زیربنایی در  
تعاون اجتماعی اشاره می‌کنند، و آن اصل اخوت و برادری  
در جامعه توحیدی است. این اصل، اصلی انسانی، اخلاقی،  
قرآنی، اجتماعی و اقتصادی است. اصل اخوت، نخست

---

۱. محاسن / ۱۳۱؛ مسند الامام الرضا «ع» ۲۵۷/۱.

عقیدتی است، و بر محور ایمان به خدای یگانه و اعتقاد به پیامبران «ع» و باور داشت روز رستاخیز دور می زند؛ لیکن این ایمان جدا از آثار اجتماعی و اقتصادی خود نمی تواند باشد، زیرا اگر ایمان به خدا برستی وجود داشته باشد، بیقین در حیات جمعی و فردی تاثیری آشکار دارد.

بنابراین، برادری اسلامی و اخوت قرآنی، اصلی ذهنی و اخلاقی صرف نیست، بلکه لوازم و آثاری واقعی و ملموس دارد، و مدد رسانی به یکدیگر و دست یاری مؤمنان و برادران از جمله آن لوازم و آثار است.

امام رضا «ع» در سخنی، به ریشه دینی این اصل اشاره می کنند:

امام رضا «ع»:

عن عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الصَّلْتِ، عَنْ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ بَلخ، قَالَ: كُنْتُ مَعَ الرِّضَا «ع» فِي سَفَرِهِ إِلَى خُرَاسَانَ، فَدَعَا يَوْمًا بِمَائِدَةٍ لَهُ، فَجَمَعَ عَلَيْهَا مَوَالِيَهُ مِنَ السُّودَانِ وَغَيْرِهِمْ. فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ! لَوْ عَزَلْتَ لَهُؤُلَاءِ مَائِدَةً؟ فَقَالَ: «مَهْ إِنَّ الرَّبَّ - تَبَارَكَ وَتَعَالَى - وَاحِدٌ، وَالْأُمُّ وَاحِدَةٌ، وَالْأَبَ وَاحِدٌ، وَالْجَزَاءُ بِالْأَعْمَالِ»<sup>۱</sup>.

به روایت عبدالله بن صلت، از یکی از مردم بلخ که گفت: در مسافرت امام ابوالحسن علی بن موسی

۱. کافی ۲۳۰/۸؛ الحیة ۲۴۹/۱.

الرضا «ع» به خراسان، با او همراه بودم. روزی همگان را بر سر سفره فراخواند، و غلامان او از سیاه و غیر سیاه آمدند و بر سر سفره نشستند. به او گفتم: فدایت شوم، آیا بهتر نیست که برای اینان سفره‌ای جداگانه گسترده شود؟ گفت: «خاموش! خدای همه یکی است، و مادر یکی، و پدر یکی (پس تفاوتی نیست)، و پاداش هر کس بسته به کردار او است».

اخوت و برادری که برخاسته از چنین جهان‌بینی و باوری باشد، در زندگی انسان و روابط افراد با یکدیگر تأثیری ژرف دارد، بدان پایه که همه کارهای افراد و رفتار اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و دفاعی مردم را به یک راه و جهت یگانه سوق می‌دهد.

همچنین، در حدیث دیگری، امام رضا «ع» از پدران خود نقل می‌کند که در نظر پیامبر بزرگوار اسلام، برترین مسلمان کسی است که بهتر و بیشتر از دیگران به مال‌بخشی و کمک‌رسانی اجتماعی اقدام کند و خیرخواه‌ترین افراد نسبت به برادران خود و جامعه اسلامی باشد:

امام رضا «ع»:

عن آبائه «ع» عن علی بن الحسین «ع»، عن الحسن بن علی «ع»... (فی بیان اوصاف النبی «ص») ... و أَفْضَلُهُمْ عِنْدَهُ أَعْمُهُمْ نَصِيحَةً لِّلْمُسْلِمِينَ، وَأَعْظَمُهُمْ عِنْدَهُ

### مَنْزِلَةُ أَحْسَنُهُمْ مُوَاسَاةً وَ مُوَازَرَةً<sup>۱</sup>:

از پدران خود، از امام سجاد «ع»، از امام حسن «ع»... (در شمارش خصلت‌های پیامبر «ص»):  
برترین مردم نزد پیامبر کسی بود که خیرخواهی‌اش  
نسبت به مسلمانان فراگیرتر بود، و بزرگترین مردم  
نزد او کسی بود که در بخشش مالی و مدد‌رسانی  
بهتر رفتار می‌کرد.

### امام باقر «ع»:

الْمُؤْمِنُونَ فِي تَبَارُّهِمْ وَ تَرَاحُجِهِمْ وَ تَعَاظِفِهِمْ كَمَثَلِ  
الْجَسَدِ، إِذَا اشْتَكَى تَدَاعَى لَهُ سَائِرُهُ بِالسَّهْرِ وَالْحُمَّى<sup>۲</sup>:  
مؤمنان در نیکی کردن به هم و مهربانی و دلسوزی  
نسبت به یکدیگر همچون تن واحدند، که اگر جایی  
از آن دردمند شود باقی جاها، در بیداری و تب آن  
درد خواهد سوخت.

سعدی، شاعر نامدار ایرانی، در شعر معروف خود:  
«بنی آدم اعضای یکدیگرند...» از این حدیث و همانند‌های  
آن الهام گرفته است.

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۳۱۸/۱.

۲. الحیة ۲۳۱/۱.



بخش نهم:

## مسئولیت دولت

انتشارات آستان قدس رضوی



## فصل ١:

### نقش حیاتی حکومت

امام رضا «ع»:

للمؤمنون... إِتَّقِ اللَّهَ فِي أُمَّةٍ مُحَمَّدٍ «ص» و مَا وَلَاكَ اللَّهُ  
من هذا الامر و خَصَّكَ بِهِ، فَأَنْتَ قَدْ ضَيَّعْتَ امُورَ  
المسلمينَ و فَوَّضْتَ ذَلِكَ الى غَيْرِكَ... وَإِنَّ الْمُهَاجِرِينَ  
و الْانصَارَ يُظَلَّمُونَ دُونَكَ وَ لَا يَرْقُبُونَ فِي مَوْمِنٍ إِلَّا وَ  
لَا ذِمَّةً وَ يَأْتِي عَلَى الْمَظْلُومِ دَهْرٌ يُتْعَبُ فِيهِ نَفْسُهُ وَ يَعْجَزُ  
عَنْ نَفَقَتِهِ وَ لَا يَجِدُ مَنْ يَشْكُو إِلَيْهِ حَالَهُ وَ لَا يَصِلُ إِلَيْكَ  
فَاتِقُ اللَّهِ... فِي امُورِ الْمُسْلِمِينَ... أَمَا عَلِمْتَ... أَنَّ وَالِي  
الْمُسْلِمِينَ مِثْلُ الْعَمُودِ فِي وَسْطِ الْفُسْطَاطِ مَنْ أَرَادَهُ  
أَخَذَهُ...<sup>١</sup>:

امام به مأمون گفت: درباره امت محمد و حکومتی

---

١. عيون اخبار الرضا «ع» ٢/١٦٠؛ مسند الامام الرضا «ع» ٨٥/١

که بر ایشان داری از خدا بترس، چه، تو کارهای مسلمانان را ضایع کرده‌ای، و کار را به دست کسانی سپرده‌ای که به غیر حکم خدای عزّ و جلّ دآوری می‌کنند. و خود در این سرزمین ماندگار شده و خانه هجرت و محل فرود آمدن وحی را ترک کرده‌ای، و بر مهاجران و انصار با نبودن تو ستم می‌رود، و سوگند و پیمان هیچ مؤمنی را نگاه نمی‌دارند، و روزگار بر مظلومان به سختی می‌گذرد و آنان برای زندگی به هزینه‌ای دسترسی ندارند، و کسی را نمی‌یابند که شکایت نزد او ببرند... آیا نمی‌دانی والی مسلمانان همچون تیرک میان چادر است که هر کس بخواهد به آن دسترسی دارد؟

روی سخن امام رضا «ع» در این گفتار با مأمون است. جریان و شأن نزول آن چنین است که روزی مأمون خدمت امام رفت و با خود نامه بزرگی همراه داشت. در حضور امام نشست و نامه را برای امام خواند. در آن نامه آمده بود که برخی روستاهای کابل به دست لشکریان اسلام فتح شده است. خواندن نامه که پایان یافت، امام به مأمون فرمودند: فتح روستایی از شهرهای شرک و کفر تو را خرسند ساخته است؟ مأمون گفت: آیا این خبر خوشحالی و شادمانی ندارد؟

پس از این گفتگو، امام جملات یاد شده را فرمودند، و به او گفتند: تو... عدالت را در داخل کشور اسلامی برقرار کن و فقر و محرومیت را از بن برکن و به مشکلات مردم رسیدگی کن. این مایه خرسندی و خشنودی یک حاکم مسلمان است، نه کشورگشایی و فتوحات تازه و افزودن بر قلمرو جغرافیایی کشور اسلام، بدون اینکه محتوای اسلام و جوهر دین که عدالت است، اجرا شده باشد.



## فصل ۲:

### چگونگی رابطه امام و امت

امام رضا «ع»:

... الامامُ الانیسُ الرفیقُ، والوالدُ الشفیقُ، والاخُ الشفیقُ، و الامُّ البرّةُ بالولدِ الصغیرِ و مَفزَعُ العبادِ فی الداهیةِ النَّادِ...<sup>۱</sup>:

امام مونسى است غمگسار، و پدرى است مهربان، و برادرى است مهربان و (در مهربانى مانند) مادری است نیک رفتار نسبت به فرزند خردسال، و او پناه مردمان است به هنگام پیش آمدهای ناگوار...

رابطه امام با امت، نقش بسیار مهمی در شکل دادن به مسائل مالی و حل مشکلات اقتصادی دارد. رابطه اگر

---

۱. مسند الامام الرضا «ع» ۹۸/۱؛ کافی ۲۰۰/۱.

اسلامی باشد - چنان‌که امام رضا «ع» در گفتگو با مأمون ترسیم کرده‌اند<sup>۱</sup> - دولت از مردم فاصله ندارد، و خبر هر نوع انحراف و ظلمی از هر کس، در اسرع وقت به او می‌رسد، و او چاره می‌اندیشد و ظلم را برطرف می‌سازد. از اینرو، در این کتاب که طرح خطوط سیاسی حاکم بر مسائل اقتصادی و سیاست اقتصادی دولت اسلامی منظور است، تبیین شتابزده چگونگی رابطه امام و امت سودمند بنظر می‌رسد.

از دیدگاه امام رضا «ع»، حاکم باید چنین باشد که همگان بویژه طبقات محروم، بتوانند - به معنای واقعی - به او دست یابند و خواسته خود را برای او بازگو کنند. در این حدیث که از آن امام بزرگ آوردیم، آرمانی‌ترین شکل رابطه دولت و مردم به نمایش گذاشته شده است. امام با بکار بردن واژه‌های «انیس» و «رفیق» نزدیکی و انس با مردم و در دسترس بودن را مطرح ساخته است. مردم دوستی امام با تعبیرهای «پدر مهربان» و «برادر شفیق»، مشخص شده است، بلکه از این فراتر رفته زمامدار را در جامعه اسلامی، چون مادر مهربان نسبت به کودک خردسال، معرفی کرده است.

۱. در روایتی که در آغاز این بخش آورده شد.

### فصل ۳:

## همسان زیستی با محرومان

امام رضا «ع»:

... قَالَتْ: فَحَمَلْنَا إِلَى الْمَأْمُونِ فَكُنَّا فِي دَارِهِ فِي جَنَّةٍ مِنَ الْأَكْلِ وَالشَّرْبِ وَ الطَّيِّبِ وَ كَثْرَةِ الدَّنَانِيرِ، فَوَهَبَنِي الْمَأْمُونُ لِلرِّضَا «ع»، فَلَمَّا صِرْتُ فِي دَارِهِ فَقَدْتُ جَمِيعَ مَا كُنْتُ فِيهِ مِنَ النِّعَمِ...<sup>۱</sup>:

(یکی از کنیزان مأمون گوید): ما را به دربار مأمون روانه کرده بودند. در آنجا در بهشتی از خوردنیها و نوشیدنیها و عطرها و پول فراوان به سر می بردیم، تا اینکه مأمون مرا به امام رضا «ع» بخشید. چون به خانه امام در آمدم، تمام آن نعمتها از دست رفت...

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۷۹/۲؛ مسند الامام الرضا «ع» ۳۹/۱ - ۴۰.

همسان زیستی با مردم نیز از ویژگیهای امام و حاکم در جامعه اسلامی، دارای آثاری عجیب و سازنده است که برخی از آنها یادآوری می‌شود:

۱- این روش زندگی به سود طبقات محروم تمام می‌شود، و زمینه‌ای اساسی برای مبارزه با فقر می‌گردد. در این زیست است که نخست حاکم اسلامی، حال بینوایان را لمس می‌کند، گرسنگی، تشنگی، سردی، گرمی، بی مسکنی، بی درمانی، نبود وسایل رفاهی و دیگر نیازها را باگوش و پوست خود حس می‌کند.

۲- زمامدار بطور طبیعی و جبری در طبقه فقیر باقی می‌ماند و پایگاه اجتماعی خود را پس از تکیه بر مقام حاکمیت بالا نمی‌برد، و با گرایشهای رفاه طلبانه و تشکیل زندگی تجملی، با طبقات اشراف و مستکبر همسطح و همسان نمی‌گردد، و از این رهگذر با آنان احساس نزدیکی و یگانگی نمی‌کند، و از بینوایان و ژنده پوشان دور نمی‌ماند.

۳- طبقات اشراف و سرمایه‌دار اگر حاکم را با زندگی ساده و فقیرانه دیدند به او نزدیک نمی‌شوند و از او دل می‌کنند.

۴- در شرایط زیست مردمی و دور از تشریفات است که رابطه مردمی او برقرار می‌گردد و پایدار می‌ماند، و همگان امکان می‌یابند تا به او دسترسی پیدا کنند و محرومان و مظلومان و بینوایان نیز می‌توانند به او دست

یابند و عرض حال کنند و مشکلاتشان را با او در میان بگذارند. از اینرو است که حاکم اسلامی باید زیستی همسان محرومان داشته باشد.

این اصل، از حدیثی که از امام رضا «ع»، درباره نوع رابطه امام و امت بازگو کردیم نیز به دست می آید. آنجا که امام فرمود: حاکم برادر مهربان و پدر مهربان و یا مادر مهربان است، اینها همسطحی و همسانی دقیق با مردم را اثبات می کند؛ زیرا روشن است که برادر و پدر مهربان - بویژه مادر مهربان - هیچگاه در رفاه و آسایش و تجمل بسر نمی برد و برادر یا فرزند خود را در محرومیت و سختی و نابسامانی رها کند؛ بلکه حاکم چون مادر که نسبت به کودک خود ایشار دارد و لقمه را از دهان خود می گیرد و در دهان کودک می گذارد، نسبت به ملت خود ایشارگری می کند.



بخش دهم:

پدیده سرمایه‌داری

انتشارات آستان قدس رضوی



## فصل ۱:

### مشکل اساسی

امام رضا «ع»:

... جَعَلَ الْأَمْوَالَ دَوْلَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ...<sup>۱</sup>:

... (آن خلیفه) اموال را میان اغنیا به گردش گذاشت...

... رَغْبَةُ النَّاسِ فِي الرِّيحِ...<sup>۲</sup>:

گرایش مردم به سودخواری است...

... الْبَخْسِ... وَالْخِيَانَةِ...<sup>۳</sup>:

(از گناهان کبیره) کاستن (از کار و کالای مردم)

است و خیانت به مردم...

... أَهْلُ الْإِسْتِغَارِ...<sup>۴</sup>:

کسانی که با خودکامگی اموال عمومی را ویژه

خویش می سازند...

---

۱ و ۲. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۲۶/۲ و ۹۴.

۳ و ۴. همان، ۱۲۷ و ۱۲۶.

موضوع سرمایه‌داری در اجتماعات بشری از مشکلات ویرانگر در همه عصرها و نسلها بوده و هست. این بیماری بزرگ اجتماعی، امروز بسیار عمیق‌تر، گسترده‌تر، کوبنده‌تر و نابودکننده‌تر از گذشته عمل می‌کند، و به ابزار جدید، و قدرت ماشین، و محاسبات کامپیوتری، و کارخانجات تمام اتومات و مزارع مکانیزه مجهز است، و وسائل حمل و نقل هوایی و دریایی غول‌پیکر را در اختیار دارد، و در رابطه‌ها و کسب اطلاعات از تلفن و تلکس استفاده می‌کند.

از اینرو، مصیبت بارترین مشکل برای بشریت است. ره‌آورد شوم این پدیده، جنگها و ظلمها و نابسامانیهای گسترده و عالمگیری است که بشریت را در کام خود فرو برده است، و جهان را به جهان اول و دوم و سوم تقسیم کرده، و جامعه‌های طبقاتی تشکیل یافته از طبقه ثروتمند شادخوار و فقیر محروم و گرسنه پدید آورده است.

سرمایه‌داری و پول‌پرستی از دیدگاه امام رضا (ع) پدیده شوم و شیطانی است که با تعالیم پیامبران و ایمان به روز بازپسین سازگار نیست؛ با رشد و تکامل انسان و زندگی عادلانه او در این دنیا نیز سازگاری ندارد.

## فصل ۲:

### ره‌آوردهای شوم سرمایه‌داری

سرمایه‌داری در دو بُعد از حیات آدمی آثاری ژرف و گسترده دارد:

- ۱- روابط اقتصادی و بُعد زندگی مادی.
  - ۲- روابط انسانی و بُعد اخلاقی و معنوی.
- اکنون به تبیین هر یک از این دو بُعد می‌پردازیم:

#### ۱- روابط اقتصادی و بُعد زندگی مادی:

اگرچه ثروتهای عمومی در دست طبقه اشراف امام رضا «ع»: *امارات اسان درس رضوی*

... والبراءة ممن نفى الاخيار... وجعل الاموال دولة بين الاغنياء...<sup>۱</sup>

---

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۲۶/۲؛ الحیة ۱۶۰/۳.

(از ایمان است) بیزاری از کسانی که نیکان را از جامعه (اسلامی) تبعید کردند... و اموال (مسلمانان) را میان ثروتمندان به گردش گذاشتند...

### ب - رباخواری

امام رضا «ع»:

عَلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا، إِنَّمَا نَهَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَنْهُ، لِمَا فِيهِ مِنْ فَسَادِ الْأَمْوَالِ، لِأَنَّ الْإِنْسَانَ إِذَا اشْتَرَى الدَّرْهَمَ بِالْدَّرْهَمَيْنِ، كَانَ ثَمَنُ الدَّرْهَمِ دَرَاهِمًا، وَ ثَمَنُ الْآخِرِ بَاطِلًا، فَبَيْعُ الرِّبَا وَ شِرَائُهُ وَكُنْ عَلَى كُلِّ حَالٍ عَلَى الْمُشْتَرَى وَ عَلَى الْبَايِعِ، فَحَرَّمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى الرِّبَا لِعَلَّةَ فَسَادِ الْأَمْوَالِ كَمَا حَظَرَ عَلَى السَّفِيهِ أَنْ يُدْفَعَ إِلَيْهِ مَالُهُ لِمَا يَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مِنْ إِفْسَادِهِ ...<sup>۱</sup>:

علت تحریم ربا: خداوند عزوجل از ربا نهی کرد چون مایه تباهی اموال است، زیرا انسان اگر یک درهم را به دو درهم بخرد، بهای درهم درهم است، و بهای درهم دیگر باطل (و بدون حق) است، پس خرید و فروش ربوی، در هر حال برای فروشنده و خریدار زیان و کمبود دارد؛ پس خداوند متعال ربا را ممنوع اعلام کرد، زیرا اموال تباه

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۹۳/۲ - ۹۴؛ مسند الامام الرضا «ع» ۳۰۶/۲.

می‌گردد. چنان‌که منع کرد سفیهان اموال خود را در دست گیرند، چون بیم تباهی آن اموال می‌رود...

سرمایه‌دار با بکارگیری سرمایه بدون کار، و استفاده از بهره پول، ثروتها می‌اندوزد و گروه زیادی را تهیدست می‌سازد. دقیقاً می‌توان محاسبه کرد که در ارتباط با یک سرمایه‌دار رباخوار، چند صد نفر پس از چند سال زمینگیر و ساقط می‌شوند و سرمایه و ثروت ایشان به تدریج به جیب یک نفر سرازیر می‌گردد.

در بخش دیگری از کلام امام در علل تحریم ربا، به ظلم نیز تکیه شده است. و این تعلیل و علت‌یابی که امام تبیین می‌کنند، آموزنده معیارهای کلی و قانونمندی است که در کل جریانهای اقتصادی راهگشا است. تکیه بر ظلم در تعلیل تحریم ربا، همان محور اصلی تعالیم الهی ادیان است، یعنی هر کار، رفتار، قانون، روش و برنامه‌ای که سرانجام در یک محاسبه دقیق به ظلم و ستم اجتماعی بینجامد، باطل و غیر اسلامی است. محور حق و مشروعیت، عدل و عدالت است، و به گفته آیه الله مرتضی مطهری: «عدالت در سلسله علل احکام است... نه این است که آنچه دین گفت، عدل است،

بلکه آنچه عدل است دین می‌گوید...»<sup>۱</sup>

### ج - ظلم، خیانت و استثمار

امام رضا «ع»:

... واجتنابُ الكبائرِ و هي قَتْلُ النفسِ... و البخسُ فی

المکیالِ و المیزانِ... و الخيانة...<sup>۲</sup>

(از اسلام ناب و خالص است) دوری از گناهان

کبیره و آدم‌کشی... و کاستن پیمان و ترازو و... و

خیانت (در مسائل مالی و...) است...

از شیوه‌های نظام سرمایه‌داری، کم بهادادن به کار و کالای مردم است. مواد خام و کالاهای مورد نیاز و دارای ارزش، با رنج و زحمت از معادن، مزارع، دریاها، کوهها و... استخراج و تهیه می‌شود، و به سرمایه‌داران و کارخانه‌ها عرضه می‌گردد. سرمایه‌داران با مکانیسم ویژه‌ای بها و ارزش حقیقی آنها را نمی‌پردازند. و این خود غصب و تصاحب ثمره کار دیگران است.

و این استثمار و خیانت است. مثال روشن آن این روزها مسئله نفت است که سرمایه‌داران غرب با کمک سیاستمداران و قدرتهای نظامی و جاسوسی خویش، بهای

۱. بررسی اجمالی مبانی اقتصاد اسلامی / ۱۴.

۲. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۲۷/۲.

نفت جهان سوّم را تا حدّی پائین آورده‌اند که از نمونه‌های آشکار «بخس» و کم بهادادن است.

پیامبر اکرم «ص»:

و مَنْ ظَلَمَ اجْبِرًا أَجْرَهُ أَحْبَطَ اللَّهُ عَمَلَهُ وَ حَرَّمَ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ؛ وَ رِيحُهَا يُوجَدُ مِنْ مَسِيرَةِ خَمْسِمِائَةِ عَامٍ<sup>۱</sup>  
هرکس به کارگری ظلم کند، اعمال او را خداوند تباہ می‌سازد، و نسیم بهشت را بر او تحریم می‌کند؛ و حال آنکه نسیم بهشت از مساحت پانصد سال راه به مشام می‌رسد.

د - انحصارطلبی در اموال (خصوصی کردن اموال عمومی) استثنای

امام رضا «ع»:

... وَالْبَرَاءَةُ مِنَ الَّذِينَ ظَلَمُوا آلَ مُحَمَّدٍ «ص»... وَ الْبَرَاءَةُ مِنَ الْكَافِرِينَ وَ الْقَاسِطِينَ وَ الْمَارِقِينَ... وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ أَهْلِ الْإِسْتِثْنَاءِ...<sup>۲</sup>

(از اسلام و ایمان است:) بی‌زاری از کسانی که به آل محمد «ع» ظلم روا داشتند... و برائت از پیمان‌شکنان و منحرفان و مرتدان... و بی‌زاری و برائت از انحصارطلبان در اموال...

۱. وسائل ۱۳/۲۴۷.

۲. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۲۶/۲؛ مسند الامام الرضا «ع» ۵۰۲/۲.

«استثثار» (انحصارطلبی)، از آثار شوم سرمایه‌داری و شیوه‌های نظام اترافی و تکاثری است. «استثثار» در لغت به این معنا است که انسان مال و متاع و یا چیزی را که مورد میل و رغبت و نیاز دیگران است، ویژه خویش سازد، و با خودکامگی و استبداد دست دیگران را از آن کوتاه کند.

این طبقه که اهل استثثارند یعنی انحصارطلب هستند، اموال و منابع ثروت و درآمد جامعه را به خود و نزدیکان خود اختصاص می‌دهند، و ثروتها و منابع عمومی مولد ثروت را ویژه خویش می‌سازند، یا نزد خود ضبط می‌کنند. از این کلام، روشن می‌گردد که منظور از این طبقه، سرمایه‌داران با نفوذند که در حکومت رخنه می‌کنند، و امور کلیدی جامعه را در دست می‌گیرند، و با کمک دولتها، اموال عمومی و منابع ثروت همگانی و امکانات گوناگون را ویژه خویش می‌سازند، استخراج معادن را بعهده می‌گیرند، زمینها را با سند و ثبتهای قلابی مالک می‌شوند، آبها را با زور و استبداد تصاحب می‌کنند، مراتع را در اختیار می‌گیرند، بهره‌برداری از دریاها و جنگلها را از آن خود می‌کنند. یا با ایجاد انحصار، کالا و متاعی را در اختیار می‌گیرند، و دست دیگران را از آن کوتاه می‌سازند.

## ۲- تأثیر سرمایه‌داری در روابط انسانی و بُعد

### معنوی

امام رضا «ع»:

لَا يَجْتَمِعُ الْمَالُ إِلَّا بِخِصَالِ خَمْسٍ: بَبَخْلٍ شَدِيدٍ، وَ أَمَلٍ طَوِيلٍ، وَ حِرْصٍ غَالِبٍ، وَ قَطِيعَةِ الرَّحِمِ، وَ إِثَارِ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ<sup>۱</sup>:

مال دنیا جمع نشود مگر در سایه پنج خصلت:

- ۱- بخل زیاد.
- ۲- آرزوهای دراز.
- ۳- آزمندیِ چیره (بر انسان).
- ۴- ترک صلۀ رحم (و رسیدگی به بستگان تنگدست).
- ۵- دنیادوستی و فراموش کردن آخرت.

مشکل سرمایه‌داری - چون دیگر مشکلات - در درجه نخست، به خود انسان بازمی‌گردد و با مجموعه نظام فرهنگی، تربیتی و اخلاقی آدمی درآمیخته است، و سپس به جامعه کشیده می‌شود. همین موضوع، معیار تمایز بنیادین میان بینش اسلام و دیگر مکاتب است. اسلام

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۲۷۶/۱؛ خصال ۲۸۳/۱؛ الحیة ۴۹/۴.

انسانگرا است، و در هر مشکلی نخست به سراغ انسان و اندیشه‌ها و روحیات او می‌رود، و خاستگاه اصلی کجروی و انحراف را در وجود او می‌جوید، و برای درمان هر بیماری اخلاقی و روحی، یا اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و... به تربیت انسان و تهذیب اخلاقی او می‌پردازد.

اکنون دو حدیث دیگر از امام رضا «ع» می‌آوریم، که در عین حال که چگونگی جریان اموال و اقتصاد ناسالم جامعه را تبیین کرده است، به فساد اخلاقی و گرایشهای غیرانسانی نیز نظر دارد:

امام رضا «ع»:

... وَ عِلَّةُ تَحْرِيمِ الرِّبَا بِالنَّسِيبَةِ لِغَلَّةِ ذَهَابِ الْمَعْرُوفِ... وَ رَغْبَةِ النَّاسِ فِي الرِّبْحِ وَ تَرْكِهِمْ... صَنَائِعَ الْمَعْرُوفِ...<sup>۱</sup>:  
علت تحریم ربا در نسیه، برای از دست رفتن نیکوکاری است (در صورت ربا گرفتن)... و گرایش مردم به سودخواری و رها کردن کارهای نیک...

امام رضا «ع»:

(فِيمَا كَتَبَهُ لِلْمَأْمُونِ فِي بَيَانِ «مَحْضِ الْإِسْلَامِ»)... وَ الْبَرَاءَةُ مِنْ أَهْلِ الْأَسْتِثَارِ...<sup>۲</sup>:

(از اسلام خالص است) بیزاری از کسانی که اموال

۱. علل الشرایع ۴۸۳/۲؛ عیون اخبار الرضا «ع» ۹۴/۲ با اندکی اختلاف.

۲. عیون اخبار الرضا «ع» ۱۲۶/۲.

را منحصر به خود می‌کنند...

در پرتو این تعالیم رضوی، به این خویها و خصلتها  
در اخلاق سرمایه‌داری دست می‌یابیم:

ا- گرایش به سودجویی و سودپرستی، در برابر  
طلب پاداش و قرب الهی.

ب- ترک نیکوکاری و انجام دادن کارهای انسانی،  
در برابر اقدام به کار نیک و خیر و احسان.

ج- ترک صلۀ رحم و بریدن از خویشاوندان و گسستن  
پیوندهای رحمی و خویشاوندی، در برابر صلۀ رحم و  
تحکیم پیوندهای یاد شده و رسیدگی به ارحام و رعایت  
تعهدهای فامیلی.

د- بخل و خست، در برابر انفاق و گشاده‌دستی و  
سخاوت.

ه- حرص و آزمندی مسلط بر انسان، در برابر  
حرص نزدن و گذشت کردن.

و- آرزوهای دور و دراز داشتن، در برابر واقع‌بینی و  
استفاده صحیح از فرصت عمر و آزاد شدن از قید و بند  
خیالات و خواسته‌های واهی.

ز- انحصارطلبی و خودپرستی، در برابر نوع دوستی  
و توجه به نیاز دیگران (استثنا در برابر ایثار).

ح- ترک تعهد و مسئولیت شناسی.

ط- انتخاب دنیا و خواسته‌های دنیوی و فراموش کردن آخرت و آمادگی برای آن.

اینها محورهای اصلی بود که از تعالیم امام رضا (ع) آموختیم. برخی از این بندها را بیشتر توضیح می‌دهیم:

### ۱. ترک نیکوکاری و کارهای انسانی

افراد در اثر گرایش به سودپرستی و عشق به ثروت‌اندوزی، نیکوکاری و نیکی به انسانها را فراموش می‌کنند، و به انسانها و جامعه و حق و عدالت و اخلاق از همین دریچه می‌نگرند، و از کارهایی که به زندگی انسانها سامانی می‌بخشد، روی برمی‌تابند. و بدین سان «معروف: کارهای نیک و انسانی»، که تعبیری کلی و گویا از همه کارهای نیک انسانی و پایه روابط درست مردمی است، از اجتماع رخت برمی‌بندد، و جامعه به جنگل حیوانات تبدیل می‌شود، و روابط انسانها به صورت روابط جنگلی درمی‌آید. در احادیث مربوط به مال، بر کلمه «معروف» زیاد تکیه شده است. معروف، مفهوم گسترده‌ای دارد و همه کارهای با ارزش انسانی را در جریان مصرف مال در برمی‌گیرد.

از امام صادق (ع) سخنی بسیار عمیق و بلند نقل شده است که ابعاد مختلف سیر مال را در دست مردم ترسیم می‌کند، در این حدیث نیز تعبیر «صنایع المعروف»، به کار رفته است، مانند حدیث امام رضا (ع):

امام صادق «ع»:

إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَبَقَاءِ الْإِسْلَامِ، أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ  
عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَيَصْنَعُ الْمَعْرُوفَ، وَإِنْ مِنْ  
فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَفَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي  
مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ، وَلَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ<sup>۱</sup>:

بی تردید پایداری مسلمانان و اسلام در این است  
که اموال نزد کسانی باشد که حق را در اموال  
بشناسند و به معروف در آن عمل کنند. و بی‌گمان  
نابودی اسلام و مسلمانان هنگامی است که  
سرمایه‌ها در دست کسانی قرارگیرد که نه حق را در  
آن بشناسند و نه به معروف و نیکی تن دهند.

## ۲. ترک صلّه رحم و قطع ارتباط خانوادگی

در بیش سودپرستانه اقتصادی ربوی و تکاثری،  
روابط و پیوندهای خویشی و خانوادگی و زناشویی نیز  
-اغلب- بر اصل سودآوری استوار است. انسان مال‌اندوز  
به همه چیز و همه کس از دریچه بازده اقتصادی می‌نگرد. و  
این در حقیقت، رابطه با پول و سرمایه است نه رابطه با  
انسان. از اینرو، می‌بینیم در چنین نظامهایی محبت‌ها و احساسها  
و عواطف خونی و رحمی نیز چندان انگیزشی ندارد، و

۱. وسائل ۵۲۱/۱۱؛ الحیة ۹۸/۳.

انسانها به قطع رحم و گسستن پیوندهای خانوادگی روی می آورند. بسیار دیده شده است که در میان این افراد، بستگانی بسیار نزدیک و در عین حال تهیدست و فقیر وجود دارند، زیرا که در محاسبات اقتصادی، زیان آورند، و هزینه می خواهند و تولیدکننده و سودآور نیستند.

سخن والای امام رضا «ع»، که در آن گسستن پیوند خانوادگی و ارحامی که ارتباط با جمع ثروت و مال اندوزی مطرح گشته است، روشنگر این اصل است که تعهد فامیلی و استحکام روابط خانوادگی، به پرداخت هزینه و مال مربوط است، و رفع نیازهای مادی ارحام منظور می باشد، و بسنده کردن به روابط اخلاقی و معنوی صرف، بدون سرمایه گذاری مالی برای ایشان، عملی نیست، و اگر باشد عمل به اصل «صله رحم» نیست. و اینگونه کارهای بی اثر و بی محتوا، ارزشی نمی تواند داشته باشد.

عالمان علم اخلاق، برای گسستن پیوندهای خویشی و ارحامی، دو منشأ ذکر کرده اند:

- ۱- دشمنی و کینه توزی.
- ۲- خودداری از مساوات و برابری در امور رفاهی و امکانات مادی.

### ۳. بخل و خست

بخل و تنگ چشمی از خصلتهای اهریمنی و بیانگر

سستی پایه‌های ایمان و عاریتی بودن آن است. بخیل قدرت حاکم بر کائنات را نمی‌شناسد و مالک و بخشنده حقیقی را باور ندارد، و امر و نهی آفریدگار و بخشنده نعمتها را فرمان نمی‌برد، و از هر تکلیف که نیاز به صرف هزینه و پرداخت مال و کالایی داشته باشد، سرباز می‌زند. و این خصلت اصلی مال‌اندوزان سرمایه‌دار است. اصولاً سرمایه‌های کلان در پرتو همین خویها و سرشتهای زشت گرد می‌آید، و از همین جا اموال در یک نقطه انباشته می‌گردد. در آیات و احادیث، بخل بسیار نکوهش شده است. احادیث در این باره بسی فراوان است. سخن دیگری از امام رضا «ع» را می‌آوریم:

امام رضا «ع»:

ایاکم و البخل، فَإِنَّهَا عَاهَةٌ لَا تَكُونُ فِي حِرٍّ وَلَا مَوْمِنٍ،  
إِنَّهَا خِلَافُ الْإِيمَانِ<sup>۱</sup>:

از بخل دوری کنید، زیرا که آن، آفت و بیماری‌ای است که در انسان آزاده و دین‌باور به هم نمی‌رسد، (زیرا که) آن مخالف ایمان است.

امارات اسان قدس رضوی

#### ۴. تعهدشناسی و مسئولیت‌گریزی

امام رضا «ع»، در تحریم رباخواری عللی را

برمی شمارد، از جمله اینکه در رباخواری و سودپرستی، فرایض ترک می شود، و تعهدهای انسانی - اجتماعی؛ بویژه در مسائل مالی، نادیده گرفته می شود. روشن است که سرمایه داران و متمکنان در برابر نیازهای ضروری جامعه و افراد - به نصّ آیات و احادیث - مسئولند و باید از امکانات و سرمایه خود برای رفع نیازها استفاده کنند. این تعهد و مسئولیت مهم اجتماعی در سایه دلبستگی و پول دوستی زیر پا گذاشته می شود، و سرمایه داری که باید برای رفع نیازها بکوشد، نیازها را ابزاری برای استثمار و سودخواری بیشتر قرار می دهد، و به تدریج جیب اکثریت را تهی می سازد. پشت کردن به این تعهد و مسئولیت اجتماعی از ناهنجارترین خویها و خصلتهای سرمایه داری است، و با روح تعالیم اسلام تضاد دارد، بلکه سراپا ضدّ اسلام و مسلمانی است.

این منطق سرمایه داری است در برابر مسئولیتهای اقتصادی، که قرآن کریم از آن پرده برمی دارد، و آن را منطق کافران می شمارد.<sup>۱</sup>

و اِذَا قِيلَ لَهُمْ اَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللّٰهُ قَالَ الَّذِيْنَ كَفَرُوْا  
لِلَّذِيْنَ اٰمَنُوْا اَنْطٰعِمُ مِنْ لَوْ يَشَاءُ اللّٰهُ اَطَعَمَهُ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا

۱. اینگونه آیات شامل همه کسانی می شود که مصداق آنها باشند، چه کافر چه مسلمان. در احادیث جاهایی بدین امر تصریح شده است، و در تفسیر «مجمع البیان» و... آمده است.

فی ضلالِ مبین<sup>۱</sup>:

و چون به آنها گفته شود از آنچه خداوند به شما  
روزی داده (در راه خدا) اففاق کنید، آنان که (به  
تکلیفها و احکام الهی) کافرنند در پاسخ می‌گویند:  
آیا ما خوراک به کسانی بدهیم که اگر خداوند  
می‌خواست خود به ایشان خوراک می‌داد؟ شما (در  
این راه و اندیشه‌تان) به حتم و یقین در گمراهی  
آشکار غوطه‌ورید.

اهمیت مسئولیتهای اجتماعی، بطور عموم، و در  
مسائل اقتصادی و مالی بخصوص، در احادیث فراوان  
مطرح گشته است:

پیامبر اکرم «ص»: «

كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ<sup>۲</sup>:

همه شما شبانید و همه در شبانی مسئول هستید.

انتشارات آستان قدس رضوی

۱. سورة یسین (۳۶): ۴۷.

۲. ارشاد القلوب / ۲۵۷.





بخش یازدهم:

# انتظار سامانیابی آثار آسان قدسی



## فصل ۱:

### انتظار سامانیابی زندگی

امام رضا «ع»:

قال معمر بن خلاد للرضا «ع»: عَجَّلَ اللهُ تَعَالَى فَرَجَكَ.  
فقال «ع»: يا معمر! ذاك فَرَجُكُمْ انتم، فإمّا أنا والله ما هو  
إلا مِرْوَدٌ فيه كُفٌّ سَوِيْقٍ مَخْتُومٍ بِخَاتَمٍ<sup>۱</sup>:

معمر بن خلاد به امام رضا گفت: خدا زودتر فَرَجِ  
شما را برساند! امام گفت: ای مُعَمَّر! این فَرَجِ، فَرَجِ  
خود شما است، زیرا نصیب من از حاکمیت  
اسلامی، به خدا سوگند، فقط کیسه کوچکی است،  
در آن مِشْتی آرد جو نبیخته، و سر آن مهر شده.

عنوان بالا را نیز از کلام امام رضا «ع» الهام گرفتیم،

---

۱. تحف العقول / ۳۲۹؛ مسند الامام الرضا «ع» ۱/ ۲۴۴.

از این سخن که به ابن خلّاد فرمود. ابن خلّاد! برای فرج در کار آن امام بزرگ (که زندانی نظام فاسد و دنیاپرست مأمونی بود)، دعا کرد، و شتاب در کار فرج برای آن امام را از خدای خواست. امام در پاسخ فرمود: فرج در کار من، در حقیقت فرج در کار شما است و فرج در زندگی امت و مردمان، و گرنه برای من که فرجی نیست.

امام رضا «ع»، در سخن دیگری، از این حقیقت بیشتر پرده برمی دارد و با صراحت بیشتری مسئولیت بزرگ حاکمان را مطرح می کند:

امام رضا «ع»:

والله لئن صرْتُ الى هذا الامر لآكلنَّ الخبيث بعد الطيب،  
و لألبسنَّ الخشن بعد اللين، و لأتعبنَّ بعد الدعة...<sup>۱</sup>:

اگر زمام حکومت را به دست گیرم غذای پست و بد خواهم خورد پس از غذای خوب (که قبل از دوره زمامداری روا بود). و لباس درشت و زبر خواهم پوشید پس از لباسهای نرم (دوران قبل از حکومت). و با سختی و سختکوشی خواهم زیست پس از آسایش...

امام به صراحت اعلام می دارد که در صورت تکیه

۱. مکارم الاخلاق / ۱۳۱؛ مسند الامام الرضا «ع» / ۳۶۲/۲.

زدن بر مسند حکومت اسلامی، غذای بد و ناگوار خواهم خورد، و لباس درشت و زبر خواهم پوشید و راحتی و آسایش را کنار خواهم گذاشت. در دورانی که مثل فردی در میان امت به سر می‌بردم، رواست که خوراک و لباسی چون دیگران داشته باشم، و کمی آسایش ببینم، اما اگر زمام جامعه را در دست بگیرم، می‌باید با پایین‌ترین طبقات زندگی کنم، و شب از روز نشناسم و همواره برای آسایش مردمان و سامان یافتن زندگی انسانها بکوشم.







بخش دوازدهم:

کرامت انسان و  
انتشار آسان حقوق او



## فصل ۱:

### کرامت انسان و حقوق او

۱- امام رضا «ع»:

زکریا بن آدم: سألت الرضا «ع» عن رجل من اهل الذمه  
اصابهم جوع فأتى رجل بولد له، فقال: هذا لك اطعمه و  
هو لك عبد. قال: لا يُبتاع حرٌّ، فإنه لا يصلح لك ولا من  
اهل الذمة<sup>۱</sup>:

زکریا گوید: از امام رضا پرسیدم که مردی از اهل ذمه  
(غیرمسلمانان مقیم در کشورهای اسلامی) که به فقر  
و گرسنگی مبتلا شده بود فرزندش را آورد و گفت:  
فرزندم مال تو، او را خوراک بده و او برده تو باشد.  
امام فرمود: (انسان) آزاده خریده و فروخته نمی شود.

---

۱. تهذیب ۷۷/۷؛ مسند الامام الرضا «ع» ۳۰۴/۲.

این کار شایسته تو نیست، از ذمیان نیز روا نمی باشد.

در پایان کار این بررسی، که به بخشهای ویژه‌ای از گفتار امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا «ع» نگریستیم، و در فراخور ذهن محدود صاحب این قلم، از دریای ژرف و بیکرانه علوم الهی آن امام بزرگ جامی برگرفتیم و در قالب این صفحات ریختیم، به بررسی اصلی دیگر می‌پردازیم، که بیشتر از شیوه رفتار و کردار امام الهام یافته است. سخن امام، در حدیث مذکور، اوج کرامت انسان و اصالت حقوق او و نفی ارزشهای مالی را روشن می‌سازد. امام رضا «ع» اجازه نمی‌دهد آزادی فرزند انسانی اگرچه ذمی و کافر باشد، با امور مادی معاوضه گردد، و آزادی انسان به جرم اینکه گرسنه است خدشه دار شود. از نظر امام، انسان آزاد است و احتیاجات اقتصادی نمی‌تواند او را برده کسی سازد و آزادی خدادادی او را سلب کند، اگرچه مسلمان نباشد.

در جامعه الهی رضوی، ارزش و والایی انسان پایه و اصل قرار دارد، و کلیه قوانین با توجه به این اصل تدوین می‌گردد، و روابط مالی و مبادلات اقتصادی - همه - در چهارچوب این بینش انجام می‌شود، و بر محور این اندیشه دور می‌زند که سرمایه، سود، کالا و هر چیز ارزشمندی برای انسان است و باید در خدمت او قرار گیرد. انسان

برای رشد سرمایه و تولید نیست تا در خدمت سرمایه و کالا قرار گیرد، بلکه اینها همه برای انسان و رشد انسان و در خدمت انسان است. البته تحقق این امور در صورتی است که جامعه براستی جامعه رضوی و اسلامی باشد؛ نه اینکه در ظاهر ادعای پیروی از ولایت کند، و خود را «رضوی» بداند، و در باطن، حاکمیت با معیارها و بینشهای ماده‌پرستی و سرمایه‌داری باشد.

یادآوری این نکته نیز لازم است، که در اسلام و اندیشه‌های الهی امام رضا «ع» اصول تربیتی و اخلاقی و مبانی ایمانی و اصول دینی، از اقتصاد و مسائل مالی و سیاسی و... جدا نیست. اخلاق و اقتصاد با هم رابطه دارند، توحید و عدل با ضوابط اجتماعی و قوانین اقتصادی، پیوندی ناگسستنی دارد، و همه قوانین بر محور عقیده به خدا دور می‌زند.

## ۲- امام رضا «ع»:

قال رسول الله «ص»: رَأْسُ الْعَقْلِ بَعْدَ الْإِيمَانِ بِاللَّهِ، التَّوَدُّ إِلَى النَّاسِ وَاضْطِنَاعُ الْخَيْرِ إِلَى كُلِّ بَرٍّ وَفَاجِرٍ<sup>۱</sup>:

نقل از پیامبر اکرم: اوج خردمندی - پس از ایمان به خدا - دوستی با مردم و نیکوکاری نسبت به هر (انسان) نیکوکار و بدکاری است.

این تعلیم که امام رضا «ع» از پیامبر «ص» نقل فرموده

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۳۵/۲، مسند الامام الرضا «ع» ۴/۱.

است، چه آموزش والا و ارزشمندی به بشریت داده است. در این تعلیم، انسان معیار اصلی قرار گرفته است، نه دیگر چیزها. حتی می‌نگریم که تقوا که یکی از اصولی‌ترین معیارهای شرع و دین است نیز ملاک لزوم احسان و نیکی قرار نگرفته است، که اگر انسانهای تقواییافته یافت شدند مورد نیکی و بزرگداشت قرار گیرند، و گرنه نه، و باید از همه کس، مهر و محبت و عاطفه و نیکوکاری دریغ گردد و همگان در هر حال و وضعیتی هستند، رها شوند و مورد لطف و محبت انسانهای دیگر قرار نگیرند؟ نه، چنین نیست؛ بلکه بنابراین تعالیم، همه افراد نوع انسان شایسته‌اند که مورد مهر و محبت و یاری رسانی قرار گیرند، و انسان در این بینش، باید مهرورزی و دوستی خویش را در سراسر جامعه انسانی بگستراند، و چون خورشید همگان را مشمول گرمی لطف و محبت خویش سازد.

این تعالیم است که می‌تواند ائمه طاهرین (ع) - یعنی آموزگاران بزرگ علوم و تعالیم قرآن - را به بشریت تشنه امروز معرفی کند، و عظمت و والایی فرهنگ اسلام را بر همگان روشن سازد، نه کوتاه فکریها و تعصبات خام و جاهلانته گروهی که از جوهر و روح تعالیم معصومان ناآگاهند و بیخبر. بنابراین، ضابطه، انسان بودن است، و انسان گرچه زشتکار و فاجر باشد، باید از نیکی کردن و توجه مردم محروم نماند، که این گونه برخورد می‌تواند خود عامل اصلاح کجرفتاران باشد، و ایشان را به جامعه ایمانی و

سرشتهای نیک آن جلب و جذب کند. انسان هنگامی که از جامعه مؤمنان نیکی دید، به آنان می‌گراید، و شیوه و روش آنان را راه و رسم زندگی خویش قرار می‌دهد. و این، راه عرضه گفتار نیک و محاسن کلام ائمه طاهرین «ع» است.

### ۳- امام رضا «ع»:

یا علی بن شعیب! مَنْ أَحْسَنُ النَّاسِ مَعَاشًا؟ قلت: انت یا سیدی اَعْلَمُ بِهِ مِنِّي. فقال: مَنْ حَسُنَ مَعَاشٌ غَيْرُهُ فِي مَعَاشِهِ. یا علی! مَنْ أَسْوَأُ النَّاسِ مَعَاشًا؟ قلت: انت اَعْلَمُ. قال: مَنْ لَمْ يَعْشَ غَيْرَهُ فِي مَعَاشِهِ...<sup>۱</sup>:

ای علی بن شعیب! چه کسی از همه مردم بهتر زندگی می‌کند؟ گفتم: ای سرور من، تو داناتری. گفت: آن کس که دیگران در زندگی او شریک باشند. چه کسی از همه بدتر زندگی می‌کند؟ گفتم: تو داناتری! گفت: آن کس که دیگران در زندگی او شریک نباشند.

و این قاعده‌ای است ارزشمند در روابط اجتماعی و سیر گردش ثروت، که باید انسانی باشد و هر کس دیگران را در زندگی خویش شریک سازد و برادرانه با آنان رفتار کند و دیگران از هر آنچه او دارد بهره‌مند گردند.

۱. مسند الامام الرضا «ع» ۳۱۵/۲.

## ۴- امام رضا «ع»:

عن أبائه «ع»، عن علي «ع» قال: قال رسول الله «ص»:   
إِصْطَنِعَ الْخَيْرَ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ وَ إِلَى مَنْ هُوَ غَيْرُ أَهْلِهِ،   
فَإِنْ لَمْ تُصِيبْ مَنْ هُوَ أَهْلُهُ فَأَنْتَ أَهْلُهُ<sup>۱</sup>:

نقل از پدران خود «ع» از امام علی «ع»: پیامبر   
اکرم «ص» فرمود: نیکی کن نسبت به آنان که   
شایسته‌اند و آنان که شایسته نیستند؛ (زیرا) اگر به   
(انسان) شایسته‌ای دست نیافتی، تو (خود) شایسته   
نیکوکاری (و دست یازیدن به کار خیر) هستی.

## ۵- امام رضا «ع»:

و فَرَّقَ بِخِرَاسَانَ مَالَهُ كُلَّهُ فِي يَوْمِ عَرَفَةَ. فَقَالَ لَهُ الْفَضْلُ   
بْنُ سَهْلٍ: إِنَّ هَذَا الْمَغْرَمَ؛ فَقَالَ «ع»: بَلْ هُوَ الْمَغْنَمُ،   
لَا يَعْدَنَّ مَغْرَمًا مَا ابْتَغَيْتَ بِهِ أَجْرًا وَ كَرَمًا<sup>۲</sup>:

امام در خراسان، همه اموال خویش را در روز عرفه   
(میان مردم و نیازمندان) تقسیم کرد. (در این هنگام)   
فضل بن سهل گفت: این کار زیان است. امام فرمود: بلکه   
این کار غنیمت و سود است. آنچه را برای دستیابی به   
پاداش الهی و کرامت انسانی بخشیدی، زیان مشمار.

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۳۵/۲.

۲. بحار ۱۰۰/۴۹.

## ۶- امام رضا «ع»:

مُعَمَّر بن خَلَاد قال: كَانَ إِذَا أَكَلَ أَتَى بِصَحْفَةٍ فَتَوَضَّعَ بِقُرْبِ مَائِدَتِهِ فَيَعْمِدُ إِلَى أَطْيَبِ الطَّعَامِ مِمَّا يُوتَى بِهِ، فَيَأْخُذُ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ شَيْئًا فَيَضَعُ فِي تِلْكَ الصَّحْفَةِ ثُمَّ يَأْمُرُ بِهَا لِلْمَسَاكِينِ<sup>۱</sup>:

معمر بن خلاد می‌گوید: هنگامی که امام رضا «ع» غذا می‌خورد سینی می‌آوردند و نزدیک سفره می‌گذاشتند. او به بهترین غذایی که برایش می‌آوردند می‌نگریست، و از هر غذا مقداری را برمی‌داشت و در آن سینی می‌نهاد، سپس دستور می‌داد آن سینی غذا را برای بینوایان ببرند.

امام رضا «ع» نمی‌تواند غذایی را بخورد که بینوایان از آن نخورده باشند. از اینرو، هرگاه می‌خواهد غذا بخورد، از آنچه در سفره خوراک اوست، برای محرومان و گرسنگان می‌فرستد.

انشارات آستان قدس رضوی

## ۷- امام رضا «ع»:

يَاسِرُ الْخَادِمِ! قَالَ: ... فَقَالَ لِي بَعْدَ مَا صَلَّى الظُّهْرَ: يَا

۱. کافی ۵۲/۴؛ مسند الامام الرضا «ع» ۳۹/۱.

یاسر ما اکل الناس شیئاً؟ قلت: یا سیدی من یا اکل  
ههنا مع ما انت فيه. فَأَنْتَصَبَ «ع»، ثُمَّ قَالَ: هَاتُوا الْمَائِدَةَ  
و لَمْ يَدَعْ مِنْ حَشَمِهِ أَحَدًا إِلَّا أَقْعَدَهُ مَعَهُ عَلَى الْمَائِدَةِ،  
يَتَفَقَّدُ وَاحِدًا وَاحِدًا... فَلَمَّا فَرَّغُوا مِنَ الْأَكْلِ أُغْمِيَ  
عَلَيْهِ...<sup>۱</sup>:

یاسر می‌گوید: (در روزی که امام رضا «ع» مسموم  
شده بود و در همان روز درگذشت) پس از اینکه  
نماز ظهر را گزارد، به من گفت: ای یاسر، مردم  
(اهل خانه و کارکنان و خدمتگزاران) چیزی خوردند؟  
گفتم: آقای من! که می‌تواند غذا بخورد با اینکه شما  
در چنین حالی هستید (حال مسمومیت شدید و  
واپسین لحظات حیات)، (در این هنگام) امام راست  
نشست، سپس گفت: سفره را بیاورید، و همگان را  
بر سر سفره فراخواند و کسی را فروگذار نکرد و  
یکایک را مورد محبت و مهر خویش قرار داد...  
هنگامی که همه غذا خوردند، امام بیهوش افتاد...

امام بزرگ انسان، حتی در آن حالت که مسمومیت  
تاروپود وجود او را متلاشی ساخته است، در اندیشه انسان  
است، و در اندیشه شکمهای گرسنه. از اینرو، با همه

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۲/ ۲۴۱.

ناراحتی و زحمت راست می‌نشیند، همه یاران و کارگزاران را فرامی‌خواند، و ایشان را بر سر سفره می‌نشانند، و یکایک آنان را مورد محبت و مهر خویش قرار می‌دهد، تا همه غذا بخورند و به خاطر حالِ سخت او گرسنه نمانند.

۸- امام رضا «ع»:

ابراهیم بن العباس: ما رأیت ابوالحسن الرضا «ع» جَنَى احداً بكلمةٍ قطُّ، و لا رأیتُهُ قَطَعَ على أحدٍ كلامه حتى يَفْرُغَ منه، و ما رَدَّ احداً عن حاجةٍ يَقْدِرُ عليها، و لا مَدَّ رجليه بين يدي جَلِيسٍ له قطُّ، و لا اتَّكأَ بين يدي جَلِيسٍ له قطُّ، و لا رأيتُهُ شَتَمَ احداً من مَواليه و مَماليكه قطُّ... و كان اذا خلا و نَصَبَ مائدته أَجْلَسَ معه على مائدته مَماليكه و مَواليه حتى البواب السائس... و كان كثيرَ المعروف و الصدقة في السرِّ و أكثرُ ذلك يكون منه في الليالي المظلمة...<sup>۱</sup>

ابراهیم بن عباس گوید: هیچگاه ندیدم که امام ابوالحسن الرضا «ع» کلمه‌ای به زیان کسی بگوید، و نه سخن کسی را پیش از پایان آن قطع کند، و نه حاجت کسی را که به ادای آن توان داشت، ردّ کند. هیچگاه نزد کسی که در حضور او نشسته بود، پایش

۱. عیون اخبار الرضا «ع» ۱/۲۸۴؛ مسند الامام الرضا «ع» ۱/۴۵.

را دراز نکرد، و بر متکا در برابر افراد تکیه نداد، همه کارکنان و غلامانش را بر سر سفره می‌نشاند، حتی دربانان و مهتران را... و بسیار احسان می‌کرد، و بسیار صدقه می‌داد، و این کار را بیشتر در شبهای تاریک انجام می‌داد...».

امام، تا مرز قدرت، نیاز نیازمندان را برمی‌آورد، و خواسته کسی را رد نمی‌کرد، و هرگاه بر سر سفره می‌نشست، همه خدمتگزاران را در کنار خود می‌نشاند، و با آنان غذا می‌خورد. به ناتوانان فراوان رسیدگی می‌کرد، و پول و غذا و... در پنهانی به خانه‌های مستمندان می‌برد، و بیشتر این کارها را در دل شبهای تاریک انجام می‌داد؛ و چنین بود امام بزرگوار انسان. در قلمرو تعلیم و تربیت چنین معیارهایی را به بشریت آموخت، و در میدان عمل خود پیشتاز عمل کردن کامل آن تعلیم بود، و جامعه رضوی، و پیرو مکتب امام رضا «ع»، باید در روابط انسانی چنین باشد، و در زندگی اقتصادی چنان، و باید چون امام خود بیندیشد و آنچنان عمل کند.



قرآن کریم

نهج البلاغه

الإسلام يقود الحياة - شهيد محمدباقر صدر - وزارت ارشاد  
اسلامی جمهوری اسلامی ایران.

ارشادالقلوب - الدبلمی - منشورات الرضی - قم.

اقتصاد اسلامی - شهید آیت... بهشتی - دفتر نشر فرهنگ  
اسلامی - چاپ اول پاییز ۱۳۶۲.

اقتصادنا - شهید آیت... سید محمدباقر صدر - تحقیق: مکتب

الأعلام الاسلامی - دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم -  
قم، ۱۳۷۵.

امالی الطوسی - شیخ طوسی (ره) - مکتبه الاهلیه - سید

شمس الدین حیدری - چاپ النعمان نجف اشرف ۱۳۸۴

هجری قمری.

بحار الانوار - علامه محمد باقر مجلسی - دارالکتب الإسلامية -

جلدهای ۳ - ۴۹ - ۶۲ - ۷۲ - ۷۴ - ۷۸ - ۱۰۳.

بررسی اجمالی مبانی اقتصادی اسلامی - متفکر شهید استاد

مرتضی مطهری - انتشارات حکمت - صفر ۱۴۰۳ هجری قمری.

تحف العقول - ابو محمد الحسن بن علی بن الحسین بن شعبة

الحرّانی - مؤسسه اعلمی - لبنان بیروت.

تهذیب الاحکام - شیخ طوسی - دار صعب و دار التعارف

للمطبوعات - بیروت ۱۴۰۱ هـ - ج ۷.

جامع السعادات - مولی محمد مهدی نراقی - چاپ چهارم -

دارالنعمان - نجف اشرف.

چقدر کافیت؟ جامعه مصرفی و آینده زمین - آلن درنینگ -

ترجمه: عبدالحسین وهاب زاده - انتشارات جهاد دانشگاهی

مشهد - ۱۳۷۴.

الحياة - محمدرضا، محمد، علی حکیمی - ترجمه: احمد آرام -

دفتر نشر فرهنگ اسلامی - تهران - ج ۱، ۳، ۴، ۵، ۶.

الخصال - شیخ صدوق - تصحیح: علی اکبر غفاری - جامعه

مدرسين حوزه علمیه قم - ۱۴۰۳ هـ. ق، ۱۳۶۲ هـ. ش.

عدة الداعي - احمد بن محمد فهد حلی - مؤسسه معارف اسلامية -

چاپ: پاسدار اسلام.

علل الشرايع - شیخ صدوق - مكتبة الحيدرية نجف - ۱۳۸۵ هـ. ق.

عوالي اللثالی - ابن ابی جمهور - مطبعة سيد الشهداء عليه السلام -

قم - ۱۴۰۳ هـ. ق.

- عیون اخبار الرضا - شیخ صدوق - انتشارات جهان - ج ۲.
- غررالحکم و دررالحکم - تمیمی آمدی - مکتب الإعلام الاسلامی.
- فقه الرضا «ع» - تحقیق: مؤسسه آل البيت «ع» لإحياء التراث - کنگره جهانی حضرت رضا «ع» - چاپ اول ۱۴۰۶ قمری.
- الكافي - ثقة الاسلام كليني - دار صعب و دارالتعارف للمطبوعات - بيروت ۱۴۰۱ ق - ج ۱ - ۳ - ۴ - ۵ - ۶.
- كشف الغمّه في معرفة الأئمّة - علامه محقق ابي الفتح الاربلي - نشر أدب الحوزه و کتابفروشی اسلاميه.
- مجمع البيان - شيخ طبرسي - شركة المعارف الاسلاميه - ۱۳۳۹ ش - ج ۶.
- المحاسن - محمد بن خالد البرقي - تصحيح و تعليق: سيد جلال حسيني مشهور به محدث - دارالكتب الاسلاميه - قم.
- مستدرک الوسائل - حاج ميرزا حسين نوري طبرسي - مؤسسه آل البيت لإحياء التراث - بيروت ۱۴۰۸ - ج ۱ - ۲ - ۳.
- مسند الامام الرضا - گردآورنده: شيخ عزيزا... عطاردی - مكتبة الصدوق تهران - چاپ اول ۱۳۹۲ هجری قمری.
- معانی الاخبار - شيخ صدوق - مكتبة المفيد - قم.
- معیارهای اقتصادی در تعالیم رضوی - محمد حکیمی - بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی - مشهد - چاپ اول ۱۳۷۰.
- مکارم الاخلاق - شيخ طبرسي - دارالكتب الاسلاميه - تهران، ۱۳۷۶ ق.

الوافی - ملا محمد محسن فیض کاشانی - مکتبه آیت...

مرعشی نجفی.

وسائل الشیعة - شیخ حرّ عاملی - مکتبه الاسلامیة - تهران

۱۳۸۶ - ج ۴ - ۶ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳.



نشر  
انتشارات آستان قدس رضوی



